

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۶۰/۰۲/۰۵

امروز دنیا از رشد شما مردم، از آگاهی و قدرت انقلابی شما مردم در تعجب و حیرت است. شما میتوانید یک جراحی عظیم بکنید، یک جراحی مغز بکنید، یک مغز فاسد را بردارید و دور بیندازید و خونریزی هم نشود. دنیا در مقابل این رشد ملت ایران و این روحیه انقلابی متعجب و مبهور است. این تحولاتی که میبینید، این سر و صداهای کودکانه اصلا و ابدا نمیتواند تاثیری در روند انقلاب ما بگذارد. و ای نیروهای رزمنده! ملت همچنان پشتیبان شماست. ماه رمضان نزدیک است؛ ماه خدا، ماه عبادت، ماه ضیافت الهی، ماه تطهیر دل، ماه تطهیر روح. ای مرد و زن مسلمان! با پیروی از تقوا و زنده کردن یاد خدا به استقبال ضیافت الهی برویم. در ماه رمضان باید ما هم ایمانمان، هم صبر و استقامتمان، هم معرفتمان بالا. برود، پروردگارا! ما را آماده‌ی قدم در میهمان‌سرای رمضان بگردان. پروردگارا! وحدت و یکپارچگی این امت مومن و نمازگذار را حفظ کن. پروردگارا! دست دشمنان را از جان این ملت قطع کن.

بیانات در مراسم بیعت دانشجویان / ۱۳۶۸/۰۲/۲۳

آن چیزی که به علم هم جان و روح و جهت خواهد داد. در بیانات حضرت امام(ره) و وصیت‌نامه‌ی ایشان، به این نکته‌ی اساسی بسیار توجه شده است. دانشگاه لایبالی و بیگانه از ارزشهای دینی و بی‌تفاوت و خونسرد نسبت به مفاهیم و جهت‌گیریهای انقلابی، دانشگاهی که در او نبض انقلاب زند، دانشگاهی که اعضایش - چه دانشجو و چه استاد - نسبت به حرکت انقلابی ملت ایران و برای پیشاهنگی و پیشقراولی، احساس تکلیف نکنند و نقش درجه‌ی یک را در کار انقلاب نداشته باشد، دانشگاهی نیست که امیدبخش و تضمین‌کننده‌ی آینده و مورد نظر امام(ره) باشد.

دانشگاه جهتدار و دیندار، بشدت متمایل به ارزشهای انقلابی و اسلامی است. البته ارزشهای انقلابی از ارزشهای اسلامی به هیچ‌وجه تفکیکپذیر نیست؛ اینها با هم یکی است. کسی نمیتواند بگوید من مسلمانم؛ اما انقلاب را قبول ندارم، و یا بگوید من انقلابی هستم؛ اما اسلام را قبول ندارم! امروز زنده‌ترین تپشهای انقلابی در این‌جاست؛ بسیج‌کننده‌ترین نیروهای مردمی، این انقلاب است؛ در حالی که سرتاسر دنیا، انباشته از انقلابهای گوناگون است. پس انقلابی غیراسلامی و اسلامی غیرانقلابی نداریم. ارزشهای انقلابی، همان ارزشهای اسلامی است.

شما دانشجویان عزیز باید بدانید نقش دانشجو برای حرکت انقلابی و پیشبرد آن، همچنان یک نقش زنده است. خیال نکنید که انقلاب تمام شد؛ انقلاب ادامه دارد. اگر انقلاب به معنای ایجاد تحول بنیادین است و نوید نجات و سعادت و صلاح برای قشرهای عظیم محروم و مظلوم را میدهد و دشمنهایی در برابر جهت‌گیریهای آن به صف‌آرایی برمیخیزند، طبیعی است که این کار هنوز جریان دارد و تمام نشده است. دلیلش، دشمنیها و خصومت‌هایی است که در دنیا نسبت به ما میشود و نیز حمایتها و محبت‌ها و صمیمیتهایی است که از طرف ملتهای مظلوم دنیا نسبت به این انقلاب و رهبر آن - که شما این روزها مظهرش را میبینید - ابراز میشود.

بیانات در مراسم بیعت دانشجویان / ۱۳۶۸/۰۲/۲۳

عده‌یی از افراد ساده‌اندیش خیال میکنند که اگر دانشجو بخواهد حضور انقلابی داشته باشد، راهش این است که بر سر مسوولان خود داد بکشد؛ خیر، این‌که انقلابیگری نیست. آن‌جایی که میبینید دانشجو بر سر مسوولان امر داد میکشد، مسوولان با دانشجویان هم‌جهت نیستند؛ آنها مزدور امریکا هستند و این جوانان نمیتوانند طاق‌ت بیاورند و بالاخره فریاد اعتراض میکشند؛ کمااین‌که در رژیم گذشته همین‌گونه بود و دانشجو و طلبه و مردم و وجدانهای بیدار و انسانهای شجاع و روحهای سالم، بر سر مسوولان امر داد میکشیدند.

مبادا عده‌یی به صورت فریب‌انگیز و با ترندهای گوناگون بیایند و به چند جوان ساده تفهیم کنند که دانشجو بایستی فریاد بکشد! بله، فریاد باید کشیده شود؛ ولی بر سر امریکا و قدرتهایی که مزاحم مسوولان و اداره‌کنندگان نظام هستند. در هر دانشگاهی که تحصیل میکنید، حضور دانشجویی خود را به صورت قوی و با خط درست حفظ کنید.

پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی(ره) / ۱۳۶۸/۰۲/۲۳

در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشوری نمونه که در آن، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزشهای اخلاقی اسلام تأمین شود. هریک از این چهار رکن اصلی، ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور آن از مراحل گوناگون ممکن نخواهد شد.

رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه‌ی مصرف‌گرایی نیست - که خود، یکی از سوغاتهای شوم فرهنگ غرب است - بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعدادها ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حد قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه‌های فقر و عقب‌افتادگی رخت ببرند.

عدالت اجتماعی، بدین معنی است که فاصله‌ی زرف میان طبقات و برخورداریهای نابحق و محرومیتها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئنترین و وفادارترین مدافعان انقلابند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد. با قوانین لازم و تأمین امنیت قضایی در کشور، بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست‌اندرازی به حیطة مشروع زندگی مردم جمع شود. همه‌کس احساس کند که در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجا مطمئن پناه برد، و همه کس بدانند که با کار و تلاش خود خواهد توانست زندگی مطلوبی فراهم آورد.

روحیه و آرمان انقلابی، بدین معنی است که میل به زندگی راحت و مرفه، جامعه و مسوولان را به سازشکاری و تسلیم در برابر زورگویی قدرتهای جهانی و غفلت از توطئه‌ی استکبار و بی‌اعتنایی به پیام جهانی انقلاب نکشاند. آن روزی که خدای نخواستہ جمهوری اسلامی، رفاه و آبادی را هدف عمده‌ی خویش قرار داده و در این راه حاضر به چشم‌پوشی از آرمانهای انقلابی و جهانی و فراموشی از پیام جهانی انقلاب شود، روز انحطاط و زوال همه‌ی امیدها خواهد بود؛ و خدا چنین روزی را ان‌شاءالله هرگز نخواهد آورد. بی‌شک، ملت ایران برای دفاع از اسلام عزیز و استقلال ملی آماده است که همه چیز خود را فدا کند.

برخورداری از ارزشهای اخلاقی اسلام بدین معنی است که روح فضیلت و پرهیزکاری و وارستگی و بردباری و اجتناب از شهوات ممنوع و دوری از حرص و آز و دنیاطلبی و حق‌کشی و نامردمی و مال‌اندوزی و روی‌آوردن به خلوص و پاک‌ی و پارسایی و دیگر خصلتهای اخلاقی در جامعه رواج یابد و به صورت ارزشهای اصلی به حساب آید.

بر این چهار ستون اصلی است که جامعه‌ی رو به رشد اسلامی شکل می‌گیرد و قوام و استحکام می‌یابد و استعدادها شکوفا و سرچشمه‌های نیکی و بهروری جوشان می‌شود و جامعه‌ی اسلامی الگوی جذابی برای همه‌ی ملتها می‌گردد.

پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی(ره) / ۱۳۶۸/۰۲/۲۳

نهادهای انقلابی که از آغاز نقش موثری در حراست از دستاوردهای انقلاب داشته‌اند - چه آنها که در قالب سازمانها و تشکیلات تولیدی و خدماتی و تبلیغاتی خدمت می‌کنند، و چه انجمنهای اسلامی که در همه‌جا پرچمدار ارزشهای انقلابی می‌باشند - روحیه انقلابی را با نظم و انضباط دقیق و توأم با سعه‌ی صدر به کار گرفته، بدون تخطی از وظایف خود، راه و رسم دفاع از انقلاب را زنده نگاهدارند.

ماموران و کارگزاران نظام - چه در قوه‌ی مجریه و چه در قوه‌ی قضاییه - خود را مظهر تدبیر و امانت و خدمتگزاری نظام بدانند و دلسوزانه و صادقانه، در خدمت به مردم یکوشند و با احترام موکد به قانون، نمونه‌های بارز درستکاری و خلوص را به مردم نشان دهند و بدانند که خدمت به این مردم فداکار، عبادتی بزرگ و افتخاری ابدی

است.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری / ۱۳۶۸/۰۵/۱۲

بعضی خیال میکنند تا جنگ تمام شد، همه‌ی مشکلات جنگ از بین خواهد رفت. نه، مشکلات جنگ، باید بعد از جنگ برطرف بشود. برطرف کردن یک مشکل، بسیار طولانیتر از ایجاد مشکل خواهد بود. یک بمب میخورد و در یک لحظه، ساختمانی را ویران میکند. ما اگر بخواهیم همین ساختمان را دوباره سرپا کنیم، زمان زیادی لازم است. این همه ویرانیهایی که در جنگ به وجود آمد، این همه منابعی که تعطیل ماند، این همه منابعی که ضایع و خراب شد، این همه مشکلاتی که بر مردم وارد آمد، ترمیمش زمان زیادی لازم دارد. نباید عجله بخرج داد و زیاد طلبکاری کرد. این فکر را نباید القا کرد که به مجرد آنکه دولت تشکیل بشود، با فاصله‌ی کوتاهی همه‌ی مشکلات برطرف خواهد شد. البته مشکلات، در زمان معقول و مناسب برطرف خواهد شد. برنامه‌ریزی و تلاش و گرفتن همکاری از مردم و ابتکارات گوناگون لازم است تا ان‌شاءالله مشکلات برطرف بشود.

این جمله را هم مطرح کنیم که علاج مشکلات ما در این است که سازندگی کشور را در کنار تأمین روحیه‌ی انقلابی در مردم و حفظ همان صلابت و چهره‌ی با عظمت و هیبت انقلاب ببینیم. اگر به رفاه عمومی نیندیشیم و به سازندگی کشور فکر نکنیم، مطمئناً نظام جمهوری اسلامی نخواهد توانست الگو و تجربه‌ی مطلوب را به دنیا ارائه بدهد. اگر در مسائل رفاه زندگی عمومی و ایجاد تسهیلات و رفع مشکلات غرق شویم، به طوری که جهتگیریهای انقلابی را به دست غفلت بسپاریم، به ابهت و هیبت انقلاب ضربه زده‌ایم و جاذبه‌ی آن را در دنیا مخدوش کرده‌ایم و این، مطمئناً به کارایی ما ضربه خواهد زد. بنابراین، این دو در کنار هم مطرحند. البته، در مسایل داخلی و سازندگی، رفاه و رفع مشکلات و ایجاد سازندگی، تنها هدف نیست. در مسایل داخلی هم، تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی و رعایت طبقات ضعیف و محروم، یک رکن اصلی است؛ همچنانکه در سطح حرکت عمومی کشور، اخلاق و روحیات اسلامی و برادری و گذشت و ایثار و بقیه‌ی خلیات حسنه‌ی اسلامی هم، باید مورد توجه قرار بگیرد.

بیانات در دیدار وزیر و کارکنان وزارت امور خارجه / ۱۳۶۸/۰۵/۲۱

از کاری که شما کردید، دو نتیجه میتوان گرفت: اول، پرورش ذهنی و سیاسی خوبی که بحمداللهگاه دیپلماسی پیدا کرده است. اگرچه به قول آقای دکترولایتی، از صفر شروع کرده‌اید؛ ولی خوشبختانه امروز نیروهای بسیار خوب و زبده با برجستگیها و درخشندگیهای خوب، در میان شما یافت میشوند. این را باید قدر دانست. دوم، این است که میداننداری سیاسی و موضوعگیریهای وزارت خارجه در طول این چند سال، راه صحیح دیپلماسی انقلابی و اسلامی را ترسیم کرده است. به همین دلیل، همواره مورد تأیید امام و مسوولان هم قرار میگرفت. یعنی اگر ما برای جامعه‌ی انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قابل هستیم، باید در درجه‌ی اول جهتگیری اسلامی حفظ شود و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرتهای بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیریها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است. برای خلیها که بین انقلابیگری و برخورد منطقی منافات میبینند، عمل انقلابی همراه با تشکیلاتی منطقی و دقیق و حساب شده، قابل جمع نیست. ما مشاهده میکنیم که اینها میتواند با هم جمع شود. انقلابیگری به این نیست که ما آن جایی که نباید پرخاش کنیم، بیخودی پرخاش کنیم. انقلابیگری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرتها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، در حقیقت به ممشای انقلابی و اسلامی توجه کرده‌ایم. خوشبختانه، در طول این هشت سال، این خط به مرور رو به سمت تکامل بوده و محفوظ مانده است. لذا امام بزرگوارمان (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) آن شخصیت حکیم والای دوران‌دیش نافذالبصیره - با رضایت از وزارت خارجه و خط کلی دیپلماسی، از ما جدا شدند و دنیا را ترک کردند. ما بارها احساس رضایت ایشان را شنیده بودیم.

این نکته را هم اضافه کنیم که برادران عزیز! هرچه بر پایندی به اصول اسلامی و روشهای آن بیشتر تأکید بورزید، موفقتر خواهید بود. موفقیت امروز دیپلماسی ما که دنیا، و حتی مخالفان ما، بدان اذعان دارند، در درجه‌ی اول مدیون تقید و پایندی شما دست‌اندرکاران است. این را حفظ کنید. بخصوص سفرای ما در نمایندگیهای خارجی، بر حفظ صددرصد تقیدات و ظواهر اسلامی نسبت به خود و خانواده‌ها و همکارانشان مراقبت کنند و این مساله را در گزینشها رعایت نمایند. به هیچ وجه در این مساله انعطاف و نرمش نشان ندهید که قوام شخصیت شما و شخصیت دیپلماسی ما، به این است.

جایی که ما پایندی و اعتقاد دینی قوییی نشان دهیم، دشمن در ما چیزی از قدرت را احساس خواهد کرد که چون او را درست نمیشناسد، ابهت آن در دلش جای خواهد گرفت. چنین اعتقاد و اقتداری ابهت است؛ والا این اقتدارهای معمولی و ظاهری - چون پول و ثروت و علم و تسلیحات و ... - قابل فهم و تشخیص است و خلیها هم بیشتر از ما از آن برخوردارند.

چیزی که در ما استثنایی است و توجه دنیا و احترام دیگران را جلب میکند، همین پایندی ما به یک فکر و اعتقاد الهی است که آن را نشان میدهم. در راه آن، هیچ‌گونه رودربایستی و گذشت و انعطاف و معامله، وجود ندارد. این اعتقاد و پایندی را هر چه ممکن است حفظ کنید و این کار، با ظواهر و امانت اسلامی و پایبندیهای شدید اسلامی تأمین خواهد شد و لاغیر. این معنا را خیلی رعایت کنید. البته، من بحمدالله موارد متعددی شاهد بوده‌ام که اینها رعایت میشده است. یعنی هر جا رفتیم، یا از نزدیک دیدیم و یا مشاهدات و خبر کسانی را که فرستادیم، خوب بوده است؛ لیکن هر چه بیشتر رعایت کنید و اصلا کوتاه نیاید.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۷/۰۵

علت این که ما ملت ایران، در ده سال بعد از انقلاب توانستیم در مقابل تهاجم گوناگون دشمن - با همه‌ی مشکلات آن - بایستیم و مقاومت کنیم و ضرر بیشتری متوجه آنان نکنیم، این است که به برکت دین و ایمان و انقلاب و اسلام و آموزش قرآنی و اسلامی شخصیت عظیم‌الشانیه که بیان و سخن و کلامش، مفاد و مضمون قرآن و اسلام بود، در میان مردم ما روحیه‌ی انقلابی و پارسایی انقلابی و وحدت کلمه‌ی بیشتر حکم‌فرما بود.

دشمنان ما - عراق و امریکا و شرق و غرب - از اتحاد خود و حمله و فشار به نظام جمهوری اسلامی، طرفی نیستند. علت موفقیت ما این بود که شما جوانان در صحنه بودید، ملت آماده بود و روحیه‌ی انقلابی بر جریانهای غیرانقلابی و ضد انقلابی غلبه داشت. تا وقتی این‌گونه باشد، تهدیدهای دشمن عملی نخواهد شد. تهدید و سو نیت دشمن و خطر وجود دارد؛ اما تا شما در صحنه هستید، این خطر تحقق پیدا نخواهد کرد.

نقش جوانان بسیجی و بسیج، در این آمادگی عمومی کاملاً روشن است. من در جواب آن سوال آغازین که جایگاه بسیج در کشور ما بعد از دوران جنگ کجاست؟ میگویم که بسیج باید با همان روحیه و شور و قدرت دوران جنگ باقی بماند و جوانان آموزش ببینند و سازماندهی شوند و آمادگی و حضور پیدا کنند.

بسیج، یکی از نیروهای مسلح نیست. بسیج، متن ملتی است که در مراکز نظامی و صنعتی و اجتماعی و دینی و آموزشی حضور دارد. این‌طور نیست که ما ارتش و سپاه داریم و یک نیروی مسلح دیگر هم به نام بسیج داریم. خیر، بسیج متن ملتی است که در سایه‌ی آموزش، سلاح به دست گرفته و در وقت نیاز کشور، همراه نیروهای مسلح، بیشترین و سنگینترین بار را به دوش میگیرد؛ چنانکه در جنگ دیده شد. البته، سازماندهی و نظم و ترتیب و ادب و برخورد اسلامی، اساس قضیه است.

من، به برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سفارش موکد کرده‌ام که مساله‌ی بسیج را جدی بگیرند. اداره و ترتیب بسیج، در حدود نیمی از ماموریت و مسوولیت سپاه پاسداران است. در کنار این موضوع، باید بگویم که رفتار و ادب و نظم و انضباط افراد بسیج باید از دیگران به رفتار اسلامی نزدیکتر باشد و روحیه‌ی آمادگی بسیجی در تمام دستگاهها و سازمانهای کشور، باید ان‌شاءالله حکم‌فرما شود.

به مناسبت حضور جمعی از برادران گمرک در این مجلس، تأکید میکنم که روحیه‌ی بسیجی و انقلابی توأم با آمادگی کامل برای کار و تلاش، به نحو صحیح و صادقانه، در سازمانهای مالی و اقتصادی و اجتماعی حکم‌فرما شود. گمرک، از جمله مراکز انحصاری بیگانگان در زمان سلطه‌ی آنان بر ایران بود که از طریق آن، علیه

مصلح ملت کار میکردند. دروازه‌های ورودی و خروجی کشور، در اختیار بیگانگان و افراد و موسسات و دولتهای وابسته به آنان بود؛ بیگانگانی که هیچ علاقه‌ی به مصلح کشور نداشتند و این جز ذلت و رقت نبود. بعدها هم که از دست بیگانگان گرفته بودند، فساد دستگاههای مالی - از جمله گمرک - در دوران رژیم گذشته آنچنان بود که باز برای ملت ضرر و زحمت به همراه داشت. البته، عناصر خوب و امین همه جا بودند - آن جا هم بودند - لیکن گاهی یک آدم فاسد، دستگاهی را به فساد میکشاند. البته در دوران انقلاب، بحمدالله مدیران خوب و مسوولان دلسوز، بر این مجموعه‌ها مدیریت کرده‌اند و تلاش فراوانی شده است، ولی همچنان کارهای زیادی باقی است.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۶۸/۰۹/۲۱

مسئله‌ی دیگر به دانشگاهها برمیگردد. البته مدارس هم هستند؛ اما بخصوص دانشگاهها مهمترند. باید به ذهنیت دانشجویان و جوانان و اعتقادات و روحیه‌ی اسلامی و انقلابی آنها، خیلی توجه بشود. حقیقتا جوانان موتور و راه‌اندازنده‌ی حرکت‌های بزرگ - هم مثبت و هم منفی - در جامعه هستند. اگر ما بتوانیم این مجموعه‌ی جوان با فرهنگ را که در نقطه‌ی به نام دانشگاه جمع شده‌اند، به سمت روحیه‌ی انقلابی و اسلامی جهت بدهیم، به نظرم میرسد که کشور و انقلاب، بزرگترین سود را از این بابت خواهد برد.

در گذشته، دانشگاه نقطه‌ی بود که در آن، بیفرهنگی اسلامی بیش از جاهای دیگر و یا در ردیف بدترین جاها بود. این، کاری بود که رژیم و دستگاههای فرهنگی گذشته دنبال میکردند و توجه داشتند که این کار در دانشگاهها انجام بگیرد. مقاصد سیاسی پشت سر این قضیه بود. به نظر من، امروز باید طوری باشد که ورود در دانشگاه، مثل ورود در حوزه‌ی علمیه باشد. همچنان که در حوزه‌ی علمیه، انسان معرفت و دین و تعبد میآموزد، کسی هم که به دانشگاه وارد شد، حتی اگر از مبنای اسلامی و انقلابی فاصله هم دارد، دانشگاه در طی این مدت، او را با مبنای اسلامی و انقلابی آشنا کند و متعبد سازد.

به همین خاطر است که بایستی به تربیت دینی و گرایشها و روحیه‌ی پرشور انقلابی جوانان در دانشگاه اهمیت داد. فقط با زبان هم نمیشود. این کار، مقدماتی لازم دارد. عناصری که در دانشگاهها به کار گرفته میشوند، آنها را که موثرند، آنها را که در مراکز حساس واقع میشوند، واقعا باید از کسانی باشند که این انقلاب را از بن دندان قبول داشته باشند. البته ما نمیخواهیم بگوییم که هر استاد و یا متخصصی که در دانشگاهها تحقیق و یا تدریس میکنند، بایستی یک انقلابی طراز اول باشد. نه، ممکن است این فرد کاملا قابل قبول باشد و دانش وافر داشته باشد و انقلاب از دانش او استفاده کند. ما بیش از دانش او، چیزی از او نمیخواهیم. منتها در همین مورد هم نباید انگیزه‌ی ضدیت با انقلاب در او وجود داشته باشد؛ چون اگر این انگیزه وجود داشت، دانش او در اختیار انقلاب قرار نخواهد گرفت.

پس، در مراکز حساس و سربرندهای اداره‌ی امور دانشگاهی - چه اداره به معنی رسمی آن و چه اداره‌ی امور فکری و تدریس و امثال اینها - کسانی که مسوول میشوند و کارهای مهم دست آنهاست، واقعا باید از عناصر انقلابی باشند. دیگران هم انگیزه‌ی ضدیت با انقلاب در آنها نباشد. اگر واقعا کسی انگیزه‌ی مخالفت با انقلاب در وجودش باشد، حضور او در دانشگاه - در هر سطحی که باشد - مضر است؛ برای تحصیل هم مضر میباشد. من این واقعیت را در بعضی از رشته‌هایی که میتوانستم درباره‌ی آنها قضاوت کنم، مشاهده کرده‌ام. استادی که توانایی تربیت شاگرد در آن رشته را دارد، ولی بر اثر بیاعتنائی یا مخالفت با انقلاب، حتی وقت نمیگذارد که دانشجوی را در آن رشته تربیت کند، در حقیقت برای او، تربیت دانشجوی انقلابی و دانشگاه انقلاب، یک انگیزه نیست؛ بلکه نسبت به این قضیه ضد انگیزه دارد.

البته، دانشجویان عناصر آینده‌ساز این کشور هستند و بایستی از همه جهت - چه از جهات فکری و چه از جهات علمی و درسی و به تبع آن از لحاظ مادی و رفاهی - روی آنها سرمایه‌گذاریهای بشود که اطلاع دارم بحمدالله دولت مشغول است و برنامه‌های خوبی برای این قضیه دارد. امیدواریم انشالله این برنامه‌ها به نتیجه برسد.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۶۸/۱۰/۱۹

من معتقدم که این، اوج فساد و نتیجتا آخر آن است. من معتقدم این مقداری که امروز قلدری قدرتمندان و در راس آنها امریکا در دنیا بیداد میکند، نشاندهنده‌ی آن است که اینها آخر کارشان است. این، نشاندهنده‌ی آن است که اینها رو به زوال میروند. در این، هیچ تردیدی ندارم که اینها روزهای اوج قدرت - یعنی اواخر قدرت - را میگذرانند و بالاخره دنیا و ملتها تحمل نخواهند کرد. رژیم امریکا، با پشتکار و ابتکار و نشاط مردمی در سالهای قبل به وجود آمد و به قدرت رسید و با حماقت و جلافت و سبکسری امروز سردمدارانش، رو به ضعف میروند و سرش به سنگ خواهد خورد. اگر مردم دنیا و دولتها، در مقابل این سبکسریها و جلافتها و تعدیها میایستادند و حرف میزدند، جلویشان گرفته میشد.

البته، ما ملت ایران ساکت نخواهیم نشست. ما به ملتها و دولتهای دیگر تاسی نمیکنیم و از آنها تقلید نخواهیم کرد. ما وظیفه‌ی خود را انجام میدهیم. ما تا همین امروز هم توانسته‌ایم با قدرت اسلامی و توکل به خدا و انسجام و وحدت عمومی ملتمان و با روشنی راهی که در پیش داریم و هیچ ابهامی در راه خود نداریم، جلوی خیلی از تجاوزها را در دنیا بگیریم. ما باز هم به وظیفه‌ی خود عمل خواهیم کرد و معتقدیم ملتها یکی پس از دیگری و روزبه‌روز آگاه و آشنا خواهند شد. نشانه‌های این آگاهی و آشنایی را در دنیا میبینیم.

مهم این است که ملت ایران، روح و نشاط انقلابی را در خود حفظ کند. شما باید شجاعتتان را حفظ کنید. این ملت و انقلاب و کشور، در درجه‌ی اول با شجاعت آن رهبر بزرگ - که شجاعتی شبیه پیامبران و اولیای بزرگ خدا در او بود - و سپس با شجاعت یکایک احاد این مردم توانست تا این‌جا بیاید. قدرت و شجاعت، نترسیدن از غیر خدا و حفظ نشاط انقلابی خواهد توانست به توفیق و اعانت الهی، ما را به تمام هدفهایمان برساند. من از شما برادران و خواهران عزیز و مردم مومن و حزب‌اللهی قم، مخصوصا علمای اعلام و محترم و خانواده‌های مکرّم شهدا و رزمندگان عزیز که زحمت کشیدید و در این هوای سرد و برفی تشریف آوردید، صمیمانه تشکر میکنم. توصیه و پیام من این است که مردم قم و همه‌ی احاد ملت، آن شان و شور و رویه و شجاعت انقلابی را در تمام لحظات برای خودشان حفظ کنند و به خدا توکل نمایند و بدانند به فضل پروردگار پیروزی از آن این ملت است.

بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و روسای دانشگاه‌های سراسر کشور / ۱۳۶۹/۰۵/۲۲

انقلاب، یعنی این‌که تحولی در همه چیز به وجود بیاید. یکی از آن تحولات هم، در مقوله‌ی علم در این کشور است. نگویید ما پول و بودجه نداریم. بله، خیلی کارها با پول انجام میگردد؛ لیکن به نظرم میرسد که کل دستگاه علم و دانش کشور، باید با یک دید انقلابی به مساله نگاه کند؛ مثل آن کسی که فرزندش درون آب افتاده و دارد غرق میشود؛ مثل روحیه‌ی همان مبارزی که در دوران پیش از پیروزی انقلاب، هیچ چیز - نه زن، نه بچه، نه زندگی، نه خانه، نه راحتی - نمیفهمید و همه‌ی زندگیش مصروف این میشد که کاری انجام بدهد. دستگاه علمی کشور، باید این‌طور جلو برود و هر چیزی که مانع سر این راه است، حقیقتا برطرف بشود. بنابراین، در دانشگاهها باید علم و تحقیق و تحقیقات کاربردی، کاری کرد و حرکتی انجام داد. ...

محیط دانشگاه، باید محیط دینی باشد. باید این را تامین کنیم. و این نمیشود، مگر این‌که شما که روسا و مسوولان دستگاههای دانشگاهی کشور هستید - بیش از همه، آقای وزیر و معاونان ایشان و بعد هم روسای دانشگاهها و دانشکده‌ها - صددرصد با تعصب دینی و انقلابی و پایبندی شدید و اصرار بر این‌که باید دین حاکمیت پیدا کند و چتری بر زندگی محیط دانشگاه بزند، این هدف را تعقیب کنید. از کلمه‌ی تعصب نترسید. تعصب جاهلی بد است. عصبیت که از روی جهالت نباشد، خیلی هم خوب است. عصبیت، معنایش جهالت نیست.

البته از یک استاد، چنین انتظاری نمیروند. یک استاد، ممکن است مسیحی باشد. او اصلا این را قبول ندارد. هیچ اشکالی ندارد که از او دعوت کنید، به این‌جا بیاید. استادی که نماز نمیخواند و بیدین است، مانعی ندارد که از او دعوت کنید، به این‌جا بیاید؛ منتها مواظب باشید که این استاد از وجود خودش، نخواهد بیدینی صادر کند. به حریم این شی مقدس، مساس و اصطکاک نداشتن باشد، اشکالی ندارد که بیاید. اگر اصطکاک داشت، نباید. این، حرف همیشه‌ی من است. همیشه

اعتقاد این بوده و هست، آن استادی که بناست بیاید علمی را بیاموزاند و اعتقادی را که روح آن علم است، بگیرد و از بین ببرد، نباید بیاید، این دزد و مضر است. یک وقت کسی میگوید، تندیهای میکند و بیرویه عمل مینماید، که طبیعی است هرچا تندی بیرویه‌ی باشد، غلط است؛ این که محل بحث نیست، بحث سرشماس است که چگونه میخواهید تصمیم بگیرید: عاقلانه، خونسردانه، با تسلط بر جوانب امر؟ آن استاد یا آن مسوولی که در رابطه‌ی خودش با دانشجو، میخواهد پایه‌های ایمان دینی آنها را - که همان ایمان انقلابی است - سست بکند، چه مسوول و چه دلسوزی است؟ چه ارزشی برای پیشرفت علم کشور دارد؟ او چه کمکی به استقلال این ملت میتواند بکند؟ این، همان دانشگاه گذشته میشود که حقیقتا برای این مملکت سودمند نبود؛ شما نباید بگذارید.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی زمینی سپاه / ۱۳۷۰/۰۲/۲۱

نکته‌ی آخر در این باب، مساله‌ی اجرای کامل آیین‌نامه‌ی انضباطی است. این آیین‌نامه را موبه‌مو اجرا کنید و هیچ کم نگذارید؛ چون در سپاه مطلقا چنین عادت‌ی بر اجرای آیین‌نامه وجود نداشته است. مردم با همان تربیت انقلابی و دینی معمولی و بدوی با هم برخورد میکردند. البته برای یک مجموعه‌ی غیرنظامی اشکالی ندارد؛ اما برای مجموعه‌ی نظامی، چنین چیزی امکان ندارد. این آیین‌نامه واجب و لازم است؛ آن را موبه‌مو اجرا کنید.

آن نکته‌ی اصلی در باب سپاه این است که بلاشک در طول جنگ، سپاه عنصر موثر و تعیین‌کننده‌ی جنگ بود و اکثر فتوحاتی که ما از اول تا آخر جنگ داشتیم، با نام سپاه همراه است؛ یا منحصراتعلق به سپاه بود، یا سپاه در آنها نقش اصلی و مهم را ایفا کرده است. این، برای چه بوده است؟ این سوالی است که البته پاسخش هم برای همه‌ی شما واضح است. هرچند ممکن است برای بسیاری از آیندگان ما این پاسخ واضح نباشد، لیکن همین پاسخ، راز استمرار پیروزی در صحنه‌ی مبارزه‌ی بزرگی است که ما همچنان درگیرش هستیم. واقعا علت این پیروزیها و این پیشرفتهای چه بود؟ پاسخ در یک جمله است: فداکاری ناشی از تدبیر انقلابی. تدبیر منهای روحیه‌ی انقلابی، با گوشه‌گیری و انزوا و عدم تحرک هم میسازد؛ اما تدبیر با روحیه‌ی انقلابی - که همان دین خالص و ناب و صحیح و قرآنی است - روحیه و حالتی را با خودش همراه دارد که فداکاری و ایثار و ابتکار و کوچک شمردن موانع و اتکای به خود و اعتماد مطلق و توکل به خدای متعال در آن هست.

این روحیه‌ها موجب شد که در موارد متعددی، شماها به عنوان فته‌ی قلبیه، بر فئات کثیره فایز بیایید. این باید حفظ بشود. مواظب باشید که این از ما گرفته نشود. اگر خدای نکرده گرفته بشود یا متزلزل گردد، موجودیت نیروی مسلح انقلابی، دیگر معنا نخواهد داشت؛ حرکت انقلابی سابقه‌داری که دنیا را به خودش متوجه کرد، معنا و تحقیقی نخواهد داشت. این، با تربیت دائمی دینی است، که البته آقایان محترم علمایی که تشریف دارند، و نیز دفتر نمایندگی و گروههای عقیدتی، سیاسی، زمینه‌ساز و سررشته‌دار این قضیه برای تعلیم و درس و آموزش و بعضی از مراقبتهایند؛ اما حقیقت و قوام قضیه، به اراده و خواست تک تک افراد و فرماندهان است.

پیام به چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولیفقیه در سپاه / ۱۳۷۰/۰۶/۲۵

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سایه‌ی روحیه‌ی انقلابی و معنویتی که از سرچشمه‌ی جوشان دل منور و روح مصفا‌ی آن امام عارفان و قدوه‌ی صالحان پیوسته می‌جوشید و بیش از همه جوانان رزمنده و خالص سپاه و بسیج را سیراب می‌کرد، توانست نقش تعیین‌کننده‌ی را در دفع حمله‌ی ایادی استکبار به جمهوری اسلامی ایفا کند و در کنار ارتش و با بکارگیری بسیج مردمی، درس تلخی به دشمنان اسلام بدهد و حفظ و استمرار نظام جمهوری اسلامی را تضمین کند. این جحشی بر ملت ما و خود نیروهای مسلح و همه‌ی دست‌اندرکاران کشور نیز بود که نقش توکل به خدا و اتکا به روحیه‌ی انقلابی و شجاعت در میدان عمل را به آنان نشان داد و وسوسه‌ی گرایش به بیگانگان و استمداد از نااهلان را از دل آنان زایل ساخت و بحمدالله جمهوری اسلامی با تکیه بر عناصر خودی و بالیده در دامان انقلاب و به حول و قوه‌ی الهی در عرصه‌های مختلف به پیروزیهای بزرگی دست یافته است.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۷۰/۰۹/۲۰

همه‌ی شما آقایانی که در دانشگاه بوده‌اید و بیش از ماها دانشگاه را میشناسید و دارای روحیه‌ی دینی هم هستید، به عمق آن واقفید. اگر دانشگاه، بیگانه و جدای از دین باشد، این یک فاجعه‌ی غیر قابل جبران است. غیر قابل جبران، به این معناست که جبران آن، بسیار بسیار تلفات خواهد داشت و مشکلات فراوانی به بار خواهد آورد؛ تا یک وقت آیا جبران بشود، یا نشود.

خصوصیت جمهوری اسلامی این است که دستگاه انسان‌سازیش بایستی صحیح حرکت بکند و انسان باب هدفهای جمهوری اسلامی بسازد؛ والا اگر ما بخواهیم انسان فقط عالم بسازیم - منهای آرزوهای مقدسی که یک ملت و بخصوص مسلمین دارند - بهتر همین است که دانشجویانمان را گروه‌گروه به کشورهایی که دستگاههای علمیشان مجتهدتر و مدرتر از ماست، روانه کنیم؛ آنجا بروند یاد بگیرند و بیایند! هدف این نیست. هدف این است که کشور به دست انسانهای صالح از لحاظ علمی و فکری، در جهت هدفهای خودش حرکت کند؛ و این نخواهد شد، مگر آن وقتی که این انسانها خودشان، آن هدفها را شناخته و قبول داشته باشند. اگر دانشگاه جایی شد که کسی که از آنجا صادر و خارج میشود - متخرج دانشگاه - نه نسبت به انقلاب حساس باشد، نه نسبت به دین حساس باشد، نه نسبت به کشور حساس باشد، نه نسبت به استقلال ملی و آرزوهای بزرگ ملی حساس باشد، این دانشگاه هرچه هم از لحاظ علمی والا باشد، ارزشی نخواهد داشت؛ زیرا که متخرج و محصول این دانشگاه، راحت در اختیار سیاستهای مختلف قرار خواهد گرفت.

این مطلب، برنامه‌ی ما را در مورد دانشگاه باید مشخص بکند. یعنی ما بایستی در دانشگاه، دین و روحیه‌ی انقلابی و بیزاری از وابستگی ملی را مورد توجه قرار بدهیم؛ بخصوص این نکته‌ی وابستگی، یعنی همان چیزی که متأسفانه امروز کشورهای کوچک دنیا - کوچک از لحاظ وضع سیاسی و موقعیت سیاسی - و کشورهای سابق به اصطلاح جهان سوم و عمدتاً کشورهای اسلامی، دچار آن هستند و چشمشان به آن طرف است.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۷۰/۰۹/۲۰

توجه به روحیه‌ی انقلابی دانشجویان هم مهم است. این دانشجویان، مانند سایر دانشجویان در همه‌ی جای دنیا، بایستی جزو پیشبرندگان انقلاب و جزو پایه‌های اصلی انقلاب باشند و نسبت به مسائل انقلابی، هرگز احساس سردی نکنند؛ این شیوه‌هایی لازم دارد؛ همین‌طور دستوری نیست؛ این حکمی نیست که بگویم شما دانشجویان، بانشاط در راه هدفهای انقلاب حرکت کنید. نشاط، چیزی است که باید آن را در یک فشر به وجود آورد. باید دنبالگیری کنید و ببینید چگونه میشود این نشاط را به وجود آورد؛ باید آن را در فشر دانشجو به وجود آورد.

روحیه‌ی انقلابی دانشجویان در دانشگاه نباید ضربه بخورد. آن عده‌ی که بیتفاوتند، باید کاری بشود که به جهتگیریهای انقلابی و نشاط انقلابی گرایش پیدا کنند؛ نه این‌که خدای نکرده بعکس شود و کارهایی انجام بگیرد که کسانی که روحیه و جهتگیری انقلابی دارند، یواش‌یواش به بیتفاوتی گرایش پیدا کنند؛ این خطر بسیار عظیمی است.

بیانات در مراسم صبحگاه نظامی پایگاه نیروی دریایی ارتش / ۱۳۷۰/۱۰/۱۲

[نیروهای مسلح] در سازندگی درونی به شکل جهادی، به شکل بسیجی، به شکل انسانهای انقلابی، بدون انتظار فراهم آمدن همه‌ی جزئیاتی که برای آدمهای معمولی لازم و موثر است، سر از پا نداشتند، عاشقانه، با جوشش ابتکار و استعداد، بدون این‌که گفته شود این را نداریم و آن را نداریم، حتی با دست خالی

شرکت کنند. سازندگی، آن‌جا که متکی به عشق و شوق و ابتکار و خلاقیت انسانها باشد، با همه‌ی فقدها و نداشتن‌ها هم میسر است. ما بحمدالله دچار نداشتن هم نیستیم. ما میخواهیم بجوشیم. ما میخواهیم استعدادها بروز کند. ثانیاً در بیرون نیروهای مسلح، ارتش و سپاه میتوانند سهم خود را در بازسازی عمومی کشور هم ایفا کنند؛ همچنان که امروز هر دو سازمان - و بخصوص سپاه - طرحهای بزرگی را از سازندگی عمومی کشور برعهده گرفته و شریک شده‌اند.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۷۱/۰۷/۲۹

این، برای یک ملت، سرنوشت‌ساز است. یعنی عبور کردن از یک امتحان به شکل صحیح و خوب، ملت را عزیز، قوی و متکی به نفس میکند و خودباختگی را از او دور میسازد. این، آثار آن حرکتی است که شما مرد و زن در سرتاسر کشور، در هشت سال جنگ از خود نشان دادید. آن حرکت، واقعا یک حرکت عظیم و بزرگ بود. آنچه من عرض میکنم این است: بعد از آن‌که به خاطر آن بزرگواریها و گذشتها، این محصول به دست ملت ایران آمد، باید به حفظ و تقویت آن پرداخت و نباید آن را رها کرد. از این روست که نیاکرم اسلام، صلیالله‌علیه‌وآله‌وسلم، بعد از آن‌که از میدان جنگ سختی برگشتند، فرمودند: «این جهاد اصغر بود و بعد از این، نوبت جهاد اکبر است». جهاد اکبر یعنی جهاد با نفس. جهاد با نفس را فقط در یک محدوده‌ی شخصی نباید محصور کرد. البته مبارزه با شهوات و لذت‌طلبی و راحت‌طلبی و افزون‌طلبی و اخلاق ناشایسته در وجود آدمی، مبارزه با نفس است و مهم هم هست. یعنی آدمی با آن شیطان درونی خود باید دائم مبارزه کند و او را مهار بزند تا نتواند انسان را به کارهای زشت وادار کند. لکن جهاد با نفس، در محدوده‌ی عظیم اجتماعی هم معنا دارد. آن، این است که این روحیات پیروزیاقرین و احساسات و تفکراتی را که توانست آن امتحان را به آن شکل افتخارآمیز به پایان برساند، در خودمان حفظ کنیم و خود را رها نکنیم. کسی گمان نکند که وقتی گفته میشود دوران بازسازی است، یعنی دیگر دوران حماسه و شور و انقلابیگری تمام شد. هرگز چنین نیست. دشمن میخواهد این‌طور تبلیغ کند که دوران بعد از جنگ و دوران بازسازی، یعنی دورانی که دیگر شور و حماسه‌ی انقلاب در آن نیست. یعنی آن حماسه‌ها و ایمان جوشان و فداکاریها و صلابت در مقابل دشمن، مخصوص دوران جنگ بود و حالا دیگر آن دوران تمام شد. حالا دیگر دوران این است که برگردیم به همان شکلی که مردم غافل بعضی از کشورها در آن شکل زندگی میکنند! این است معنای دوران بازسازی؟ هرگز چنین نیست. کسانی که چنین تصور میکنند، در اشتباهند. در یک جامعه‌ی اسلامی و انقلابی، روح انقلاب و ایمان همیشه زنده و کارساز است. روح انقلاب و روح شور و حماسه‌ی انقلابی، در دوران جنگ موجب پیروزی در جنگ است و در دوران سازندگی موجب پیروزی در مبارزه‌ی سازندگی است. سازندگی هم یک مبارزه است. آدمهای کوتاه‌فکر گمان نکنند که دشمنان اسلام از دشمنی با نظام اسلامی و ملت مسلمان دست برداشته‌اند. آنها این دشمنی را در شکلهای مختلف، در شکل تبلیغات سو - که امروز دنیا را از تبلیغات علیه نظام اسلامی و مسلمین و اسلام پر کرده‌اند - نشان میدهند. البته بحمدالله تبلیغاتشان بی‌اثر یا کم‌اثر است. آنها کار خودشان را میکنند؛ ولو اثری نبخشند. آنها به وسیله‌ی رشد دادن عناصر خائنی که به انقلاب و ملت و کشور پشت کردند و با دشمنان ساختند و مزدور دشمن شدند، با ما خصومت میکنند. این کارها را بعد از دوران جنگ هم، به همان اندازه که در دوران جنگ انجام دادند - و بلکه بیشتر - انجام میدهند. تلاش دشمنان برای منحرف کردن افکار و جوانان، رها کردن ایمان و تعصبات پرچوش اسلامی و مذهبی، که همیشه در همه‌ی مواقع بحرانی، نگهدار یک ملت و یک جامعه بوده است، ادامه دارد. آنها میخواهند تعصب دینی و اسلامی - که اصل است - و تعصب فرهنگ ملی - که آن هم برخاسته از اسلام است - نباشد.

دشمن که ساکت نمیشیند! دشمن که از دشمنی دست برنمی‌دارد! ما در مقابل این دشمن، چگونه از این حقیقت عزیز و این گوهر گرانبها، یعنی استقلال کشور و انقلاب عظیم، دفاع خواهیم کرد؟ جز با ایمان عمیق و معرفت روشن مردم؟ این است که ملت عزیز ما باید هوشیار باشد. باید این زرمه‌های خام و خواب‌کننده را از طرف شیاطین بدانند.

ملت، بحمدالله هوشیار است. ما در قضایای مختلف این را احساس کرده‌ایم. شما ببینید امروز وقتی که در دنیا اسلام، در اقصی نقاط عالم، ماجرای اتفاق می‌افتد که مساله‌ی اسلام و مسلمین است، آن‌جا مردم ما، غیرت دینی خودشان را نشان میدهند. در همین قضایای مربوط به بوسنی هرزگوین، یا مربوط به فلسطین، یا مربوط به سایر مناطقی که مسلمانان در فشارند، دیدید که مردم ما چطور آن غیرت و سوز دینی را نشان دادند. یعنی مردم و مسوولین، به آن شور انقلابی پایبندند.

خدا را شکر میکنیم که امروز مسوولین، خودشان جزو عناصر مقدم حزب‌اللهی هستند. رئیس جمهور مملکت، خود یک فرد حزب‌اللهی و پرشور و امتحان داده است. خدا را شکر میکنیم که هیچ وسیله‌ای برای این‌که دشمن بتواند تبلیغات و زرمه‌های شوم خود را در ذهنها و دلها جا کند، وجود ندارد. اما درعین‌حال، دشمنان تبلیغاتشان را میکنند. قوام مملکت و نظام اسلامی و این استقلال دیر یافته، به این است که شما مردم و شما جوانان، همان شور و احساس انقلابی را که در دوران جنگ و در آغاز انقلاب بود، با همان قدرت حفظ کنید. همان غیرت دینی، همان انگیزه و همان احساس حضور دشمن در جبهه‌ی مقابل را باید حفظ کنید. همچنان که بحمدالله، جوانان حفظ کردند.

پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی / ۱۳۷۲/۰۱/۰۱

آنچه که من به برنامه‌ریزان و مسوولین دولتی موکدا سفارش می‌کنم، این است که در این برنامه توجه کنند که هدف اصلی، کمک به طبقات محروم جامعه باشد. این، چیزی است که ما را به «عدالت اجتماعی» نزدیک می‌کند. هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه آن است. ما نمی‌خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه این سازندگی یا نتیجه رونق اقتصادی، این باشد که عده‌ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده‌ای فقیرتر شوند. این، به هیچ‌وجه مورد رضای الهی و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست. ما می‌خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله بین فقیر و غنی، روزبه‌روز کمتر شود. این، هدف اصلی است. باید این را در برنامه مورد نظر قرار دهند. این برنامه‌های پنج ساله، هر کدام رقم درشتی برای حرکت ملت و دولت به سمت اهداف انقلاب است. باید این جهت را، که جهتگیری انقلابی است، با تأکید و اصرار هر چه تمامتر، در آن رعایت کنند و آن را حفظ نمایند.

نکته دیگری را که به مسوولین و ملت عزیز عرض می‌کنم این است که اگر کاوش کنیم خواهیم دید که ما در گذشته هرچا که توفیق داشته و موفق شده‌ایم، به خاطر آن بوده است که به اصول انقلاب احترام گذاشته و آن را رعایت کرده‌ایم. هرچا ناکامی داشته‌ایم، به خاطر آن بوده است که کم و بیش از اصول الهی و اسلامی و انقلابی، انحراف پیدا کرده‌ایم. پیشرفتهای ما، به برکت اصول انقلاب است. البته، دشمنان از خارج و ایادی آنها در داخل، کوشش می‌کنند که عکس این را وانمود کنند. مودیانه و خیانت‌آلود می‌نویسند و تبلیغ می‌کنند که پایندهای انقلابی، مشکل‌آفرین است! نه؛ این، دروغ و افتراست. پایبندی انقلابی برای ملت و دولت، گره‌گشا و راهگشاست، و مشکل را برطرف می‌کند. آنچه که مشکل‌سازاست، انحراف از اصول اسلام و انقلاب است؛ چه در عمل ما و چه در فکر ما. گاهی ممکن است فکر هم انقلابی باشد؛ ولی عمل، انقلابی نباشد. این هم مشکل‌آفرین است.

شما به صحنه جنگ هشت ساله - جنگ تحمیلی - نگاه کنید. آنجا این قضیه، خودش را به روشنی و وضوح نشان می‌دهد. درسیاست خارجی نگاه کنید. آنجا هم این قضیه، خودش را به وضوح آشکار می‌کند. در همه مسائل دیگر نیز همین‌طور است. باید این را رعایت کنیم.

من به همین دلیل و به همه دلایل دیگر، به ملت عزیزان توصیه و سفارش می‌کنم که هم در سال آینده، هم در سال جاری - که بحمدالله با میمنت و مبارکی آغاز شده است - کوشش کنند که همان جهتگیری انقلابی و اسلامی، همان روح کمک و معاونت به دولت و مسوولین را حفظ کنند. همان وحدت و هماهنگی و یکپارچگی ملی را حفظ کنند. اینها چیزهایی است که برای جامعه و کشور ما، گره‌گشاست.

اگر به تبلیغات و تلاشهای دشمنان توجه کنید، می‌بینید تلاشهای آنان بر این متمرکز است که یکپارچگی را در بین ملت ما از بین ببرند. البته دشمن، بد ما را می‌خواهد. پس، یکپارچگی برای این ملت، گره گشا و درمان دردهاست. دشمنان می‌خواهند بین دولت و ملت و مسوولین و آحاد مردم، جدایی ایجاد کنند. باید در

جهت عکس آن حرکت کرد. آنان می‌خواهند که مردم از اسلام و هدفهای انقلاب، فاصله بگیرند. پس، این چیزی است که به ضرر ملت ماست و باید این فاصله را کم کنند و هر چه بیشتر در جهت اسلام و انقلاب حرکت کنند.

بر همین اساس، من تاکید می‌کنم که جوانان عزیز و مومن، آحاد مردم - زن و مرد مسلمان - امر به معروف و نهی از منکر را که دو فریضه الهی و جزو ارزشهای است که می‌تواند در این جهت، برای ملت ما وسیله بسیار مفید و موثر و پیش‌برنده‌ای باشد، فراموش نکنند و دستگاه‌های مختلف کشور - دستگاه‌های دولتی و انقلابی - هم سعی کنند که خودشان را هرچه بیشتر، به موازین و اصول انقلابی، اسلامی نزدیک کنند.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۷۲/۰۶/۰۲

ما الان اگر واقعا بخواهیم مدیران برجسته‌ای در سطح وزیر پیدا کنیم، تعداد بیشماری را میتوانیم مشخص نماییم. یعنی واقعا جمهوری اسلامی، هیچ مشکلی از این‌جهت ندارد. من قبول ندارم که ما دچار کمبود مدیر در سطوح بالا هستیم. ممکن است الان در سطوح متوسط این‌طور باشد؛ اما در سطوح بالا، بحمدالله مدیران خوبی داریم و میتوانیم از این افراد مومن و معتقد استفاده کنیم.

من این‌طور میخواهم تعبیر کنم و این تعبیر، حاکی و گویاست: عرض من این است که در محیط وزارتخانه، آن جو حزب‌اللهی را غالب کنید. با همان بار معنایی که کلمه «حزب‌اللهی» دارد. باید آدمهای متدین بر سرنوشت تشکیلات حاکم باشند. البته در سطوح مختلف، انسان میتواند از همه کسانی که اندک چیزی بلدند و خودشان هم با ما هم‌عقیده نیستند و حتی میگویند که «هم‌عقیده نیستیم»، استفاده کند. حرفی نیست. بنده در بخشهای مختلف کشور، قسمتهایی را میشناسم که آن مدیری که در آن قسمت کار میکند - البته مدیر در سطوح پایین، یا یک کارشناس متخصص - اعتقادی هم به راه انقلاب ما ندارد؛ اما خودش را در خدمت این مدیریت قرار داده؛ در خدمت این تشکیلات یا این وزارتخانه یا این اداره قرار داده است و کار میکند. به این شکل میتوانیم از خدمات افراد استفاده کنیم. اما آنهایی که تعیین کننده‌اند، راه را مشخص میکنند و بخصوص، در سطوح بالای مدیریت و نیز کارشناسی‌هایی که خط‌دهنده هستند، باید افرادی باشند با روحیه انقلابی و اسلامی عمیق. این، آن اساس کار است که اگر شد، به اعتقاد بنده تمام هدفهایی که شما برای خودتان مشخص کرده‌اید و در برنامه‌هایتان آورده‌اید و در سخنرانیها و بیاناتتان اظهار کرده‌اید، تحقق می‌پذیرد.

دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران با رهبر انقلاب / ۱۳۷۵/۰۵/۱۷

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روحیه انقلابی را پشتوانه عظیم قدرت ایران اسلامی خواندند و فرمودند: بزرگترین اشتباه برای ملت و دولت اسلامی ایران این است که خدای نخواستند این پشتوانه عظیم یعنی روحیه انقلابی را از دست بدهد زیرا جوشش و حضور انقلابی و تمسک به اندیشه‌های انقلابی است که این نظام را عظمت می‌بخشد و قدرت می‌دهد، احترام دیگران را بر می‌انگیزد و راههای ناهموار را بر روی ایران اسلامی هموار می‌کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی بر ضرورت پرهیز از حالت دفاعی در مسائل سیاسی به عنوان یکی از ویژگیهای روحیه انقلابی تاکید کردند و فرمودند: نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران در جهان باید تیزتر از شمشیر، نرمتر از حریر و سخت‌تر از سنگ و پولاد باشند. عرصه سیاست خارجی میدان نرزشهای قهرمانانه است، اما نرمشی که در برابر دشمن تیز باشد. بنا بر این دیپلماتهای ما باید در مواضع اصولی خود مستحکم بایستند و استقامت و پایداری حضرت امام خمینی (رض) را الگوی خود قرار دهند. مقام معظم رهبری روحیه تسلیم‌ناپذیری حضرت امام خمینی (رض) را موجب نجات کشور، ملت و انقلاب اسلامی دانستند و فرمودند: کسانی که امام را قبول دارند باید شکر گزار او باشند و کسانی که با انقلاب دشمنی می‌ورزند اما ایران را قبول دارند باید خاک پای امام را توتیای چشمشان کنند و خود را وامدار او بدانند زیرا استقامت و پایداری امام (رض) بود که موجب شد که ایران بماند و تجزیه نشود.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

یکی از حرفهایی که امروز محور جنگ روانی دشمن است - که لازم است آن را بگویم - این است که میگویند نسل سوم انقلاب از ایده‌های انقلاب جدا شده است! بعد به دنبالش یک فلسفه هم میگذارند - مثل همه فلسفه‌های قلابی و دروغین و جعلی که فقط برای توجیه یک حرف دروغ و غلط درست میکنند - تا کسی جرات نکند بگوید این حرف غلط است. میگویند این حرف متکی به یک فلسفه است! آن فلسفه چیست؟ آن فلسفه این است که همواره در همه انقلابها، نسل سوم از آن انقلاب رو برگردانده‌اند! حرف دروغ، حرف غلط، حرف چرند! کدام انقلابها را میگویند؟ در سال ۱۷۸۹ در فرانسه انقلاب شده؛ اما نه نسل سوم، نه نسل دوم، بلکه همان نسل اول از انقلاب برگشتند! بعد از چهار، پنج سال، یک حرکت علیه انقلابیون اول به وجود آوردند و سه، چهار سال قدرت را قبضه کردند؛ باز بعد از چهار، پنج سال علیه آنها فعالیت شد. به سال ۱۸۰۲ که رسید، چنان ماهیت این انقلاب دگرگون شده بود که کسی مثل ناپلئون توانست بیاید و تاج پادشاهی را روی سرش بگذارد! یعنی کشوری که علیه سلطنت مبارزه کرده بود و لویی شانزدهم را زیر گیوتین گذاشته بود، بعد از ده، دوازده سال وضعیتش به گونه‌ای شد که ناپلئون بناپارت آمد و تاج شاهی را بر سرش گذاشت و خودش را امپراتور نامید و سالها هم در آن کشور حکومت کرد؛ بعد هم تا نزدیک به هشتاد، نود سال رژیمهای سلطنتی - البته سلطنتهای گوناگون و سلسله‌های مختلف - در فرانسه پابرجا بود، که دائما در حال جنگ و ابتذال و فساد بودند! آن انقلاب به نسل سوم که هیچ، به نسل دوم هم نرسید؛ چون پایه‌های انقلاب، پایه‌های سستی بود. امروز بعد از گذشت دو قرن، بعضی کسان در جمهوری اسلامی خجالت نمی‌کشند؛ می‌آیند ایده‌هایی که در زمان خودش یک انقلاب را نتوانسته بود به سامان برساند، با تیزتر درشت به انقلابیون ایران تقدیم میکنند؛ انقلابیونی که نتوانسته‌اند عظیم‌ترین انقلاب را با پایه‌های مستحکم به وجود آورند و سالها که متنادی آن را در مقابل توفانها حفظ کنند.

این کدام فلسفه است، با کدام انقلاب تطبیق شده و در کجا تجربه شده که نسلهای سوم انقلاب، از انقلاب برمیگردند؟ خیر، این بسته به این است که ایده آن انقلاب چه باشد. اگر ایده‌های یک انقلاب بتواند نسل دوم و سوم و دهم را به خاطر اصالت و صحت خود قانع کند، آن انقلاب عمر ابدی خواهد داشت. ایده‌های انقلاب اسلامی، ایده‌هایی هستند که عمر ابد دارند. عدالتخواهی هیچ وقت کهنه نمیشود؛ آزادیخواهی و استقلالخواهی هیچ وقت کهنه نمیشود؛ مبارزه با دخالت بیگانگان هیچ وقت کهنه نمیشود. اینها ایده‌هایی است که همیشه برای نسلها جاذبه دارد. تئوریهاییشان نشستند بافتند، ساده‌لوحان هم در این‌جا باور کردند؛ گفتند نسل سوم انقلاب ایده‌ها را پس میزند و چون جاذبه‌ی انقلاب کم میشود، ما میتوانیم برویم انقلاب را از دست انقلابیون خارج کنیم و به دست خودمان بگیریم! «خودمان» یعنی چه کسانی؟ یعنی کسانی که قبل از انقلاب، سالها بر این کشور مسلط بودند! من میگویم این فکر، بسیار ساده‌لوحانه و ابلهانه است. مطمئن باشند همان شور و هیجان و ایمان و عواطفی که در نسل جوان آن روز وجود داشت و توانست آن کار را بکند، در این نسل جوان هم موجود است. بدانند هر سنگی به سمت انقلاب پرتاب کنند، کمانه میکند و به سر و روی خودشان برمیگردد. انقلاب کهنه نمیشود و آتش انقلاب آن‌گاه که با انبار بنه پوسیده آنها درگیر شود، باز هم تازه خواهد بود و خواهد سوزاند.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

ما از اول انقلاب دوگونه انقلابی داشتیم و انقلابیون ما دو گونه نقش ایفا کردند. بعضی از انقلابیون، انقلابیون مثبت بودند؛ بعضی از انقلابیون هم انقلابیون منفی بودند. در اوایل انقلاب، انقلابی منفی به آن انقلابیای می‌گفتیم که از میدان کار و تلاش و حرکت، آن‌جایی که دردسری داشت، عقب میکشید. انقلابی بود، اما انقلابی و جاهت‌طلب و راحت‌خواه؛ انقلابیای که میگفت من مبارزه‌ام را قبل از انقلاب کرده‌ام، اکنون دیگر میخواهم احترام شوم. بنابراین، چنین کسانی به میدان خطر و دردسر و آن‌جایی که چهار نفر آدم از انسان گله‌مند میشوند، وارد نمیشوند.

یک عده هم انقلابی مثبت بودند. حاضر بودند آبرویشان را هم خرج کنند. آن‌جایی که فکر میکردند وجودشان میتواند کمکی بکند، با همه وجود حاضر بودند. اگر جبهه بود، یکطور؛ اگر دانشگاه بود، یکطور؛ اگر میدان فرهنگی یا سیاسی بود، وارد میدان میشدند. انقلابی منفی، خودش را از کار کنار میکشید؛ اما اگر یک وقت

کاری هم به دستش افتاد، مثل آدمهایی که هیچ کاری در دستشان نیست، حالت منفیافی و شکل اپوزیسیون به خودش میگیرد؛ کانه در هیچ کاری مسوولیت ندارد! انقلابی مثبت حتی اگر هیچکاره هم باشد، خودش را مسوولترین افراد میدانند و وارد میدان میشوند. من میخوام به شما عرض کنم: عزیزان! جوانان! انقلابی مثبت باشید. دانشگاه باید انقلابیون مثبت پرورش دهد؛ این ملت و این تاریخ به شما نیاز دارد؛ باید خودتان را آماده کنید.

بیانات در یادگان دوکوهه / ۱۳۸۱/۰۱/۰۹

این سال، سال «عزت و افتخار حسینی» است. این عزت، چگونه عزتی است؟ این افتخار، افتخار به چیست؟ آن کسی که حرکت حسین بن علی علیه السلام را بشناسد، میدانند که این عزت، چگونه عزتی است. از سه بعد و با سه دیدگاه، این نهضت عظیم حسینی را که در تاریخ این طور ماندگار شده است، میشوید نگاه کرد. در هر سه بعد، آنچه که بیش از همه چشم را خیره میکند، احساس عزت و سربلندی و افتخار است. یک بعد، مبارزه حق در مقابل باطل مقتدر است که امام حسین علیه السلام و حرکت انقلابی و اصلاحی او چنین کرد. یک بعد دیگر، تجسم معنویت و اخلاق در نهضت حسین بن علی است. در این نهضت عرصه مبارزه‌ای وجود دارد که غیر از جنبه اجتماعی و سیاسی و حرکت انقلابی و مبارزه علنی حق و باطل است و آن، نفس و باطن انسانهاست. آنجایی که ضعفها، طمعها، حقارتها، شهوتها و هواهای نفسانی در وجود انسان، او را از برداشتن گامهای بلند باز میدارد، یک صحنه جنگ است؛ آن هم جنگی بسیار دشوارتر. آنجایی که مردان و زنان مومن و فداکار پشت سر حسین بن علی علیه السلام راه میافتند؛ دنیا و مافیها، لذتها و زیباییهای دنیا، در مقابل احساس وظیفه از چشم آنها میافتد؛ انسانهایی که معنویت مجسم و متبلور در باطنشان، بر جنود شیطانی - همان جنود عقل و جنود جهلی که در روایات ما هست - غلبه پیدا کرد و به عنوان یک عده انسان نمونه، والا و بزرگ، در تاریخ ماندگار شدند. بعد سوم که بیشتر در بین مردم رایج است، فجایع، مصیبتها، غصه‌ها، غمها و خون‌دهای عاشوراست؛ لیکن در همین صحنه سوم، باز هم عزت و افتخار هست. کسانی که اهل نظر و فکر و تاملند، باید هر سه بعد را دنبال کنند.

در آن بعد اول که امام حسین علیه السلام یک حرکت انقلابی به راه انداخت، مظهر عزت و افتخار بود. نقطه مقابل حسین بن علی چه کسی بود؟ آن حکومت ظالم فاسد بدکارهای بود که «یعمل فی عبادالله بالاثم و العدوان». نمودار اصلی این بود که در جامعه‌ای که زیر قدرت او بود، با ندگان خدا و انسانها با ستم، عدوان، غرور، تکبر، خودخواهی و خودپرستی رفتار میکرد؛ این خصوصیت عمده آن حکومت بود. چیزی که برایشان مطرح نبود، معنویت و رعایت حقوق انسانها بود. حکومت اسلامی را به همان حکومت طاغوتی که قبل از اسلام و در دوره‌های مختلف در دنیا وجود داشته است، تبدیل کرده بودند. در صورتی که بارزترین خصیصه نظام اسلامی، حکومت است؛ برجسته‌ترین بخشهای آن جامعه ایده‌آلی که اسلام میخواهد ترتیب دهد، شکل و نوع حکومت و رفتار حاکم است.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی / ۱۳۸۲/۰۲/۰۱

شما اسمتان جهاد دانشگاهی است؛ روی این اسم تکیه کنید و به مقتضای این اسم تمسک کنید و حقیقتاً جهاد کنید. وقتی جهاد؛ یعنی تلاش هدفدار برای خدا، وجود داشت، بدون تردید موفقیت هم با آن همراه خواهد بود. ما راهی که به سمت مرزهای پیشرفته‌ی دانش در همه‌ی زمینه‌ها داریم، مسلم بدانید که جز با روحیه استقلال، روحیه توکل به خدا و روحیه کار برای ایمان طی نخواهد شد. باید این راه را سریع طی کنیم و راههای میانبر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم؛ مرزهای دانش را باز و مرزهای جدیدی را ایجاد کنیم؛ این کار ممکن است؛ زیرا این‌جا سرزمین علم‌خیز است و شماها نشان دادید که میشوید. درهای بسیاری از این دانشها بر روی کشورهایی مثل کشور ما و غیردرندگانش بسته است و وقتی اجازه میدهند دانش منتقل شود، که کهنه و دستمالی شده است و از نوبی و طراوت افتاده است. البته در همه‌ی زمینه‌ها همین‌طور است؛ در زمینه‌های علوم انسانی هم همین‌طور است. من آنروز به دوستانی که در زمینه‌های اقتصاد و مدیریتهای گوناگون کشوری کار میکنند و در این‌جا بودند، گفتم که مطالبی را امروز بعضیها در این‌جا دنبال میکنند، که منسوخ شده است. نظریات برتر آنها به بازار آمده و مورد عمل قرار گرفته و آنها مشغول کار هستند، ولی تعدادی در این‌جا - کسانی که مجذوب حرف آنها هستند - تازه دارند آن دنباله‌ها را مطرح میکنند؛ بعضی میگویند تعبد پیش خدای متعال و پیش دین نداشته باشیم، اما خودشان در مقابل غرب و در مقابل اروپا و امریکا تعبد دارند! این افراد تعبد در مقابل خدا را قبول نمیکند، ولی تعبد در مقابل سرمایه‌داری غرب و دستگاه‌های قدرت سیاسی متکی به آن سرمایه‌داری را با جان و دل میپذیرند!

این نهاد انقلابی است؛ انقلابی بمانید؛ توصیه‌ی موکد من این است. حرکت انقلابی بر خلاف القانات افراد خبیث و یک عده از قلم‌مزمدهای داخلی که آن را ترویج میکنند و این‌طور القا میکنند که انقلاب یعنی آشفتگی؛ سردرگمی؛ هیچی به هیچی نبودن و سنگ روی سنگ بند نشدن، نیست، بلکه انضباط انقلابی، برترین و قویترین انضباطهاست. بینظمی که اول انقلاب دیده میشود، به‌خاطر این است که بناک غلط و کج و پوسیده‌ی وجود دارد، که باید آن را به هم ریخت و بناک نوبی گذاشت. آن به هم ریختگی متعلق به اول انقلاب است؛ انقلاب که آن به هم ریختگی نیست؛ انقلاب یک امر مستمر است؛ انقلاب یعنی سازندگی؛ یعنی رویش و بالندگی. رویش و بالندگی بدون انضباط، بدون قانون و بدون نظم مگر ممکن است؟! بهترین کارها را کسانی کرده‌اند که با روحیه انقلابی کرده‌اند؛ هم در جنگ، هم در سازندگی و هم در علم و مسائل فرهنگی. بنابراین، انقلابی بمانید. روحیه انقلابی یعنی اسیر حدود تحمیلی نشدن؛ فایع به گیرندگی فطره‌چکانی نشدن؛ با امید دنبال هدف حرکت کردن، و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به دست آوردن. این، انقلاب و حرکت انقلابی است.

دیدار انمه جمعه سراسر کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۸۲/۰۸/۲۳

ایشان از دیگر وظایف این دوران، حفظ روحیه و ارزش‌های انقلابی را بر شمردند و خاطرنشان کردند: حفظ ارزش‌های انقلاب به معنای اهتمام برای ایجاد امید و روحیه و عزم و کار در میان مردم به‌ویژه جوانان است و حفظ روحیه انقلابی هیچ‌گاه به معنای بازگشت به برخی بی‌انضباطی‌های طبیعی اول انقلاب نمی‌باشد. رهبر انقلاب با اشاره به تبلیغات گسترده‌ی بیگانگان خاطرنشان کردند: انمه‌ی جمعه باید با تبیین مکرر ارزش‌های واقعی انقلاب اسلامی، موجب تبدیل‌شدن این ارزش‌ها به یک طبیعت رایج در فضای زندگی مردم شوند.

بیانات در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان / ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

چند دقیقه‌ی پیش با دوستان اینجا صحبت بود و عرض کردیم سعی کنید هویت جهاد، تغییر پیدا نکند. اینی که شما میبینید هویت بعضی از اشخاص - فکرها، ایشان، ترکیبهای ذهنیشان - از اول انقلاب تا حالا صد و هشتاد درجه عوض شده، این یک روال و ممشای طبیعی نیست که بگوئید طبیعتش همین است دیگر؛ نخیر، هرگز اینجوری نیست. طبیعی این است که اگر انسان یک فکر و یک راهی را به منطق و استدلال پذیرفت، این را تا آن نقطه‌ی آخر راه برود و اگر عمرش کفاف نداد، در این راه بمرسد. این طبیعی نیست که ما بگوئیم: یک راهی را حرکت کنیم برویم؛ گاهی هم با شور و خیلی هیجان، بعد از یک نقطه، ناگهان زاویه بنزیم؛ بعد، این زاویه‌ها اینقدر ادامه پیدا کند که تبدیل شود به عکس! این، به هیچ وجه طبیعی نیست. بعضیها توجه میکنند: خوب آقا، اول انقلاب، اول انقلاب بود؛ حالا زمان اثر گذاشته، ما عوض شدیم! نخیر، زمان بر روی عنصرهای ضعیف و بی ریشه و اعتقادهای واهی و مبتنی بر احساس محض اثر میگذارد؛ یا زمان با همراهی طمعها و هوسها اثر میگذارد. «ان الذین تولوا منکم یوم النقی الجمعان انما استزلهم الشیطان بیعض ما کسبوا». قرآن میگوید: آنها‌ی که در جنگ احد برگشتند؛ طاقت نیاورند بایستند، این لغزش اینها به خاطر آن کاری است که قبلاً کردند. ما وقتی روح را نساختیم، خودمان را محکم نکردیم، معلوم است؛ هر مماسی روی آن اثر میگذارد؛ یکی، دو تا، سه تا، ناگهان میبینید که شکلش عوض شد؛ اما وقتیکه مثل فولاد آبدیده، محکم و استوار و بر مینای تفکر درست و منطقی صحیح، هویت دینی انسان شکل گرفت و هویت انقلابی شکل گرفت، هرچه زمان بگذرد، این هویت روشنتر، واضحتر، جذابتر، مستحکمتر میشود. آدمها اینجورند، نهادها هم اینجورند. نگذارید نهاد جهاد دانشگاهی، تبدیل شود به یک هویت دیگر؛ به یک هویت غیر دینی، غیر انقلابی.

من یک بار در جمع همین عزیزان جهاد دانشگاهی مطلبی را چند سال پیش گفتم، که یادم هم نبود؛ این را برای من آوردند، خواندم و یادم آمد - باید این هویت صحیح را و این هویت ایمانی را حفظ کنید و باقی بماند. خوشبختانه همین‌جور هم بوده و تا حالا هم باقی مانده است؛ چون ساخت جهاد دانشگاهی و نوع مدیریت، نوع عملکرد، نوع ارتباط راس با بدنه، جهتگیریها، خواستها، خواسته‌های خوبی بوده است - آنچه که آن روز گفتم، این بود که بعضیها تصور میکنند انقلابیگری، یک حرکت انقلابی، یعنی حرکت بی‌انضباط همراه با شلوغی، سردرگمی و بی‌نظمی! می‌گویند آقا، آنها انقلابی بود و تمام شد! این، غلط است. مطلقاً در ذات تحرک انقلابی، اغتشاش و بی‌نظمی نیست. بعکس، انضباط انقلابی از محکمترین و قویترین انضباطهاست. انضباطی که ریشه از ذهن انسان، از دل انسان، از ایمان انسان می‌گیرد، بهترین انضباطها را دارد.

اول انقلاب‌ها از جمله انقلاب ما، بینظمی‌هایی دیده می‌شود که این ناشی است از آغاز حرکت انقلابی؛ چون یک بنای کهنه‌ی درهم ریخته باید نابود شود و جایش یک بنای دیگر بیاید. این، چیز طبیعی است؛ ولی وقتی که بنای نو، بنای جدید ساخته شد بر پایه‌های درست، حرکت بر اساس آن، حرکت منضبط و خوب خواهد بود و پیش خواهد رفت و این، انقلابی است. بنابراین انقلابیگری را با بی‌نظمی و با شلوغکاری و با نشناختن ضابطه و قانون نباید اشتباه کرد. علی‌الحال، جهاد دانشگاهی از جاهانی است که ما به آن امید داریم برای آینده علمی کشور.

بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم / ۱۳۸۹/۰۷/۲۹

یک مسئله‌ی دیگر در زمینه‌ی نظام رفتاری و اخلاقی حوزه، مسئله‌ی گرایشها و احساسات انقلابی در حوزه است. عزیزان من! فضای انقلابی در کشور دشمنان عنودی دارد، دشمنان کینه‌ورزی دارد، با حاکمیت فضای انقلابی در کشور مخالفند؛ می‌خواهند این فضا را بشکنند. شما دیدید در یک دوره‌ی شهادت را زیر سوال بردند، جهاد را زیر سوال بردند، شهید را زیر سوال بردند، نظرات امام را زیر سوال بردند، پیغمبران را زیر سوال بردند! مسئله این نیست که فلان زیدی با این مفاهیم مخالف است؛ مسئله این است که این مخالفت از نظر دشمن باید در جامعه مطرح شود؛ فضا سازی شود و فضای انقلابی بشکند. در حوزه‌ی علمیه همه باید به این مسئله توجه کنند. در متن جامعه اینجور است، طبعاً در حوزه‌های علمیه هم اینجور است. میدانند که شما روحانی فقط یک فرد نیستید؛ مستمع دارید، علاقه‌مند دارید؛ بنابراین در محیط پیرامون خودتان اثر می‌گذارید. می‌خواهند فضای انقلابی را بشکنند، روحانی انقلابی را متروک کنند. تحقیر بسیج، تحقیر شهید، تحقیر شهادت، زیر سوال بردن جهاد طولانی این مردم اگر خدای نکرده در گوشه و کنار حوزه به وجود بیاید، فاجعه است. بزرگان حوزه بایستی مواظب و مراقب باشند و مانع بشوند.

یک نکته هم خطاب به جوانان پرشور و انقلابی حوزه است، که متن حوزه غالباً همین جوانهای پرشور و طلاب انقلابی هستند. عزیزان من! آینده مال شماهاست، امید آینده کشور شماها هستند؛ باید خیلی مراقبت کنید. درست است که جوان طلبه‌ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ نبادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتواند تهمت افراطیگری به او بزند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوانهای انقلابی بدانند؛ همان طور که کناره‌گیری و سکوت و بیتفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی از مقدسات حوزه، به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع یک وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است، این خطاست. اقتضای انقلابیگری، اینها نیست. انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگیهای شرائط زمانه را درک کند. مسئله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمیشود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مایوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد، رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است. البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطیگری نکنند؛ بعضی هم اینجوری دوست میدارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه‌ی انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطیگری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد؛ واضح است. پس نه از آن طرف، نه از این طرف.

بیانات در دیدار بسیجیان استان قم / ۱۳۸۹/۰۸/۰۲

دشمن در یک برهه‌ای - که امروز هم دنباله‌هایش کم و بیش هست - در تبلیغات گوناگون جهانی، علیه بسیج متمرکز شد. آنچه توانستند، گفتند. بسیج را مبارزان تبلیغاتی کردند، برای اینکه او را از چشم مردم بیندازند، اما نتوانستند؛ «یحق الله الحق بکلماته». خدای متعال نمیگذارد این حقیقت روشن پنهان بماند؛ لذا بسیج بحمدالله روزه‌روز آبرویش در کشور ما بیشتر شده است. در سرتاسر کشور، جوانها در بخشهای مختلف، به بسیج به چشم یک هویت درخشانده‌ی با عظمت مظهر عزم و اراده نگاه میکنند؛ این را شما بسیجیها بایستی تقویت کنید؛ این را با توجه به همان سه عنصری که گفته شد - عنصر بصیرت، عنصر اخلاص، عنصر عمل بهنگام و به اندازه - تقویت کنید. افراط نباید باشد، تفریط هم نباید باشد. توجه کنید که افراط هم همان اندازه ضرر میزند که تفریط. عمل نکردن یقیناً مضر است، عمل افراطی‌ها هم به همان اندازه مضر است؛ مراقب باشید. شور انقلابی را اندکی نباید کاهش داد. انگیزه‌ی انقلابی باید روزه‌روز در دل‌های من و شما افزایش پیدا کند. این کوه‌های گوناگون مشکلاتی که بر سر راه مستضعفین عالم قرار دارد، جز با قدرت عزم و اراده‌ی پولادین مومن برداشته نخواهد شد. هدف فقط سر و سامان دادن به وضع کشور نیست. دنیا، اسلام، بلکه جامعه‌ی بشریت نیازمند کمک به آنها از سوی اسلام و امت اسلامی است. مشکلات زیادی در سر راه هست؛ عزم و اراده لازم است، نگاه به دوردست لازم است. این شور انقلابی باید روزه‌روز افزایش پیدا کند. توسل و توجه به پروردگار، تمسک به اولیای الهی، راه عبادت، راه خشوع، راه تفکر بایستی به روی ما همیشه باز باشد؛ خودمان را از این راه تقویت کنیم. این شور انقلابی باید باقی باشد، اما مواظب باشید این شور و هیجان انقلابی بالارزش در جای خود مصرف شود - نایجا مصرف نشود - این احتیاج به تامل، تفکر، آگاهی و بصیرت دارد.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۸۹/۰۸/۱۲

مطلب بسیار مهم سومی که پشت سر این نماد قرار دارد، قضیه‌ی دانش‌آموزان سال ۵۷ است. چهارده سال از آن حادثه که گذشت، در سال ۵۷ جوانهای ما، نوجوانهای ما، دانش‌آموزان دبیرستانی ما به عنوان پاکترین و بی‌آلایش‌ترین قشرها توی میدان آمدند و کشته شدند. سیزده آبان روز کشتار دانش‌آموزان است توی همین خیابانهای تهران. وقتی این نوجوانها و جوانها توی میدان آمدند و فریاد چهارده سال قبل امام را در فضا انعکاس دادند، جلادان مزدور آمریکا از اینها انتقام گرفتند؛ روی اینها آتش گشودند، خون اینها روی اسفالت خیابانهای تهران ریخت و آن را رنگین کرد. این هم مطلب مهمی است؛ نه فقط به خاطر اینکه تعدادی جوان و نوجوان به شهادت رسیدند - البته این مهم است - بلکه به خاطر این نکته‌ی مهمتر که حرکت عظیمی که امام در سال ۴۲ و ۴۳ آغاز کرد، آنقدر زنده و باطراوت و بانشاط است که یک عده جوان پاکیزه‌ی دانش‌آموز را توی میدان می‌آورد، احساس مسئولیت میکنند، احساس تعهد میکنند و در مقابل سرنیزه‌ی دستگاه جبار و طاغوت میایستند. در دنیا اینجور چیزی کم‌نظیر است.

امروز هم همین‌جور است. امروز هم دانش‌آموزان دبیرستانی ما در کنار دانشجویان، در کنار قشرهای دیگر، در کنار بسیج و در جاهای دیگر، جزو پیشقدمترین گروه‌های اجتماعی ما هستند. در دوران دفاع مقدس هم باز دانش‌آموزان جزو پیشروان و ختمقدمها محسوب میشدند. شما اگر با خانواده‌های شهدا تماس بگیرید - من با خیلی از اینها تماس دارم و میبینم - و از آنها بپرسید جوانتان چند ساله بود، می‌گویند شانزده ساله، هفده ساله، چهارده ساله. این یعنی چه؟ یعنی احساس تعهد، روحیه‌ی انقلابی، احساس مسئولیت ناشی از روشن‌بینی و بصیرت به اینجا رسیده که جوان دانش‌آموز این ملت وسط میدان می‌آید، سینه‌ی خودش را سپر میکند، از همه‌ی آرزوهای جوانیاش میگذرد، برای اینکه آرمانهای بزرگ و هدفهای الهی و اسلامی را در جامعه تحقق ببخشد. این هم حادثه‌ی بزرگ

دیگری بود که در سال ۵۷ اتفاق افتاد؛ مفهوم بسیار عظیم دیگری که پشت سر کلمه‌ی سیزده آبان قرار دارد. سیزده آبان نماد اینهاست.

بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (ع) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۰

سپاه پاسداران در یکی از حساس‌ترین و پیچیده و غامض‌ترین شرایط تاریخ این کشور متولد شد. آسان هم متولد نشد. از آغاز پیدایش و ولادت این نهاد مبارک، مسئولیت‌های دشوار بر دوش او قرار گرفت. سرمایه‌ی سپاه در آن روزهای آغازین، جز ایمان و انگیزه و شور انقلابی، چیز دیگری نبود. البته جوانها صلاحیت‌های گوناگونی داشتند؛ از دانشگاه‌ها آمده بودند، از بعضی از مراکز نظامی آمده بودند، سابقه‌های شخصی و صلاحیت‌های شخصی داشتند؛ اما هیچ تجربه‌ای و نیز هیچ ابزاری برای آن میدان دشوار در اختیارشان نبود. سرمایه‌ی ارزشمند گرانقدر آنان، ایمانشان، شور انقلابیشان، آمادگیشان برای مجاهدت و جان بر کف نهاده‌شان در این میدان دشوار بود، و موفق شدند. هنوز دوران کوتاهی از آغاز حیات سپاه پاسداران نگذشته بود که درگیری‌های جدی شروع شد. جوانان مومن در اطراف و اکناف کشور یا در خود تهران مواجه شدند با میدانهای رزم واقعی. اولین رزمایش‌های سپاه، رزمهای واقعی بود. حقیقتا باید جانهاشان را کف دست میگرفتند و وارد میدان میشدند، و این کار را کردند.

به برکت همان شور انقلابی، همه‌ی عناصر لازم دیگر به دست آمد؛ تجربه کسب کردند؛ روح ابتکار در آنها به جوشش در آمد؛ یادگیری و فراگیری نسبت به هر آنچه لازم داشتند، در میان آنها یک غلغله‌ی علمی و دانائی عظیمی را به وجود آورد. هرچه لازم داشتند، یاد گرفتند. آنچه که برای میدان رزم معنوی و مادی آنها لازم بود، آن را با ابتکار خودشان به وجود آوردند و در میدانهای رزم درخشیدند؛ هم در رزم مرزی با دشمنان مهاجم و متجاوز، هم در رزم جهادی انقلابی در میدانهای بشدت مغشوش و آمیخته و مبهم درون جامعه؛ و موفق شدند.

بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۴

برادران و خواهران من! ملت عزیز ایران! این مکتب، ما را در طول این سی و دو سال از گذشته‌های خطرناکی عبور داده است؛ سطح عزت ملی و شرافت بین‌المللی ما را بالا آورده است. کشور به برکت پیمودن این راه، در همان حدی که رعایت کرده است، پیشرفت کرده است؛ به سمت آرمانهای خود پیش رفته است. ما باید رعایت کنیم، منتها همه‌ی جوانب را با هم. اگر کسی یا جریانی بخواهد به نام عقل‌گرایی، از ارزشهای اسلامی و انقلابی عدول کند، این انحراف است. اگر کسی بخواهد به وسیله‌ی عقل‌گرایی، در مقابل دشمن بی‌تقوایی به خرج بدهد، وابستگی به وجود بیاورد، این انحراف است، این خیانت است. آن عقلانیتی که در مکتب امام بزرگوار ما هست، اقتضا نمیکند که ما از خدعه‌ی دشمن غافل شویم، از کید او غافل شویم، از نقشه‌ی عمیق او غافل شویم، به او اعتماد کنیم، در مقابل او کوتاه بیاییم. هرچه که انسان در مقابل دشمن کوتاه بیاید، پشتوانه‌ی عظیم معنوی در درون کشور و درون ملت را از دست خواهد داد.

همین طور در نقطه‌ی دیگر؛ اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابیگری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابیگری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مومن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما میدانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایذا و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. در کشور آرا و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه یک عنوان مجرمانه‌ای بر یک حرکتی، بر یک حرفی و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. در کشور آرا و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه یک عنوان مجرمانه‌ای بر یک حرکتی، بر یک حرفی و کشورمان سلب کنیم، این عنوان مجرمانه البته قابل تعقیب است؛ دستگاه‌های موظف باید تعقیب کنند و میکنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه‌ای نباشد، کسی است که نمیخواهد براندازی کند، نمیخواهد خیانت کند، نمیخواهد دستور دشمن را در کشور اجرا کند، اما با سلیقه‌ی سیاسی ما، با مذاق سیاسی ما مخالف است، ما نمیتوانیم امنیت را از او دریغ بداریم، عدالت را دریغ بداریم؛ «و لایجرنکم شئنا قوم علی الا تعدلوا». قرآن به ما دستور میدهد و میگوید: مخالفت شما با یک قومی، موجب نشود که عدالت را فرو بگذارید و فراموش کنید. «اعدلوا»؛ حتی در مورد مخالف هم عدالت به خرج دهید. «هو اقرب للنفوق»؛ این عدالت، نزدیکتر به تقواست. مبدا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له نکند؛ نه، عدالت ورزیدن با تقوا موافق است. همه هوشیار باشیم، همه بیدار باشیم. این بعد هم نباید ابعاد دیگر را در سایه قرار بدهد.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران / ۱۳۹۰/۰۲/۱۳

البته دشمن با همه‌ی توان روی همین نقطه دارد کار میکند. نمیخواهد این الگو جلوی چشم ملت‌های مسلمان گرفته بشود، بگویند ببینید ایران به کجا رسید. اما چه بخواهند، چه نخواهند؛ بیسندند، یا نپسندند، این اتفاق افتاده است. همین کارهای علمی و فنی و تحقیقاتی که شماها و سازمانهای دیگر نیروهای مسلح دارند میکنند و آنچه که در خارج از نیروهای مسلح، در دانشگاه‌ها، در مراکز گوناگون تحقیقاتی، امروز دارد در کشور انجام میگردد، اینها چیزهایی است که آینده‌ها را به طور دقیق تصویر و ترسیم میکند؛ یعنی مهره‌های آینده را، یکی یکی دارد میچیند. اینهاست که معین میکند آینده مال کیست. این البته به برکت اسلام و روحیه انقلابی است، این روحیه را بایستی تقویت کرد. بنابراین، پاسداری از انقلاب را به این معنا بگیریم. به این معنا متحول، متطور، پیشرونده.

یکی از چیزهایی هم که حالا در عرصه و در میدان لازم است به آن توجه کنیم، این است که: مراقب باشیم دستگاه‌های انقلاب سرشان گرم کارهای غیرمفید و احیانا مضر در این حرکت پیشرونده نشود، که یکی از اینها، همین مسئله اختلافات است، که من اگر روی اینها تکیه میکنم، به خاطر این است. یک وقت هست که یک جریانی در مقابل انقلاب می‌آید قد علم میکند به قصد کوبیدن انقلاب، خب، وظیفه‌ی هر کسی است که دفاع کند. انقلاب از خودش دفاع میکند، مثل هر موجود زنده‌ی دیگری. انقلابی که نتواند در دوران فتنه، در دوران ایجاد کودتاهای گوناگون - سیاسی و نظامی و امثال اینها - از خودش دفاع کند، زنده نیست. این انقلاب زنده است؛ لذا از خودش دفاع میکند، غالب هم میشود، پیروز هم میشود، برو برگرد هم ندارد؛ کمالینکه در سال ۸۸ دیدید این کار اتفاق افتاد. یک وقت این است قضیه، یک وقت نه، قضیه، قضیه‌ی ایستادگی در مقابل یک حرکت براندازانه و اینچنین نیست؛ اختلاف نظر، اختلاف سلیقه، اختلاف عقیده احیانا است. اینها را بایستی هرچه ممکن است فرو کاست. اینجور چیزها را هرچه ممکن است باید کم کرد. مشغول کردن این اختلاف نظرها مضر است.

بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۳

اگرچه از گذشته، هم از دور، هم از نزدیک، منطقه‌ی کرمانشاه و مردم کرمانشاه را تا حدود زیادی میشناختم، اما در این دو سه روز کوتاهی که خداوند توفیق داد با شما مردم عزیز در بخش‌های مختلف ملاقات کردم و مطالعه کردم و رفتارها را دیدم، ارادتم به کرمانشاه و کرمانشاهی بیشتر شد. خدا را سپاسگزاریم که توفیق و هدایت خود را شامل این مردم باصفا، مومن، صادق، دارای مروت و فتوت و جوانمردی کرده و بحمدالله نسل جوان و رو به رشد این منطقه و این استان، همان خصوصیات مثبت و برجسته و ممتازی را که گذشتگان آنها از خلیفات اجتماعی برای آنها به ارث گذاشتند، حائز شده و مهمتر این که فکر انقلاب، جریان انقلاب، روحیه انقلابی، منطق انقلاب و سخن انقلاب در این استان زنده است.

بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۳

در همه‌ی زمینه‌ها باید ابتکار کرد. من حالا نگاه میکردم به همین ورزش باستانی؛ به قول قدیمیها، این نیم‌گودی که اینها اجرا کردند، پر از ابتکار بود. خب، ما گودهای ورزش باستانی را در دوران جوانی دیدیم؛ مکرر، همه جا، همه جور؛ یک روش ثابت و مستقری داشت، همیشه و همه جا هم همان تکرار میشد. البته بد هم نبود، خوب بود، اما این همه نوآوری در آن نبود. امروز من میبینم که این جوانها همان پایه‌های ورزشی قدیمی را گرفته‌اند، این را با انواع و اقسام ابتکارها و زیباییها و ظرافتها مذهبش کردند، خراطی کردند، نقاشی کردند، یک چیز زیبایی از آب درآوردند؛ این ابتکار است. حالا این در زمینه ورزش باستانی است؛ در همه‌ی زمینه‌ها این ابتکار ممکن است. ابتکار در نوع فرماندهی، ابتکار در نوع جنگیدن، ابتکار در نوع جنگ‌افزار، ابتکار در نوع سازماندهی؛ این مال محدوده‌ی

نیروهای مسلح، بعد برویم بیرون نیروهای مسلح، ابتکار در نوع دیپلماسی، عرصه‌ی عظیم دیپلماسی با انواع شیطنتها همراه است. عرصه‌ی دیپلماسی، عرصه‌ی شیطننت است؛ مبینید دیگر، البته خدا را شکر که دشمنان ما را از کسانی قرار داده که نمیفهمند چه کار باید بکنند؛ هی اقدام میکنند، هی غلط میکنند، اشتباه میکنند، هی پاشان توی چاله میروند؛ عبرت هم نمیگیرند، دوباره همان را تکرار میکنند؛ مثل همین حرفهائی که در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان میگویند و انجام میدهند. عرصه‌ی دیپلماسی، یک چنین عرصه‌ای است؛ هوشمندی لازم است، ابتکار عمل لازم است، نوع برخورد مبتکرانه لازم است؛ اینها ناشی از همین روحیه‌ی انقلابی‌ای است که ما از آن تعبیر میکنیم به روحیه‌ی بسیجی، روحیه‌ی جوان، مبتکر، پیشرو، دارای اعتماد به نفس. در زمینه‌ی اقتصاد هم همین جور، در زمینه‌ی فعالیتهای تولیدی هم همین جور، در زمینه‌ی پیشرفت علمی و تحقیقی هم همین جور. بنابراین منطقه‌ای که ما نام بسیج را بر آن اطلاق میکنیم و روحیه‌ی بسیجی را در آن گسترش میدهم، یک منطقه‌ی محدود نیست، فقط منطقه‌ی نظامی نیست؛ همه‌ی بخشهای کشور میتوانند دارای روحیه‌ی بسیجی باشند. علم‌آموزی بسیجی، ثروت‌اندوزی بسیجی، دیپلماسی بسیجی، سیاست‌ورزی بسیجی، مدیریت بسیجی، سازماندهی بسیجی؛ مفهوم بسیج شامل حال همه‌ی این زمینه‌ها میشود؛ معنایش هم عبارت است از نوآوری و ابتکار و اخلاص.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۱/۰۴/۰۲

یک بخش دیگر از این نقاط قوتی که به نظر من روی آن باید تکیه کرد، مسئله‌ی برجسته شدن ارزشهای انقلاب است. در این سالهائی که دولت نهم و دولت دهم بر سر کار بودند تا امروز، گفتمان انقلاب و ارزشهای انقلاب و چیزهائی که امام به آن توصیه میکردند و ما آنها را از انقلاب آموختیم، خوشبختانه کاملاً برجسته شده؛ مسئله‌ی ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی، افتخار به انقلابیگری، یک دوره‌ای بر ما گذشت که اسم انقلاب و انقلابیگری و اینها به انزوا افتاده بود؛ سعی میکردند به عنوان یک ارزش منفی یاد ارزش، از این چیزها یاد کنند؛ مقاله مینوشتند، حرف میزدند، گفته میشد. امروز خوشبختانه اینجور نیست، درست بعکس است؛ گرایش عمومی مردم و مسئولان کشور به حرکت انقلابی، جهتگیری انقلابی، ارزشهای انقلابی و مبانی انقلاب است. این را توجه داشته باشید که یکی از عوامل گرایش مردم به دولت، همینهاست؛ یعنی مردم به این ارزشها اهمیت میدهند. مسئله‌ی دعوت به عدالت، مسئله‌ی ساده‌زیستی، دور بودن مسئولان از تجمل؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است.

بیانات در آخرین دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت دهم / ۱۳۹۲/۰۲/۲۲

در مورد کشور و انقلاب ما هم این کار را دشمن شروع کرد؛ البته موفق نشدند؛ خدا را شکر میکنیم. دشمن نتوانست شعارهای انقلاب را کم رنگ و سپس محو کند. به نظر من یک بخش عمده‌ای از این هم مربوط میشود به هوشیاری امام بزرگوارمان. آنچه که امام بزرگوار از اظهارات خود، از گفته‌های خود، از نوشته‌های خود در میان ما باقی گذاشت، بیانات است، محکومات است؛ متشابهات نیست که کسی آنها را نفهمد. آخرین سخن امام هم وصیتنامه‌ی امام است. من همیشه به مسئولین و کسانی که در دولتهای گوناگون یک کار مهمی دستشان بوده است، توصیه میکردم که به وصیتنامه‌ی امام مراجعه کنند. وصیتنامه‌ی امام، لب ارزشهای مورد نظر امام است؛ اینها را امام باقی گذاشته، زنده گذاشته است. لذاست که این ارزشها قابل تحریف نیست، قابل تغییر نیست. بله، ندیده گرفتن اینها امری است که میسر است برای کسانی که بخواهند ندیده بگیرند.

این دولت این شعارها را مطرح کرد، برجسته کرد، سر دست گرفت، به آنها افتخار کرد؛ در مجامع جهانی، احساس شرم از انگیزه‌های انقلابی و از اهداف انقلابی و از شیوه‌های انقلابی نکرد؛ این خیلی کار بزرگی بود.

آنچه که برای خدا کردید، خدای متعال آنها را در نامه‌ی عمل شما ثبت کرده و کرام‌الکاتبین آنها را نگه داشته‌اند و بلاشک به درد شما خواهد خورد. آنچه را که شما عمل کردید، چه حالا بنده و امثال بنده ببینیم، بدانیم و تشکر کنیم، چه نبینیم، ندانیم و تشکر نکنیم، «ان الله شاکر علیم»؛ خدا، هم میداند - علیم است - هم سپاسگزار است. امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال به شماها توفیق دهد.

کاری که باید بر آن همت بگذارید، این است که رشته‌ی خدمت را رها نکنید. همه‌ی تلاشها منحصراً نیست در فلان وزارتخانه یا فلان مسئولیت در دولت؛ نه، صحنه‌ی کشور صحنه‌ی تلاش است، صحنه‌ی کار است، صحنه‌ی فعالیت است؛ و این کار، دو جور میتواند انجام بگیرد؛ متوجه اهداف انقلابی، و غیرمتوجه به اهداف انقلابی. شما چه در دولت آینده و در دولتهای آینده حضور داشته باشید، چه نداشته باشید، کاری که انجام میدهید و مسئولیتی که برعهده میگیرید - که طبعاً امثال شماها، مدیران شایسته و کارآمد، در هر بخشی از بخشها خالی از مسئولیت نمیمانند - سعی کنید آن را با توجه به اهداف انقلاب و با رویکرد هدفهای انقلاب ان‌شاءالله انجام دهید. خدای متعال شماها را ماجور خواهد داشت، ما هم در حد خودمان و به قدر خودمان تشکر میکنیم.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۱۳۹۲/۰۴/۲۶

یکی از بخشهای مهم کارنامه‌ی سپاه، انقلابی زیستن و انقلابی ماندن سپاه است؛ یعنی حوادث، جریانات نتوانست این تشکیلات مستحکم و قویبینه را از مسیر اصلی و درست، به بهانه‌ی اینکه دنیا تغییر کرده، زندگی تغییر کرده، منحرف کند؛ بهانه‌هایی که میشنوید و مبینید که می‌آورند، برای وادادگی بهانه می‌آورند، برای پشیمانی بهانه می‌آورند؛ بهانه هم این است که دنیا تغییر کرده، همه چیز عوض شده. خب، یک چیزهایی عوض نمیشود؛ از اول تاریخ تا امروز حسن عدالت و عدالت‌طلبی انسان تغییر نکرده، زشتی ظلم تغییر نکرده، حسن استقلال ملی و عزت ملی تغییر نکرده، اینها و بسیاری از اصول دیگر که تغییرپذیر نیست. اینکه دنیا تغییر کرده، بهانه نمیشود برای اینکه ما رفتار خودمان، هدف خودمان، آرمان خودمان را عوض کنیم؛ وقتی آرمان عوض شد، راه عوض میشود؛ وقتی هدف نهایی عوض شد، دیگر معنی ندارد که شما در راه قبلی حرکت کنید، میروید به سمت هدف جدید که راه جدیدی است، راه دیگری است. یکی از مهمترین نقاط قوت سپاه ایستادگی و استقرار و ثبات‌قدم در این راه نورانی است. این حالا درباره‌ی سپاه؛ البته در باب سپاه خیلی میشود حرف زد، خیلی حرف زده‌ایم، خیلی حرف زده‌اند، خیلی حرفهای زده هم هست که حالا در این زمینه بیش از این عرض نمیکنیم.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

واقعیت دیگر هم که شاید یکی از مهم‌ترین این واقعیتها باشد، مسئله‌ی ملت ایران است؛ ملت ایران با گذشت ۲۵ سال از طلوع انقلاب، از انقلاب زده نشده است، دست نکشیده است، انقلاب را کنار نگذاشته است، روحیه‌ی انقلابی را از خود دور نکرده؛ شما ملاحظه کردید این بیست‌ودوم بهمن را. و این یک پدیده است، این را بارها عرض کرده‌ایم، عادت کردیم ما به این حادثه‌ی به این اهمیت. [البته مطلبی هم درباره‌ی] جوانهای ما، در ذیل واقعیتهایی که باید به آنها توجه داشت، عرض خواهیم کرد. به‌رحال این هم یک مسئله‌ی اساسی است. بنابراین در یک چنین دنیایی هستیم؛ در آنجا - در اطراف ما و در مجموعه‌ی جهان - آن حوادث که نشان‌دهنده‌ی تحولات اساسی است دارد اتفاق می‌افتد، در کشور ما هم این رشد تفکر اسلامی و استقامت اسلامی و بالندگی و تاور شدن درخت حکومت اسلامی و نظام اسلامی است که وجود دارد. بنابراین با این توجه، باید عرض کرد که نگاه ما به مسائل خودمان و مسائل جهان، باید نگاه جدی‌ای باشد.

مطلب دومی که عرض میکنم، این است که حالا ما چه کارهایی برعهده داریم؛ بنده چند مطلب را در اینجا یادداشت کرده‌ام که البته [هم] همه‌ی مطالب نیست، هم این مطالبی که عرض میکنم حرفهای جدید و تازه‌ای نیست و حرفهایی است که همه‌ی آقایان میدانید، [اما] تکرار اینها و گفتن اینها مفید است؛ کارهایی که ما برعهده داریم، زیاد است؛ از جمله اینهایی است که عرض میکنم:

یکی از آنها واقعیتی است؛ ما باید واقعیتهای موجود جامعه‌ی خودمان را ببینیم. معمولاً در نگاه به واقعیتها، طبیعت انسان این است که سراغ نقاط ضعف میرویم. همه‌ی این چیزهایی که ما می‌بینیم، فرض بفرمایید که گرانی را می‌بینیم [یا] تحقق نیافتن برخی از اهداف اسلامی را مشاهده میکنیم، اینها خب یک واقعیتهایی است و غالباً اینها را می‌بینیم - بعضی‌ها هم البته همینها را درشت میکنند - لکن واقعیتهای دیگری هم وجود دارد در این کشور؛ اینها را باید دید. یک واقعیت همین

است که عرض کردیم، واقعیت ایستادگی نظام مبتنی بر اسلام؛ این یک واقعیتی است. توقع دشمنان اسلام و دشمنان ایران این بود که مردم بعد از یک سال دو سال پنج سال، خسته بشوند، یادشان برود، از انقلاب دست بکشند؛ کمالینکه در بسیاری از انقلابهای دنیا همین اتفاق افتاده است؛ اینکه من میگویم "بسیاری"، در واقع باید گفت همه؛ در این انقلابهایی که در دوپست، دوپست و پنجاه سال اخیر در دنیا اتفاق افتاده است، تا آنجایی که بنده سراغ دارم همه‌جا همین‌جور بوده است، بعد از گذشت یک مدتی آنها از آسیاب افتاده است و آن موج انقلاب فروکش کرده و تمام شده، برگشته به حالت سابق.

بنده به یک کشوری رفته‌ام زمان ریاست جمهوری، یک کشور انقلابی که هفت هشت ده سالی بود انقلاب کرده بودند، رئیس آن کشور هم جزو همان عناصر انقلاب‌کننده بود وقتی ما رفتیم آنجا، وقتی من وارد شدم [به] آنجایی که ما بردیم به‌عنوان ضیافت و به‌عنوان مهمانی و اینها، دیدم عینا همان وضعیتی که حاکم استعمارگر قبلی - که پرتغالی بوده است؛ آنجا مستعمره‌ی پرتغال بود - با آن وضع زندگی میکرده، عینا همان وضع وجود دارد، هم از لحاظ تشریفات ظاهری، هم از لحاظ احترامات، [هم از لحاظ] آداب! هیچی فرق نکرده است؛ یعنی اولی که اینها سرکار آمدند این‌جور نبوده، بعد بتدریج مغلوب عادات مستکبرین و مستبدین قبل از خودشان شدند و همان وضعیت را انجام دادند؛ انقلاب اسلامی مغلوب نشد، جمهوری اسلامی مغلوب نشد؛ آن کسانی که میخواستند عادات قبلی، سنن قبلی، شیوه‌ی قبلی را بر این کشور و بر این انقلاب تحمیل کنند، نتوانستند؛ و انقلاب همچنان حرف اسلام را میزند، حرف انقلاب را میزند، حرف ایستادگی ملی را میزند، حرف توسعه‌ی درون‌زای کشور را میزند، حرف عدل را میزند و برای این اهداف بزرگ تلاش میکند و کار میکند؛ همه‌ی اینها مسائل انقلاب است؛ اینها چیزهای مهمی است. این یک واقعیتی است.

واقعیت دیگری که از آن نباید غفلت کرد، انگیزه‌های دینی در نسل امروز انقلاب است. یک‌وقت است که ما پیرمردهایی که از دوره‌ی انقلاب باقی مانده‌ایم، ما انقلابی باقی مانده‌ایم اما جوانهای ما از دست رفته‌اند؛ می‌بینیم این‌جور نیست. ما امروز، جوان انقلابی بسیار داریم، در سرتاسر کشور داریم، از همه‌ی قشرها داریم، در دانشگاه‌ها بسیار داریم، جوانی که هم متدین است، هم انقلابی است؛ به اعتقاد من این جوان از جوان انقلابی اول انقلاب شانس بالاتر است. چرا؟ چون آن‌روز اولاً آن انقلاب با آن عظمت و پرهیجان اتفاق افتاده بود؛ ثانیاً آن‌روز اینترنت نبود، ماهواره نبود، این همه تبلیغات گوناگون نبود، این جوان در معرض این همه آسیب نبود، جوان امروز در معرض این همه آسیبها است؛ اینترنت جلوی او است، این همه تلاش دارد میشود برای اینکه این جوان را منحرف کنند، [اما] این جوان متدین باقی میماند؛ نمازخوان است، به نماز اهمیت میدهد، نماز شب میخواند، نافله میخواند، در مراسم مهم دینی شرکت میکند، پای انقلاب می‌ایستد، شعارهای از دل برآمده میدهد؛ اینها چیزهای مهمی است. نسل امروز انقلاب، به نظر ما یکی از افتخارات بزرگ است. این یک واقعیتی است، باید این را دید. ...

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۹۴/۰۶/۱۸

جوانهای ما باید این خاطرات را فراموش نکنند؛ یکی از چیزهایی که بنده نگران آن هستم، این است که این نسل جوان بالنده‌ی ما که بحمدالله، هم آگاه و با بصیرت است، هم دارای انگیزه است، آماده به‌کار است، وسط میدان است، انقلابی است، بتدریج این حوادث مهم را، این عبرت‌های بزرگ دوران معاصر را یاد ببرد؛ این کم‌کاری ما است، کم‌کاری دستگاه‌های مسئول است؛ این حوادث نباید کهنه بشود؛ حافظه‌ی تاریخی یک ملت نباید ضعیف بشود. اگر جوانهای ما در سرتاسر کشور این حوادث را ندانند، تحلیل نکنند، عمق‌یابی نکنند، در شناخت کشورشان و در شناخت آینده‌ی چهار اشتباه خواهند شد. جوانها باید این حوادث را درست بشناسند و بدانند که چه شد، چه اتفاق افتاد، چه کسی بود؛ اینها را باید جوانها بفهمند.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۹۴/۰۶/۱۸

امام بزرگوار فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است؛ این «شیطان بزرگ» خیلی حرف پرمغزی است. رئیس همه‌ی شیطانهای عالم، ابلیس است؛ اما ابلیس بنا به تصریح قرآن، تنها کاری که میتواند بکند این است که انسانها را اغوا میکند؛ بیشتر از اغوا، کاری نمیتواند بکند؛ انسانها را اغوا میکند، فریب میدهد، وسوسه میکند؛ اما آمریکا، هم اغوا میکند، هم کشتار میکند، هم تحریم میکند، هم فریب میدهد، هم ریاکاری میکند؛ پرچم حقوق بشر را بلند میکند، ادعای طرفداری از حقوق بشر میکند [اما] هر چند روز یک بار در خیابانهای شهرهای آمریکا یک بی‌گناهی، یک بی‌سلاحی به دست پلیس آمریکا به خاک و خون میغلتد؛ غیر از بقیه‌ی جنایات و فجایعشان، این هم رفتارشان در ایران در دوران رژیم طاغوت و جنگ‌آفرینی‌هایشان، جنگ‌آفریزی‌هایشان، به راه انداختن جریانهای جنگ‌آفریز از قبیل همینهایی که حالا در عراق و سوریه و بقیه‌ی جاها مشغول خرابکاری هستند؛ اینها کارهای آمریکا است. حالا بعضی‌ها اصرار دارند این شیطان بزرگ را با این خصوصیات - که از ابلیس بدتر است - بزک کنند و به شکل فرشته وانمود کنند. چرا؟ دین به‌کنار، انقلابیگری به‌کنار؛ وفاداری به مصالح کشور چه میشود؟ عقل چه میشود؟ کدام عقلی و کدام وجدانی اجازه میدهد که انسان قدرتی مثل قدرت آمریکا را به‌عنوان دوست، به‌عنوان مورد اعتماد، به‌عنوان فرشته‌ی نجات انتخاب بکند؟ این [گونه] هستند؛ حقیقت امر این است، بله، خودشان را می‌آزایند؛ با ظاهر اتوکشیده، با کراوات، با ادکلن، با ظواهر بظاهر چشمگیر، خودشان را در چشم افراد ساده‌لوح جور دیگری جلوه میدهند؛ حقیقت رژیم آمریکا اینها است. این در مورد ما است؛ در مورد کشورهای دیگر هم همین‌جور است. ملت بزرگ ایران این شیطان بزرگ را از کشور بیرون کرد؛ نباید بگذاریم دوباره برگردد؛ نباید بگذاریم از در رفت، از پنجره برگردد؛ نباید اجازه بدهیم نفوذ پیدا کند؛ دشمنی اینها تمام نمیشود.

بعد از قضیه «برجام» و این توافقی که سرنوشت آن هم اینجا و آنجا درست معلوم نیست، الان همین حالا در کنگره‌ی آمریکا علیه ایران مشغول توطئه‌اند؛ خبرهایی که به ما میرسد، نشان میدهد که همین حالا یک عده‌ای در داخل کنگره‌ی آمریکا مشغول طراحی مصوبه‌ای هستند برای اذیت کردن و برای ایراد درست کردن و برای مشکل فراهم کردن برای جمهوری اسلامی ایران؛ دشمنی اینها این‌جور است؛ تمام‌شدنی نیست. ...

یکی از مهم‌ترین راه‌های تقویت درونی، حفظ روحیه انقلابیگری است در مردم؛ بخصوص در جوانها، سعی دشمنان این است که جوان ما را لاابالی بار بیاورند، نسبت به انقلاب بی‌تفاوت بیاورند، روحیه حماسه و انقلابیگری را در او بکشند و از بین ببرند؛ جلوی این باید ایستاد. جوان، روحیه انقلابیگری را باید حفظ کند. و مسئولین کشور جوانهای انقلابی را گرامی بدارند؛ این‌همه جوانهای حزب‌اللهی و انقلابی را برخی از گویندگان و نویسندگان نکوبند به اسم افراطی و امثال اینها. جوان انقلابی را باید گرامی داشت، باید به روحیه انقلابیگری تشویق کرد؛ این روحیه است که کشور را حفظ میکند، از کشور دفاع میکند؛ این روحیه است که در هنگام خطر به داد کشور میرسد. سه عامل اساسی اقتدار ملی اینها است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون، و حفظ روحیه انقلابیگری در همه‌ی بخصوص در جوانها؛ اینها است که میتواند کشور را حفظ کند؛ آنوقت دشمن مایوس خواهد شد.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۱۳۹۴/۰۶/۲۵

یک معنای پاسداری یعنی حراست کردن و حفاظت کردن، یک معنای پاسداری یعنی گرامی داشتن، پاسداشت کسی یا چیزی را داشتن، یعنی آن را انسان گرامی بدارد، آن را محترم بدارد؛ این هم هست. معنای پاسداری از انقلاب فقط حفاظت از انقلاب نیست - که این شرحی که دادیم مربوط به حفاظت بود - بلکه به معنای گرامی داشتن انقلاب، اهمیت دادن به انقلاب، بزرگ داشتن انقلاب هم هست. انسان پاس کسی را بدارد یعنی او را گرامی بدارد، قدر او را بشناسد، اهمیت او را بداند؛ این احتیاج دارد که انسان انقلاب را درست بشناسد [لذا] باید معرفت به انقلاب پیدا کنید. در سطح سپاه، در تمام سلسله‌مراتب سپاه، باید معرفت به انقلاب یک معرفت آگاهانه، روشن، جامع بوده باشد؛ انقلاب را درست باید [شناخت]. اگر در زمینه‌ی کارهای فرهنگی در این مورد، کاستی‌ای وجود دارد، حتماً باید برطرف بشود؛ نگاه کنید ببینید. بایستی برادران و خواهران سپاه از صدر تا ذیل مجهز باشند به منطق مستحکم انقلاب؛ چون ضد انقلاب امروز از طرق مختلفی وارد میشود. یکی از راه‌های ورود و نفوذ - که حالا در مورد نفوذ هم یک کلمه‌ای عرض خواهم کرد؛ ما همین‌طور مدام درباره‌ی نفوذ دشمن تکرار میکنیم، تاکید میکنیم - ایجاد خلل در باورها است؛ باور انقلابی، باور دینی. در معرفت‌های انقلابی و دینی اختلال ایجاد میکنند؛ رخنه کردن در اینها است. و از همه‌ی طرق هم استفاده میکنند و آدمهای گوناگونی هم دارند؛ استاد دانشگاه هم دارند، فعال دانشجویی هم دارند، نخبیه‌ی فکری و علمی هم دارند؛ همه‌جور آدمی برای ایجاد این رخنه‌ها هستند. برادران در سطوح مختلف سپاه بایستی این آمادگی را و این اقتدار منطقی را داشته باشند. قبل از انقلاب، ما از این قوت منطق در موارد زیادی استفاده

میکردیم؛ بچه‌های جوان، آن زمان در بحثهایی که ما داشتیم - بحثهای قرآنی و مانند اینها، نهج‌البلاغه و قرآن و این چیزها، بنده داشتم- به من میگفتند که ما در دانشگاه در مقابل مارکسیست‌ها دیگر حالا کم نمی‌آوریم؛ قبلا کم می‌آوردیم؛ حرف داریم، منطق داریم، استدلال میکنیم؛ فقط رد کردن هم نیست، اثبات میکنیم و حقایقی را بیان میکنیم. در جوانی که امروز در سپاه مشغول فعالیت است، باید یک چنین قدرت اقتناعی، یک چنین قدرت منطقی و قوت بیانی وجود داشته باشد؛ این جزو کارهای اساسی است؛ این پاسداری از انقلاب و پاسداشت انقلاب است؛ یعنی گرامی داشتن انقلاب، حق انقلاب را ادا کردن، قدر انقلاب را دانستن.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۱۳۹۴/۰۶/۲۵

حالا یکی از چیزهایی که انسان زیاد میشوند، دو گزاره را مخالفین ما، دشمنان ما میگویند، عده‌ای هم در داخل همانها را تکرار میکنند؛ که در واقع اینها با هم متناقضند، منتها به تناقض آنها توجه نمیشود. یک گزاره این است و مکرر تکرار میکنند که شما کشور قدرتمندی هستید؛ شما کشور بانفوذ و اثرگذاری هستید. این را زیاد امروز در دنیا ما میشنویم. حالا یک عده‌ای -آدمهای ضعیف و کوتاه‌بین در داخل- همین را هم حاضر نیستند قبول کنند اما آنهایی که از خارج ناظر به مسائلمند، مکرر در مکرر -چه دوستان ما، چه دشمنان ما- اعتراف میکنند که جمهوری اسلامی، امروز یک کشور قدرتمند در منطقه و اثرگذار بر روی حوادث منطقه است؛ دارای نفوذ است. این یک گزاره، گزاره دوم این است که میگویند آقا شما این کلمه‌ی انقلاب و مسئله‌ی انقلاب و روحیه‌ی انقلابی را این‌قدر دنبال نکنید. خوب، اینها با هم متناقض است. اصلا این اقتدار، این نفوذ، به‌خاطر انقلاب است؛ اگر انقلاب نبود، اگر روحیه‌ی انقلابی نبود، اگر عملکرد انقلابی نبود، این نفوذ وجود نداشت. اینکه شما بانفوذید، شما قدرتمندید، انقلاب را بگذارید کنار که بتوانیم با هم زندگی بکنیم، معنایش این است که انقلاب را بگذارید کنار تا از این قدرت بیفتید تا ما بتوانیم شما را ببلعیم. این را صریحا به افرادی از جمهوری اسلامی میگویند و توجه نمیشود به معنا و مفهوم واقعی این حرف. تا کی می‌خواهید انقلابی باشید، تا کی می‌خواهید مرتب دم از انقلاب بزنید، بیایید جزو جامعه‌ی جهانی؛ معنی این [حرف] این است که این نفوذی که الان دارید، این قدرتی که دارید، این تاثیرگذاری‌ای که در منطقه دارید، این عمق راهبردی‌ای که شما در میان ملت‌ها دارید کنار بگذارید و از دست بدهید؛ یعنی ضعیف بشوید، تا ما بتوانیم شما را ببلعیم. میگویند جزو جامعه‌ی جهانی بشوید؛ خوب، مرادشان از جامعه‌ی جهانی، چند قدرت مستکبر زورگویی ظالمند؛ یعنی بیایید در نقشه‌های ما حل بشوید؛ معنی این حرف این است. بنابراین انقلاب دارای یک چنین ابعادی است؛ در [باره‌ی] پاسداری از این انقلاب، خیلی حرف هست که حالا در این زمینه حرف را متوقف کنیم. ... اگرچنانچه ما بیدار باشیم، امید آنها ناامید خواهد شد. آنها منتظر نشسته‌اند که یک روزی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران خوابش برود؛ منتظر این هستند. وعده میدهند که ده سال بعد، ایران آن ایران نیست و دیگران هم که دیگر کاری نمیکند! تصورشان این است. نباید گذاشت این فکر و این امید شیطانی در دل دشمن ما بگیرد؛ باید آنچنان پایه‌های انقلاب و فکر انقلابی در اینجا مستحکم باشد که مردن و زنده بودن این و آن و زید و عمرو، تاثیری در حرکت انقلابی این کشور نگذارد؛ این وظیفه‌ی اساسی نخیکان سپاه و همه‌ی نخیکان انقلابی این کشور است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخیکان فردا» / ۱۳۹۴/۰۷/۲۲

یکی از هشدارهایی که واقعا باید وزاری محترم به آن توجه کنند، مقابله‌ی با عناصر متدین و انقلابی در دانشگاه‌ها است. عناصری هستند متعهد به انقلاب، پایند انقلاب، پایند به مسائل دینی و ظواهر دینی، کسانی با اینها از مسئولین -حالا بین خود دانشجویها سلیاق مختلفی هست، اشکالی هم ندارد؛ ممکن است بگویم هم بینشان بشود، اهمیتی ندارد؛ محیط دانشگاه است- از طرف اساتید، مدیران، با یک چنین عنصری، با یک چنین جوانی، با پسر یا دختری که متعهد و پایند است، مقابله کند، این قابل قبول نیست؛ باید عناصر مومن تشویق بشوند. حالا از این قبیل مسائل وجود دارد. جمع‌بندی من از همه‌ی این حرفها، عبارت است از خوش‌بینی مستدل نسبت به آینده؛ نه فقط شعار، نه فقط رجزخوانی؛ واقعیت این است. آینده‌ی کشور به توفیق الهی، به فضل پروردگار، آینده‌ی خوبی است؛ انبوه جماعت جوان این کشور، در دل خود نخیکان زیادی دارند؛ حالا عمده نخیکان دانشگاهی هستند، در بخشهای دیگر هم نخیکانی هستند که ولو دانشگاهی نیستند اما به‌معنای حقیقی کلمه نخبه‌اند، میتوانند نقش‌آفرینی کنند. و این نخبه‌ها کار خود را خواهند کرد؛ احساس مسئولیت میکنند. بحمدالله اهداف انقلابی و شعارهای انقلابی زنده است؛ دشمن نتوانسته است شعارهای انقلابی را کمرنگ بکند؛ جوری است که اگر کسانی هم در دل با این شعارها همراه نیستند، در زبان ناچارند به‌خاطر افکار عمومی، به‌خاطر دل مردم و حضور مردم، با این شعارها همراهی کنند. شعارها بحمدالله زنده است؛ حرکت انقلابی حرکت زنده‌ای است و این از استثناهای تاریخ است؛ هیچ انقلابی را در دنیا ما سراغ نداریم که در طول ۲۵ سال ۴۰ سال، با این‌همه مخالفت، با این‌همه دشمنی، آن خط مستقیم و صراط مستقیم خودش را توانسته باشد ادامه بدهد؛ وجود ندارد. حتی انقلابهای بزرگی که در دنیا می‌شناسید -حالا به این تحولات کوچک و کودتاها و مانند آن که اسمش را انقلاب می‌گذارند کار نداریم؛ آنها اصلا داخل در حساب نیستند- و انقلابهای واقعی که اتفاق افتاده، نتوانسته‌اند راه خودشان را ادامه بدهند؛ هدفها تغییر پیدا کرده. همین هم هست که دشمنان ما را عصبانی میکند؛ همین است که امروز -اگر با خیرهای خارجی آشنا باشید- مکرر می‌شنوید، گفته میشود که تا وقتی ایران دنبال انقلاب است، کار ما با ایران مشکل است؛ راست می‌گویند. و من اضافه میکنم تا وقتی این تفکر انقلابی و حرکت انقلابی هست، به توفیق الهی پیشرفت ایران، نفوذ روزافزون ایران، هیمنه و تسلط معنوی و روحی ایران در منطقه و فراتر از منطقه، روز به روز ان‌شالله بیشتر خواهد شد.

بیانات در دیدار روسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری / ۱۳۹۴/۰۸/۲۰

بخش دوم، آن کار فرهنگی دانشگاه‌ها است. بعضی‌ها کار فرهنگی را در داخل دانشگاه با کنسرت و اردوهای مختلط اشتباه گرفته‌اند؛ خیال میکنند کار [فرهنگی این است]؛ میگویند باید دانشجوی شاد باشد! شاد بودن برای هر محیطی چیز خوبی است اما چه‌جوری؟ به چه قیمتی؟ غربی‌ها چقدر بهره‌برده‌اند از این اختلاط دختر و پسر که ما بهره‌بریم؟ یک روزی به ما میگفتند که در اروپا -آن روز اروپا را مطرح میکردند- حجاب نیست و زن و مرد با هم قاطی‌اند، هوس و شوق جنسی هم در آنجا طبعاً کنترل‌شده است. خوب، حالا شما نگاه کنید ببینید همین‌جور است؟ آیا هوسها کنترل‌شده است یا هوسها تحریک‌شده است؟ این‌همه جنایت جنسی امروز دارد در آمریکا و در اروپا اتفاق می‌افتد؛ به جنس مخالف هم دیگر حالا اکتفا نمیکند! و از این بدتر هم خواهد شد. اسلام انسان را شناخته است که حکم حجاب را داده، حکم عدم اختلاط زن و مرد را داده، اسلام من و شما را شناخته؛ [انسان] مال خدا است و [او] آفریننده‌ی ما است. اردوی مختلط یعنی چه؟ کوهنوردی مختلط، اردوی مختلط، گاهی حتی خارج از کشور! نه، کار فرهنگی ماهیت دیگری دارد، مفهوم دیگری دارد. مسئولین فرهنگی دانشگاه‌ها بفهمند چه‌کار میکنند.

باید کار فرهنگی دانشگاه این‌جوری باشد که افرادی تربیت کند مومن، متخلق -با اخلاق خوب- انقلابی؛ کار فرهنگی چیزی است که اینها را تامین کند. کار فرهنگی درست آن چیزی است که جوان ما را انقلابی بار بیاورد. این کشور انقلاب کرده، به این انقلاب باید پایند بود؛ مبانی این انقلاب را بایستی جزو اصول زندگی خود قرار داد تا بتوانیم پیش برویم؛ معتقد به آرمانها، دوستدار کشور -کشورش را واقعا دوست داشته باشد- دوستدار نظام، دارای بصیرت و عمق دینی و سیاسی. این جوان بایستی در نگاه دینی و نگاه سیاسی عمق داشته باشد تا به هر شبهه‌ی کوچکی پایش نلغزد، یا اشتباه نکند در زمینه‌های مسائل سیاسی. خیلی‌ها در این حوادثی که در همین فتنه‌ی سال ۸۸ اتفاق افتاد لغزیدند؛ آدمهای بدی نبودند [اما] لغزیدند به‌خاطر کم بودن بصیرت. خوب، شما وقتی میبینی که یک نفری میگوید: «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است» باید چه‌کار کنی؟ شما که معتقد به نظامی، شما که جانت را حاضر شدی برای نظام و برای حفظ نظام بدهی، تا میبینی یک عده‌ای دارند این‌جوری شعار میدهند، باید چه‌کار کنی؟ این، نبودن بصیرت است؛ ملتفت نشدن به وظیفه در لحظه‌ی لازم است. [باید] افرادی تربیت بشوند با اعتمادبه‌نفس، با انگیزه، سرشار از امید. درست گفته‌اند که یاس بزرگ‌ترین ضرر است؛ مایوس نباید بشوند، باید امیدوار باشند به آینده‌ی کشور؛ جای امید هم هست؛ جای یاس نیست؛ این‌همه ظرفیت! بنده آن روز در دولت گفتم -یکی دو ماه پیش- و همه‌ی آقایان تصدیق کردند؛ گفتم اینکه میگویند مثلا فرض کنید رشد فلان کشور اروپایی یکونیم درصد یا یک درصد است -و این چیز عجیبی نیست- و ما توقع داریم رشد ما هشت درصد، نه درصد باشد. به‌خاطر این

است که آنها از همه‌ی ظرفیت‌هایشان استفاده کرده‌اند و ظرفیت خالی‌مانده‌ای ندارند، [اما] ظرفیت‌های ما معطل‌مانده است؛ ما میتوانیم به رشد ده درصد هم برسیم. این ظرفیت‌ها باید پر بشود؛ از این ظرفیت‌ها باید استفاده بشود. خوب، جای امید نیست در کشوری که این‌همه ظرفیت وجود دارد؟

[تربیت افرادی] با فهم درست از موقعیت کشور؛ بفهمند کشور الان در چه وضعی است. همه‌ی دنیا -دشمنان ما یک‌جور، دوستان ما یک‌جور- میگویند جمهوری اسلامی ایران کشور قدرتمندی است [اما] این آقا در داخل می‌رود فلان‌جا سخنرانی میکند، میگوید آقا، ما کسی نیستیم، ما چیزی نیستیم، ما منزوی هستیم؛ خودکمترین؛ حالا خودش را کم ببیند؛ ملت را چرا کم ببیند؟ نظام جمهوری اسلامی و کشور را چرا کم ببیند؟ این خودکم‌بینی خیلی چیز خطرناکی است؛ احساس حقارت؛ که همه‌ی دنیا میگویند کشور عزیزی است، کشور مقتدری است، گله دارند، ناراحتند که [ایران] نفوذ پیدا کرده، همه‌جا را گرفته، این آقا اینجا در داخل، در روزنامه یا در سخنرانی یا در فلان دانشگاه به دانشجویها میگوید نه، ما چیزی نیستیم، ما کسی نیستیم!

[تربیت افرادی] معتقد به استقلال؛ استقلال فکری، استقلال سیاسی، استقلال فرهنگی، استقلال اقتصادی؛ جوانی که تربیت میشود در کار فرهنگی، باید به معنای واقعی کلمه اعتقاد داشته باشد به استقلال کشورش؛ مومن به میانی انقلاب و نظام، مومن به فرهنگ اسلامی، خوش‌بین، خوش روحیه، کار فرهنگی این است. خوب، این کار آسانی نیست؛ خیلی کار سختی است. این برنامه‌ریزی میخواهد.

البته خیرهایی که به من از بعضی از دانشگاه‌ها میرسد، اینها را نشان نمیدهد. کاری کنید فضا بیفتد دست جوان مومن انقلابی خوش‌روحیه با انگیزه‌ی دارای احساس عزت‌به‌نفس و متدین. یکی از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های شما این است: کاری کنید که این مجموعه‌های مومن و سرشار از ایمان به انقلاب و به اسلام حرف اول را بزنند؛ فضای غالب دست اینها باشد؛ این جزو وظایف شما است.

بالاخره توجه داشته باشید برادران و خواهران عزیز من، دانشگاه‌های‌های عزیز! بنده به دانشگاه علاقه‌مندم؛ من از دیرباز هم به دانشگاه معتقدم، هم بسیار علاقه‌مندم؛ بدانید دانشگاه و دانشجو امروز آماج بزرگ‌ترین توطئه‌ها است؛ از اینکه ما دانشگاهی داشته باشیم که دانشجوی آن، استاد آن با روحیه انقلابی، با روحیه تهاجمی وارد میدان بشود، خطاهای قرمز را که دشمنها برایش درست کرده‌اند به هم بزنند، پیش برود، کشور را پیش ببرد، پرچم علم را بالا ببرد، شعارهای انقلابی را پررنگ کند وحشت دارند؛ برای اینکه این اتفاق نیفتد، دارند برنامه‌ریزی میکنند؛ پولها خرج میکنند. دشمنان راه سلطه‌ی آینده [را برنامه‌ریزی میکنند]. آن شکل استعمار قدیمی، امروز دیگر عملی نیست؛ آن چیزی هم که به آن میگفتند «استعمار نو»، حالا یواش‌یواش کهنه شده؛ آن چیزی که لازم است و دنبالش هستند این است که تفکرات در درون عناصر فعال و هوشمند و نخبه در یک کشور جوری بشود که اهداف آنها را برآورده کند؛ دارند برای این سرمایه‌گذاری میکنند، دارند برای این پول خرج میکنند. به این دغدغه‌ها باید توجه کرد.

اساتید ارزشی خوبی هم [داریم]؛ خوشبختانه ما هزاران استاد مومن، انقلابی، علاقه‌مند داریم؛ قبلها هم بودند، در دوران دفاع مقدس هم داشتیم اما امروز چندین برابر آن روز بحمدالله ما اساتید مومن و انقلابی داریم؛ از اینها باید قدردانی کرد. امیدواریم خدای متعال به شما و به ما توفیق بدهد که بتوانیم از این کارها انجام بدهیم.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

درباره‌ی نوزدهم دی که امروز اجتماع گرم و صمیمی شما عزیزان به آن مناسبت است، سخنان زیادی گفته شده است؛ در این سالها ما گفتیم، دیگران گفتند. بعضی از حرفها هم تکراری است، حرف جدیدی نیست لکن با همه‌ی این احوال ماجرای نوزدهم دی کهنه‌شدنی نیست. اینکه ما یک چیزهایی را تکرار کنیم که قبلا هم گفتیم، موجب نمیشود که این حادثه رنگ کهنگی به خود بگیرد، مثل حادثه‌ی عاشورا؛ نمیخواهیم مقایسه کنیم اهمیت آن حادثه را با حوادث دیگر ولی در مقام تشبیه مثل حادثه‌ی عاشورا است؛ هزار و دویست سیصد سال است که حادثه‌ی عاشورا گفته میشود تکرار میشود، همه‌ی حرفها بارها و بارها بر زبانها جاری میشود اما حادثه کهنه نمیشود؛ حادثه مثل خورشید درخشان که هر روز هست اما دارای کهنگی نیست، رنگ کهنگی ندارد؛ هر سال، هر ماه در زندگی این جامعه و جوامع اسلامی نورافشانی میکند، نور میدهد، انرژی میدهد، قوت میدهد. این حادثه هم همین‌جور است؛ از جنس حادثه‌ی عاشورا است. علت هم این است که کاری که در نوزدهم دی انجام گرفت، کار بزرگی بود؛ کاری بود که هروقت شبیه این کار در میان هر ملتی، هر جمعیتی اتفاق بیفتد، آثار آن شگفت‌آور خواهد بود. خوب، زمینه در میان ملت ایران آماده بود؛ بدون زمینه‌ی آماده هیچ کاری به ثمر نمیرسد. بیانات امام در طول این سالهای مبارزات، و مبارزات کسانی که مبارزه کرده بودند، و تبیین و گسترش تفکرات انقلابی در سراسر کشور، علاوه بر اینها، وجهه و جایگاه روحانیت و مرجعیت در بین مردم که از قرن‌ها پیش جافانده بود، همه زمینه بود لکن این زمینه احتیاج داشت به یک کلید راه‌اندازنده؛ آن کلید را قمی‌ها زدند. کار بزرگی بود؛ به دفاع از امام بزرگوار وارد میدان شدند؛ میدان هم میدان متعارفی نبود؛ گلوله بود، تیراندازی بود، وحشت بود، سرکوبگری بود. بدون ترس، با شجاعت کامل، با درک به‌هنگام -که روی این کلمه من تکیه دارم: درک به‌موقع، احساس تکلیف به‌موقع؛ نه دیرتر از وقت لازم- وارد میدان شدند؛ خون به‌ناح‌ریخته‌ی شهدای نوزدهم دی و شجاعت مردم قم و به‌هنگام واردشدن مردم قم، فهمیدن وظیفه در لحظه‌ی لازم کار خودش را کرد؛ در واقع این کلیدی بود که زده شد، آن زمینه به جریان افتاد و ملت به‌پاخاست. بنابراین کار قمی‌ها یک کار فراموش نشدنی است.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

مسئله‌ی شاخصهای انقلابیگری هم خیلی مهم است؛ یعنی واقعا بدانیم شاخصها چیست، شاخصهای انقلابیگری را درست پیدا کنیم، در ذهن خودمان مشخص بکنیم، از کسانی که مطلع‌تر از ما هستند بپرسیم. اگر این کارها انجام بگیرد، این ماندگاری انقلاب، بدون تردید، خواهد بود.

دو خصوصیت وجود دارد در عمل به این وظایف؛ یک خصوصیت همین است که انقلاب ماندگار خواهد شد. بدیهی است که ما، هم ریزش داریم، هم رویش داریم؛ بارها بنده گفته‌ام این را. کسانی هستند که یک روز انقلابی بودند، بعد فردا به‌خاطر یک عارضه‌ای، یا بقی یا بناحق، از انقلاب روبرمیگردانند. بعضی‌ها هستند که یک کار خلاف توقعشان انجام میگیرد -فرض کنید یک ظلمی در یک جایی بهشان میشود- حق با آنها است اما این موجب میشود که از انقلاب روبرگردانند؛ این کار ناحق است. بعضی‌ها هم به‌خاطر مسائل شخصی، مسائل خانوادگی و مسائل گوناگون، از انقلاب روبرمیگردانند. این میشود ریزش؛ اینها ریزشهای انقلاب است. همه‌ی انقلابها ریزش دارند، همه‌ی نهضت‌های اجتماعی ریزش دارند اما در کنار این ریزشها رویش [هم] هست. من اطلاعات کم نیست، من از خیلی جاها مطلعم؛ بنده وقتی نگاه میکنم، رویشها را بیش از ریزشها میبینم؛ این‌همه جوان مومن، این‌همه تحصیل‌کرده‌ی مومن، این‌همه افراد تحلیلگر مومن، این‌همه افراد کارآمد در مسائل فنی و در مسائل علمی، همه مومن؛ اینها رویشهای انقلاب است. یک روزی در این کشور، مشکل ما [این] بود که همه‌ی کسانی که میتوانستند در دانشگاه‌های ما درس بدهند، به پنج هزار نفر نمیرسیدند. اول انقلاب این‌جوری بودیم؛ یک عده‌ای رفته بودند، یک عده‌ای نمی‌آمدند، یک عده‌ای صلاحیت نداشتند. [اما] امروز ما ده‌ها هزار نفر استاد مومن در عرصه‌ی کارهای دانشگاهی داریم؛ استادان مومن، آنهایی که واقعا به انقلاب پایبندند و معتقدند از بن دندان؛ این چیز کمی نیست، چیز کوچکی نیست، اینها را انقلاب تربیت کرده است. این‌همه جوان مومن نویسنده، هنرمند، عالم، فناور، مبلغ، سخنور؛ در عرصه‌های گوناگون، در مسائل داخلی در مسائل خارجی. اینها رویشهای انقلابند، رویشهای سرسبز و آماده؛ این خیلی باارزش است. بنابراین، اگر ما به وظایفمان در زمینه‌ی انقلاب عمل کنیم، معنای این، ماندگاری افزایش این رویشها و انبوه شدن این رویشها است.

دوم، آرامشی است که به دل انسان می‌نشیند. خدای متعال در قرآن درباره‌ی بیعت با پیغمبر میفرماید: لقد رضی الله عن المومنین از بیابونک تحت الشجره فعلم ما فی قلوبهم فانزل السکینه علیهم؛ ای پیامبر ما! آنهایی که با تو بیعت کردند -خدای متعال میدانست که در دل‌های اینها چیست- این بیعت با آن انگیزه‌ی صادقانه موجب میشود که خدای متعال سکینه و آرامش را بر دل‌های آنها نازل کند. وقتی سکینه بر دل‌ها نازل شد، دغدغه‌ها از بین خواهد رفت، نگرانی‌ها از بین خواهد رفت، ناامیدی از بین خواهد رفت. امروز یکی از کارهای مهم دشمنان ایجاد ناامیدی و تریق ناامیدی است؛ در بخش‌های مختلف جوان را ناامید کنند، پیر را ناامید کنند، انقلابی سابق را ناامید کنند. این آرامش و سکینه‌ی الهی، امید به انسان میدهد. بیعت با پیغمبر این‌جوری است. شما امروز وقتی با انقلاب بیعت میکنید و بیعتتان

را تازه میکنند و تجدید میکنند، با پیغمبر بیعت کردند. آن‌کسی که امروز با امام خمینی بیعت میکند، با پیغمبر بیعت کرده. وقتی شما خط انقلابی امام را زنده نگه میدارید و نمیگذارید مندرس بشود، نمیگذارید رنگ کهنگی بگیرد، در واقع با پیغمبر بیعت کردید؛ با پیغمبر که بیعت کردید، آنوقت: انزل الله سکینه علی رسوله و علی المومنین؛ [این] در یک آیهی دیگر [است]؛ در این آیه: فانزل السکینه علیهم؛ خدای متعال آرامش را به دلها خواهد داد. وقتی آرامش داشتید، اطمینان قلب داشتید، آنوقت در عرصه‌ی مقابله‌ی با دشمن دچار حیرت نمیشوید، دچار ناامیدی نمیشوید، دچار تزلزل نمیشوید؛ امروز براساس این سکینه و این آرامش، انسان میتواند یقین کند که ملت ایران بر آمریکا و توطئه‌هایش قطعا پیروز خواهد شد.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات / ۱۳۹۴/۱۰/۳۰

یک عادت‌ی هم در بعضی پیدا شده است که همین‌طور مدام تکرار میکنند «تدروها، تدروها»؛ خوب بله، تندروی و کندروی -طرف افراط و تفریط- هر دو بد است، این معلوم است اما [اینکه] تندروی چیست، کندروی چیست، خط میانه کدام است، چیزهای خیلی واضح و روشنی نیست، جزو مسائل بین نیست، تبیین لازم دارد. چون برای ما خیلی زیاد خبر می‌آید؛ این روزنامه‌ها و مطبوعات گوناگون را هم آدم نگاه میکند، من میفهمم که بعضی وقتی میگویند تندروی، جریان حزب‌اللهی و مومن مورد نظرشان است؛ نه، جریان مومن را، جریان انقلابی را، جوانان حزب‌اللهی را متهم نکنید به تندروی؛ اینها همان کسانی هستند که با همه‌ی وجود، با همه‌ی اخلاص در میدان حاضرند، آنجایی هم که دفاع از مرزها لازم باشد، دفاع از هویت ملی لازم باشد، مسئله‌ی جان دادن و خون دادن مطرح باشد، همینها هستند که به میدان می‌آیند. به صرف اینکه یک جایی یک قضیه‌ی واقع بشود که مورد قبول و تایید نباشد، فوراً پای حزب‌اللهی‌ها را [وسط] بکشند، مثل قضیه‌ی سفارت عربستان که البته کار بسیار بدی بود، کار غلطی بود و هرکسی کرده باشد کار غلطی است؛ جماعت مومن را، جوانهای انقلابی را که هم انقلابی‌اند - چون بنده با این جوانها تا حدود زیادی و از دور و نزدیک انس دارم- هم خیلی اوقات عقلشان و فهمشان و تعقلشان هم از بعضی از بزرگ‌ترها خیلی بیشتر است، خوب میفهمند، خوب تحلیل میکنند، خوب مسائل را تشخیص میدهند و سینه‌چاک انقلابند، سینه‌چاک اسلامند، به این بهانه ما تضعیف کنیم که فلان قضیه در فلان‌جا اتفاق افتاده است که اتفاق بدی بوده؛ بله، سفارت عربستان که هیچ، در سفارت انگلیس هم که چند سال پیش، آن اتفاق افتاد، بنده بدم آمد؛ اصلا هیچ قابل قبول نیست این‌جور عملیات؛ این عملیات بسیار بدی است، به ضرر کشور و به ضرر اسلام و به ضرر همه است؛ این را بهانه قرار ندهند برای اینکه جوانهای انقلابی ما را مورد تهاجم قرار بدهند؛ این هم یک مسئله است.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات / ۱۳۹۴/۱۰/۳۰

کشور ما بحمدالله به برکت تدین مردم، انقلابیگری مردم و بصیرت مردم، از دست‌اندازی‌ها و تعرضهای دشمنان سوگندخورده‌ی مردم تا حدود زیادی مصون مانده. بله، ضربه زده‌اند، یک کارهایی کرده‌اند اما نتوانسته‌اند ضربه‌ی اساسی بزنند و به توفیق الهی نخواهند توانست ضربه‌ی اساسی بزنند. و به توفیق الهی ملت ایران آن روزی را که بر همه‌ی سیاستهای استکباری فائق بیاید و به آرزوهای خود برسد، ان‌شاءالله خواهد دید و تمام آن اهداف و آرمانهای بزرگ انقلاب اسلامی را ان‌شاءالله ملت ایران تجربه خواهد کرد. تلاش عمومی ما لازم است، تلاش مخلصانه‌ی ما لازم است، همکاری‌های ما لازم است، مهربانی‌های ما نسبت به هم لازم است. با همدیگر باشیم، با همدیگر بسازیم، با همدیگر کار کنیم، اهداف را فراموش نکنیم، آرمانهای بلند را فراموش نکنیم، در همه‌ی میدانها صمیمانه قدم برداریم. خدا با ملت ایران است، و ان‌شاءالله پیروزی از آن ملت ایران است. خداوند ان‌شاءالله همه‌ی شما را موفق و موید بدارد. خداوند شهدای عزیز ما و امام بزرگوار ما را با پیغمبر محشور کند.

دیدار دبیر و کارشناسان دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با رهبر انقلاب / ۱۳۹۴/۱۱/۱۲

ایشان با اشاره به فعالیت‌های مختلف دبیرخانه‌ی شورای عالی امنیت ملی، خاطرنشان کردند: انجام صحیح نقش تصمیم‌سازی دبیرخانه منوط به حاکم بودن «فضای صدرصد انقلابی» در این نهاد است زیرا اگر جهت‌گیری‌های زاویه‌دار با انقلاب اسلامی در دبیرخانه‌ی شورای عالی امنیت ملی تاثیرگذار شود، نتیجه‌ی مطلوب بدست نخواهد آمد. رهبر انقلاب با تاکید بر اینکه «جهت‌گیری و گرایش‌های انقلابی»، توهّمات و کلیات محض نیستند، افزودند: گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های انقلابی، واقعی و کاملا روشن و واضح و مبتنی بر بیانات امام رحمه‌الله است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تلاش برخی برای جایجایی خطوط اصلی و روشن انقلاب تاکید کردند: امام رحمه‌الله «مظهر انقلاب اسلامی» است و بر همین اساس، بیانات ایشان که در ده‌ها جلد کتاب مدون شده، «میانی انقلاب» است. ایشان موارد تکرارشونده در بیانات امام رحمه‌الله را «خطوط اساسی و اصول انقلاب اسلامی» خواندند و گفتند: براساس سخنان امام رحمه‌الله، موضوع «مردم»، «استقلال کشور»، «تدین و پایبندی به میانی اسلامی»، «مبارزه با استکبار و زورگویی»، «مسأله‌ی فلسطین»، «موضوع معیشت مردم»، «توجه به مستضعفین و رفع فقر»، خطوط اصلی انقلاب هستند که از ترکیب آنها «هندسه‌ی انقلاب» به‌دست می‌آید. رهبر انقلاب با تاکید بر اینکه تصمیم‌های شورای عالی امنیت ملی باید در چارچوب خطوط اصلی انقلاب باشد، خاطرنشان کردند: باید در شورای عالی امنیت ملی و دبیرخانه‌ی این شورا، «تفکر انقلابی صحیح و خالص حزب‌اللهی» حاکم باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، برخی تفکر انقلابی را قبول نداشتند و برخی هم با اینکه در داخل نظام بودند اما اعتقادی به مبارزه با استکبار نداشتند که باید در مقابل این جریان ایستاد. رهبر انقلاب اسلامی با تاکید بر اینکه در ۳۷ سال گذشته، همواره مبارزه وجود داشته است، گفتند: البته امروز به‌واسطه‌ی شیوه‌های جدید و پیچیده‌ی دشمن، همچون موضوع فضای سایبری و تاثیرات فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی و ضدامنیتی آن، این مبارزه سخت‌تر و حساس‌تر شده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با اشاره به تاثیر آرام و بی‌سروصدای شیوه‌های جدید در «امنیت زیرپوستی جامعه» خاطرنشان کردند: شورای عالی امنیت ملی باید به همه‌ی این مسائل در بخش‌های مختلف رسیدگی و تصمیم‌گیری کند و بر همین اساس دبیرخانه‌ی شورا نیز باید با اندیشه‌ی کارآمد و تلاش خستگی‌ناپذیر و کارشناسی مبتنی بر تفکر انقلابی، تصمیم‌سازی صحیح را برای مقابله با شیوه‌های پیچیده و جدید ضدامنیتی انجام دهد.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش / ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

نباید گذاشت این خاطره کهنه بشود؛ نباید گذاشت این حادثه‌ی عظیم به دست غفلت و فراموشی سپرده بشود؛ انقلاب زنده است و ما در نیمه‌راه انقلابیم. عزیزان من! توجه دارید که انقلاب یک حادثه‌ی دفعی نیست؛ انقلاب یک دگرگونی است؛ این دگرگونی بتدریج انجام میگیرد. بله، حرکت انقلابی در اول لازم است، تشکیل نظام انقلابی لازم است اما تا وقتی که این انقلاب بتواند پایه‌های خود را محکم کند و اهداف خود را تحقق ببخشد، تدریج وجود دارد، مرور زمان لازم دارد. اگرچنانچه آن هدفها از یاد رفت، آن حادثه فراموش شد، آنوقت آن‌جوری میشود که در خیلی از کشورها بظاهر انقلابی دیده شد؛ بعضی انقلابها در نطفه خفه شد -مثل همینهایی که در زمان ما، همین چند سال اخیر، اتفاق افتاد و واقعا در نطفه خفه شد- بعضی هم بعد از به دنیا آمدن جوان‌مرگ شدند. علتش همین بود؛ علتش انحراف بود از هدفهایی که اعلام شده بود. آن هدفها پایستی باقی بمانند؛ هدف عدالت اجتماعی، هدف تحقق زندگی اسلامی به‌معنای واقعی -که عزت دنیا و آخرت در زندگی اسلامی است- هدف تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی که در آن جامعه، هم علم هست، هم عدل هست، هم اخلاق هست، هم عزت هست، هم پیشرفت هست. هدف اینها است؛ ما به این هدفها هنوز نرسیده‌ایم و در نیمه‌راه این هدفها هستیم. پایستی حادثه‌ی انقلاب و حقیقت انقلاب، دائم در ذهن و دل ما زنده باشد؛ باقی باشد. جبهه‌ی دشمن اتفاقا، روی همین نقطه تکیه دارد. اینکه در خبرهای

خارجی می‌بینید که فلان سیاستمدار آمریکایی گفته است که ما نظام جمهوری اسلامی را تغییر رژیم نمی‌خواهیم بدهیم [بلکه] تغییر رفتار می‌خواهیم بدهیم - می‌گویند دیگر؛ شنفته‌اید- تغییر رفتار یعنی همین؛ یعنی تا حالا رفتار نظام جمهوری اسلامی رفتار انقلاب بود، رفتار انقلابی بود، در خدمت انقلاب بود، می‌خواهیم این را تغییر بدهیم. من به دیپلمات‌های خودمان هم که چند ماه قبل از این، اینجا جمع بودند گفتم (۲) که اینها از اسم جمهوری اسلامی خیلی باکی ندارند؛ حتی از اینکه یک عمامه به‌سری در راس جمهوری اسلامی باشد هم [باکی ندارند]؛ اگر چنانچه جمهوری اسلامی محتوای خود را از دست بدهد، اسلامی بودن را و انقلابی بودن را از دست بدهد، اینها با آن کنار می‌آیند. آنچه با آن دشمنی دارند عبارت است از محتوای جمهوری اسلامی؛ جبهه دشمن این‌جور است. همه‌ی تلاش آنها این است که حرکت جمهوری اسلامی را به سمت هدف‌های الهی و اسلامی، هدف‌های عزت‌آفرین و قدرت‌آفرین از بین ببرند؛ دنبال این است که سلطه‌ی خود را بر این کشور دوباره تجدید کند.

ما سال‌های متمادی تحت سلطه‌ی دشمن بودیم؛ در هر دوره‌ای یک جور؛ در دوره‌ی فاجار یک جور؛ در دوره‌ی پهلوی یک جور. در دوره‌ی فاجار تحت سلطه‌ی دو رقیب بودیم: انگلیس و روس آن‌روز؛ آن روز هنوز شوروی هم نبود. این یک امتیاز میگرفت، او می‌آمد میگفت شما به این امتیاز داده‌اید به من هم بدهید؛ او هم یک امتیاز [میگرفت]. بین دو قدرت، یک مسابقه‌ی امتیازگیری در کشور راه افتاده بود؛ این بی‌عرضه‌های حاکم بر کشور هم ملت را و اهداف ملت را قربانی اینها کرده بودند. آن روز کشور ایران پانزده بیست میلیون هم بیشتر جمعیت نداشت؛ همه چیز این ملت را آنها قربانی کردند. در زمان آنها این‌جور، در زمان پهلوی یک شکل دیگر که البته شکل بدتری بود؛ یعنی در خدمت هدف‌های آنها قرار گرفتند و کشور را برای آنها باز کردند. [چون] فرهنگ ایرانی و اسلامی می‌توانست ملت را وادار به مقاومت کند، این فرهنگ را تغییر دادند. آن روحیه‌ای که در قضیه‌ی تنباکو توانست تو ذهن کمپانی خارجی بزند، آن انگیزه‌ای که در قضیه‌ی مشروطه توانست مردم را وارد صحنه بکند، در دوران پهلوی سعی کردند آن روحیه و آن انگیزه را از بین ببرند؛ تلاششان این بود. رضاخان و محمدرضا هم در خدمت آنها، هرکاری خواستند اینها کردند. البته خودشان هم اعتقادی نداشتند و بی‌اعتقاد بودند اما هرچه آنها دستور دادند اینها انجام دادند. در طول سال‌های متمادی، این وضع کشور بوده است.

این کشور به‌خاطر جوهر اسلامی، به‌خاطر استعداد ایرانی، به‌خاطر امتیازات و اختصاصاتی که جامعه‌ی ایرانی دارد و خیلی از جوامع همسایه و خیلی از جوامع دنیا ندارند، به‌خاطر این اختصاصات و به‌خاطر ظهور یک رهبر فوق‌العاده و استثنائی مثل امام بزرگوار، توانست خودش را از زیر بار این‌همه فشار خلاص کند، سرپا بایستد، حرفش را بزند، کار خودش را بکند، حرکت خودش را بکند. می‌خواهند این را از بین ببرند؛ امروز جبهه‌ی دشمن دنبال این است. درست است که امروز هیاهوی جنگ سخت در ذهن دشمن هم هست -ممکن هم هست؛ ما اگرچه بعید میدانیم اما محال نمی‌دانیم- اما آنچه فعلا در دستور کار او است جنگ نرم است. هدف جنگ نرم این است که مولفه‌های قدرت را از یک کشوری بگیرد و سلب کند؛ از نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مولفه‌های قدرت را بگیرد و او را تبدیل کند به یک ملت ضعیف، به یک ملت زبون، به یک ملت تسلیم‌پذیر؛ هدف اینها است. بعد که یک ملت تسلیم‌پذیر شد، دیگر اصلا احتیاجی به جنگ سخت به‌وجود نمی‌آید؛ اگر هم یک‌وقتی لازم شد، بی‌دغدغه می‌توانند این کار را انجام بدهند، که امروز جرئت نمی‌کنند. آن روز که خدای نخواستہ ملت ایران دچار ضعف بشود، مولفه‌های قدرت خود را از دست بدهد، این کار برایشان خیلی آسان خواهد بود. احیا انقلاب در ذهنها، حفظ و حراست از تفکر انقلابی و جهت‌گیری انقلابی در عمل، در بیان، در رفتار، در تصمیم‌گیری‌ها و در مقررات و قوانین؛ اینها کارهایی است که می‌تواند جلوی آن وضعیت دهشتناک را بگیرد؛ می‌تواند ملت را در همین جاده‌ی استحکام و استقراری که دارد پیش برد. خب، این مربوط به مسائل عید انقلاب که ان‌شاءالله در بیست‌ودوم بهمن، حضور مردم در خیابانها و در عرصه‌های گوناگون، به فضل الهی حضور مایوس‌کننده‌ی دشمن خواهد بود. بعد هم عید انتخابات؛ انتخابات هم عید است.

بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم / ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

دیدگاه دوم، وضعیت انقلابی و رشد و بلوغ تفکر انقلابی در حوزه‌ی قم است؛ امروز این مورد نظر بنده است که می‌خواهیم مختصری در این زمینه صحبت کنیم. می‌خواهیم در مورد تلاطم روحیه‌ی انقلابی و منش انقلابی در حوزه‌ی قم و دیگر حوزه‌ها یک مقداری فکر کنیم و کار کنیم؛ این بسیار حائز اهمیت است. اگر بخواهیم مقایسه کنیم با آن مقوله‌ی قبلی، این مقوله اگر از آن مهم‌تر نباشد، به همان اندازه وزانت و اهمیت دارد. ببینید ما یک انقلاب عظیمی را در تاریخ نزدیک به خودمان گذرانده‌ایم. حادثه‌ی انقلاب، یک حادثه‌ی عظیم و فوق‌العاده و محیرالعقولی بود. ما حالا عادت کرده‌ایم به این، [اما] کسانی که از بیرون نگاه میکنند به حادثه‌ی انقلاب و قضاوت میکنند درباره‌ی حادثه‌ی انقلاب، عظمت این حرکت را، این حادثه را، این پدیده را بیشتر از ما درک میکنند. ما چون در جریان بودیم، خیلی توجه نمی‌کنیم، خیلی درباره‌اش اهتمام نمی‌ورزیم برای ارزیابی و تقویم این حادثه.

بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم / ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

حالا حوزه‌ی قم را بخواهند از انقلاب تهی کنند، [این] چیز کوچکی است؛ انگیزه‌هایی وجود دارد برای این کار، حرف من این است. بنده عرض میکنم اگر بخواهیم نظام اسلامی -همین نظامی که الان تشکیلاتی دارد، قوای سه‌گانه‌ای دارد، نیروهای مسلحی دارد، دستگاه‌ها و سازمان‌های گوناگونی دارد- انقلابی بماند، اسلامی بماند، حوزه‌ی قم باید انقلابی بماند؛ اگر حوزه‌ی قم انقلابی نماند، حوزه‌های علمیه اگر انقلابی نمانند، نظام در خطر انحراف از انقلاب قرار خواهد گرفت. من این را به شما عرض کنم؛ حوزه‌ی قم پشتوانه است. حرف من این است که می‌گویم حوزه‌ی علمیه قم بایستی به‌عنوان یک حوزه‌ی انقلابی، به‌عنوان مهد انقلاب، به‌عنوان آن کوره‌ی آتش‌فشانی که همین‌طور دارد انرژی انقلابی را صادر میکند از خودش، حضور داشته باشد و ظهور داشته باشد. عرض کردیم که طبیعت قم، طبیعت طلاب، حوزه‌ی علمیه، طبیعت دین است، طبیعت تبلیغ است، طبیعت قناعت است، طبیعت حضور مرجعیت است که مرجعیت خیلی مهم است؛ اینها همه از خصوصیات حوزه است و همین موجب میشود که پایه‌ی انقلاب در اینجا محکم بشود. اگر چنانچه ما دیدیم تلاش‌هایی دارد انجام می‌گیرد برای اینکه از حوزه‌ی علمیه قم انقلاب زدایی کنند، باید احساس خطر کنیم. عرض من با شما نمایندگان عزیز طلاب و فضلاء این است؛ اگر دیدید انقلاب زدایی دارد انجام می‌گیرد باید احساس خطر کنید. خب، احساس خطر کردن کافی نیست، باید به فکر علاج بود؛ علاج هم تدبیر لازم دارد، فکر لازم دارد؛ این اهمیت اجتماع شما را نشان میدهد. باید افراد صاحب فکر بنشینند فکر کنند؛ با کارهای سطحی، با فریاد کشیدن که احیاناً در یک جلسه‌ی آدم داد بکشند و به یکی اعتراض کنند، با این حرف‌ها مسئله درست نمیشود. راه، اینها نیست؛ راه، فکر کردن و اندیشیدن و حکمت‌آمیز برنامه‌ریزی کردن، مجموعه‌های برنامه‌ریزی شده را تهیه کردن و دنبال کردن است؛ بنابراین بینش انقلابی در قم بایستی توسعه پیدا کند، حرکت انقلابی باید توسعه پیدا کند.

بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم / ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

بعد از دوران صدر اسلام، اولین باری است که اسلام صحیح ناب متکی به قرآن و حدیث در عالم واقع، دارد تحقق پیدا میکند؛ حتی در دورانهایی که مثلا علما، محترم هم بودند، این‌جور نبوده. فرض کنیم در دوران صفویه؛ خب علما، محترم بودند؛ محقق‌کرکی از شام با میشود می‌آید در اصفهان یا در قزوین یا در کجا و شیخ‌الاسلام کل کشور هم میشود؛ پدر شیخ بهایی، خود شیخ بهایی، اینها همه کسانی هستند که جزو علمای بزرگ بودند، خیلی هم محترم بودند، اما اینها حداکثر کاری که میکردند این بود که مثلا فرض کنید که دستگاه قضاوت را برعهده بگیرند، آن‌هم تا جایی که منافات با برخی از تدریج‌های دستگاه حکومت و سلطنت نداشته باشد؛ والا شاه‌عباس و شاه‌طهماسب و بقیه سلاطین، کار خودشان را میکردند، حکومت اسلامی نبود، حکومت دینی نبود. اینکه منشا و مبدا احکام حکومتی کتاب و سنت باشد، روایات ائمه باشد، از صدر اسلام -یعنی حالا آن مقداری که صدر اسلام بوده، بعد از آن- تا امروز دیگر سابقه نداشته است. امروز در ایران اولین بار است که یک چنین حکومتی به‌وجود می‌آید. معنای اسلام سیاسی این است؛ اسلام سیاسی یعنی اسلامی که سیاست اداریه جامعه را و مدیریت جامعه را برعهده می‌گیرد؛ یعنی اسلام میشود مدیر جامعه. این بار اولی است که در اینجا اتفاق افتاده است؛ این را می‌خواهند از بین ببرند، این را می‌خواهند نابود کنند؛ نابودکردنش هم به همین شکلی است که عرض کردم. بنابراین مسئله‌ی انقلابیگری در حوزه‌ی قم در معرض خطر است؛ این را باید توجه کنید؛ باید جزو مسائل اصلی شما باشد.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

خب، این ده نقطه‌ی کار که اگر چنانچه اقدام و عمل بخواهد انجام بگیرد برای اقتصاد مقاومتی، این ده کار می‌تواند انجام بگیرد. البته کارهای دیگری هم میشود انجام داد که مسئولین نگاه میکنند و بررسی میکنند. بنده ده مورد را این‌جوری پیشنهاد میکنم. این میشود جریان انقلاب، این میشود حرکت انقلابی در کشور، این میشود اقتصاد مقاومتی‌ای که کشور را نجات خواهد داد. اگر این کارها را نکنیم، ما میتوانیم در مقابل آمریکا بااستیم و تحریمهای او در ما اثر نکند. ما احتیاج نداریم از ارزشهای خودمان، از خطوط قرمز خودمان، از اصول خودمان صرف‌نظر کنیم تا آمریکا نتواند ما را تحریم بکند؛ ما با دنبال کردن همین سیاست اقتصاد مقاومتی، به معنای عملی مسئله و اقدام عملی موضوع، میتوانیم کشور را مصونیت‌سازی کنیم؛ میتوانیم مصونیت بدهیم کشور را تا دیگر در مقابل تحریم به خودمان نلرزم که ما را تحریم خواهند کرد. خب تحریم بکند؛ اگر اقتصاد مقاومتی شد، تحریم دشمن تاثیر قابل توجهی نخواهد کرد. این میشود حرکت انقلابی و حرکت مومنی. آنوقت اگر ما این کارها را کردیم، مسئولین محترم دولتی آخر سال ۹۵ میتوانند بیایند گزارش بدهند که ما این چند هزار کارگاه و کارخانه و مزرعه و دامداری و امثال اینها را احیا کردیم. میتوانند بیایند اینها را بگویند؛ میتوانند به مردم گزارش بدهند، مردم هم ببینند و حس کنند. وقتی مردم حس کردند، آنوقت اعتماد و اطمینان پیدا میکنند.

و البته باید مردم کمک کنند. من به شما عرض بکنم که مردم -چه افراد سیاسی، چه افراد اقتصادی، چه آحاد مردم- باید به دولت کمک کنند، به مسئولین کشور کمک کنند. این کار البته فقط هم کار دولت نیست؛ هر سه قوه باید با یکدیگر همکاری کنند تا کار پیش برود؛ و مردم هم باید کمک کنند به اینها؛ این کمک لازم است و حدیث مسئولین بخصوص قوه‌ی مجریه هم لازم است. اگر بتوانیم این حرکت را راه بیندازیم، عرض کردیم که این جریان، جریان انقلابی است و هم سرعت خواهد داشت، هم موفقیت خواهد داشت. ما در هرجایی که کار انقلابی کردیم، اینها را داریم. ببینید! کاری که شهدای هسته‌ای ما در زمینه‌های هسته‌ای که بسیار هم حساس است پیشاهنگش بودند، کاری که شهید طهرانی‌مقدم پیشاهنگش بود، کاری که شهید کاظمی در زمینه‌ی سلول‌های بنیادی پیشاهنگش بود، کارهای بسیار بزرگی است. در زمینه‌های فرهنگی [هم] کاری که شهید آوینی پیشاهنگش بود و در این اواخر [هم] مرحوم سلحشور -که اینها پیشروان کار انقلابی در این کشورند- اینها را باید ترویج کرد، اینها را باید تقدیر کرد و نام اینها را باید گرامی داشت. کار انقلابی این است. اینکه من بارها تکرار میکنم که نیروهای انقلابی را و نیروهای حزب‌اللهی را باید گرامی بداریم و باید نگه بداریم، به خاطر این است؛ کار وقتی با روحیه انقلابی شد، پیشرفت خواهد کرد.

من بحث اقتصاد مقاومتی را عرض کردم؛ فقط یک کلمه [هم] در باب مسائل فرهنگی عرض بکنم. میدانید که مسائل فرهنگی به نظر من بسیار مهم است؛ بنده به مسائل فرهنگی اهمیت بسیار زیادی میدهم و آنچه امروز میخواهم عرض بکنم، همان مطلبی است که به نظرم سال گذشته بود یا سال قبلش بود که در همین جلسه‌ی اول سال عرض کردم که این مجموعه‌های خودجوش مردمی که کار فرهنگی میکنند -که الان در سرتاسر کشور هزاران مجموعه‌ی خودجوش مردمی هست که دارند خودشان کار میکنند، خودشان فکر میکنند، خودشان تلاش میکنند و کار فرهنگی میکنند- روزه‌روز باید توسعه پیدا کنند؛ دستگاه‌های دولتی باید به اینها کمک کنند. دستگاه‌های دولتی، آنهایی که مربوط به فرهنگند، به جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزشهای اسلامی را [باز کنند]، آغوش خود را به روی بچه‌مسلمانها، به روی جوانهای مومن، به روی بچه‌های انقلابی، به روی بچه‌های حزب‌اللهی باز کنند؛ اینها میتوانند کار کنند و دارند کار میکنند؛ کارهای فرهنگی باارزشی دارد انجام میگیرد. در همه‌ی زمینه‌ها جوانان انقلابی ما میتوانند تلاش کنند، کار کنند. جوانان عزیز! کشور مال شما است، فردا مال شما است، امروز هم مال شما است؛ بدانید شما اگر در میدان باشید، شما اگر با ایمان به خدا و توکل به خدا حرکت کنید، شما اگر باور به خود داشته باشید، آمریکا و بزرگ‌تر از آمریکا هیچ غلطی نمیتوانند بکنند.

بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان / ۱۳۹۵/۰۲/۰۱

کشور به شما احتیاج دارد؛ کشور به این میلیون‌ها دانش‌آموز و دانشجویی که امروز ما در کشور داریم احتیاج مبرم دارد. ما به جوان مومن، وفادار، امیدوار، بانشاط، فعال، با ابتکار احتیاج داریم، کشور احتیاج دارد، آینده‌ی کشور احتیاج دارد. درست است که ۲۷ سال از عمر جمهوری اسلامی گذشته است و دشمن در این ۲۷ سال با همه‌ی تلاشها هیچ غلطی نتوانسته بکند؛ این درست است اما «دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد»؛ برنامه‌های درازمدت دارند. همین‌طور که ما می‌گوییم پنجاه سال دیگر -مثلاً- من سه چهار سال قبل از این گفتم، که برنامه‌ی ما برای پنجاه سال دیگر در زمینه‌ی علمی این است -یعنی ما برای پنجاه سال آینده فکر میکنیم، او هم برای پنجاه سال آینده فکر میکند؛ او هم درصدد است، در فکر است که تلاطم این حرکت را -که این حرکت در ایران منحصر نماند، محصور نماند، تلاطم پیدا کرد و در جاهای مختلف و به شکلهای مختلف گسترش پیدا کرد- در هم بشکند؛ ما با پستی نگذاریم؛ چه کسی باید نگذارد؟ شما؛ شما جوانها؛ فردا مال شما است. هم خودتان را به معنای واقعی کلمه بسازید، هم ثابت‌قدم بمانید. فردا شما می‌روید دانشگاه، حضور در دانشگاه بایستی آن هویت دینی و انقلابی را در شما تقویت کند، نه اینکه تضعیف کند. بعضی‌ها این‌جوری‌اند؛ تا قبل از رفتن به دانشگاه یک جور هستند، وقتی رفتند دانشگاه یک جور دیگر میشوند! نه، باید این هویت تقویت پیدا کند. دانشگاه هم، دانشگاه اسلامی است؛ دانشگاه هم متعلق به اسلام است؛ دانشگاه متعلق به انقلاب است، متعلق به همین ملت انقلابی است. [این هویت] تلاطم پیدا کند؛ ثبات قدم پیدا کنید. این ثبات قدم خیلی مهم است.

و ارتباطاتتان نگسلد. الان انجمنها با هم ارتباطاتی دارند، این ارتباطات نباید گسسته بشود. سعی کنید این ارتباطات را حفظ کنید. این زنجیره‌ی مبارک را، این ارتباطات را -هم حالا، هم بعد از عبور از مسیر دانش‌آموزی و ورود به مسیر دانشجویی یا هرجا که خواهید رفت- حفظ کنید؛ «تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر» بشوید؛ همدیگر را حفظ کنید و نگه دارید؛ مثل کوه‌نوردها در جاهای خطرناک که با ریسمان یکدیگر را، کمرها را، به هم وصل میکنند؛ یکی اگر پایش بلغزد، پرت نمیشود تا آخر کوه؛ وقتی به همدیگر وصل شدند، ریسمان بستند، اگر یکی لغزد، دیگران که هنوز نلغزیده‌اند، او را نگه میدارند و بالا میکشند؛ ارتباط و اتصال این‌جوری است. تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر؛ هم به بیمودن راه حق یکدیگر را توصیه کنید، هم به صبر؛ صبر یعنی استقامت، ایستادگی، ثبات قدم، در مقابل حوادث تلخ نلغزیدن، نلرزیدن، مردد نشدن؛ این عرض ما با شما است.

خب، البته مسئولین هم وظایفی دارند. خوشبختانه آموزش‌وپرورش، امروز از مدیریت متدین برخوردار است؛ این یک فرصت است، که از این فرصت باید استفاده کرد. وقتی در راس مجموعه، تدین فرمانروا است، خیلی کارهای خوب را میشود انجام داد -این بچه‌ها، این دو فرزند عزیز من، این دختر و پسر، حرفهای بسیار خوبی زدند؛ یعنی نکاتی را که اینها تذکر دادند، حقیقتاً نکات درستی است و من توصیه میکنم، هم به دفتر خودمان که اینها را یادداشت کنند و توجه کنند و دنبال کنند، و هم به آموزش‌وپرورش که روی این نکاتی که اینها گفتند تکیه کنند- آنچه من عرض میکنم، اولاً برای دانش‌آموزان، نه فقط برای انجمنهای اسلامی، فرصت فراغتی برای پرداختن به کار انقلابی داده بشود. شیوه‌ی کار تعلیم و تربیت را، و عمدتاً تعلیم را، جوری بکنند که جوان دانش‌آموز ما همه‌ی وقت و توان و قدرت و استعداد و نیروی فکری و جسمی‌اش، صرف همین اوراقی که در این کتاب هست نشود؛ گاهی این‌جوری است؛ انسان میبیند که همه‌ی قدرت جسمی و روحی و فکری و عصبی [دانش‌آموز]، صرف همین کتاب میشود؛ نه فراغت تفریح پیدا میکند، نه فراغت ورزش پیدا میکند، نه فراغت کارهای انقلابی پیدا میکند؛ خب این یک ایراد است؛ کاری کنند که دانش‌آموز ما فراغت پیدا کند. البته این، کار یک روز و دو روز نیست، این کار نیازمند برنامه‌ریزی است. ممکن است امروز و فردا دست ندهد اما باید دنبال بکنند که این کار بشود. بچه‌ها را باید انقلابی بار بیاورند؛ پس فرصت کار انقلابی بدهند، فرصت تفکر انقلابی بدهند؛ این یک.

دوم [اینکه] به تشکلهای امین دانش‌آموزی میدان بدهند؛ مثل همین انجمنهای اسلامی، مثل همین اتحادیه؛ که اینها یک تشکلند؛ تشکل امین و متدین، یا بسیج، بسیج دانش‌آموزی؛ یک تشکل است، تشکل امین و متدین؛ به اینها میدان بدهند، میدان بدهند که کار کنند؛ فرصت بدهند، امکانات بدهند -[همان‌طور که] اینجا این جوانها گفتند- امکانات مادی، امکانات معنوی؛ به اینها میدان بدهند، قدر بدانند. ما اگر می‌خواستیم این انگیزه‌هایی را که شما دارید، با پول و با تبلیغ و مانند اینها درست کنیم، هرگز امکان نداشت؛ لو انفق ما فی الارض جميعاً ما لفت بین قلوبهم. اینجا هم بنده عرض میکنم اگر همه‌ی ثروت را هم خرج میکردیم، نمیتوانستیم این همه انگیزه و این همه توان و این همه شوق و علاقه را جمع کنیم. این از درون دارد می‌جوشد؛ این را خدا کرده؛ دلها دست خدا است، دلها می‌توانند

شما دست خدا است. این را قدر بدانیم. اینها الان آمدند در میدان؛ جوانهای ما، چه در اتحادیه‌ی انجمنهای اسلامی، چه در بسیج و امثال اینها، آمدند وارد میدان شدند و میخواهند کار کنند برای خدا، برای انقلاب، برای کشور؛ به اینها باید میدان داد، باید به اینها کمک مادی و معنوی کرد. نکته‌ی سوم، در بعضی از مدارس -اینجا هم یکی از این دو جوان عزیزمان گفتند؛ بنده هم اطلاع داشتم، شنیده‌ام- با کارهای انقلابی مخالفت میشود. فرض کنید بچه‌ها میخواهند برای بیست‌ودوم بهمن -من باب‌مثال- برنامه‌ریزی کنند و آماده‌سازی کنند؛ مسئولین مدرسه به‌جای کمک، مانع‌تراشی میکنند؛ گاهی رسماً مانع میشوند؛ نه، با این رویکرد باید برخورد بشود. بچه‌ها درسشان را باید بخوانند، خوب هم باید بخوانند؛ بنده طرفدار درس خواندنم؛ میدانید، اما در کنار درس خواندن این کار انقلابی هم باید انجام بگیرد.

عزیزان من! جوان کشور ما امیدبخش است؛ محیط جوانی در کشور ما امیدبخش است؛ نه اینکه بنده خیر نداشته باشم که حالا یک مشت جوانهایی هستند که راه‌های غلطی میروند، کارهای بدی میکنند؛ چرا، آنها را هم بنده اطلاع دارم اما سرجمع وقتی که نگاه میکنم به محیط جوانی کشور، از خدای متعال سپاسگزاری میکنم. با این همه عوامل انحراف، با این همه انگیزه، با این جبهه‌ی وسیع دشمنی و تمرکز روی جوانها، ما یک مجموعه‌ی بزرگ جوان داریم که مومنند، متدینند، انقلابی‌اند، اهل توسلند، اهل شور و عشق به معنویتند؛ این چیز کمی نیست؛ این چیز خیلی مهمی است؛ خیلی چیز بزرگی است. عده‌ای اهل قرآنند، عده‌ای اهل اعتکافند، عده‌ای اهل پیاده‌روی اربعینند، عده‌ای اهل ایستادگی در میدانهای انقلاب و در مظاهر انقلابند. این خیلی با عظمت است، خیلی با ارزش است؛ دشمن با همه‌ی اینها مخالف است.

دیدار مدیران، مدرسان و طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران با رهبر انقلاب / ۱۳۹۵/۰۲/۲۵

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «هدایت سیاسی» را دیگر وظیفه‌ی مهم علما و روحانیون خواندند و افزودند: علت تأکید مکرر بر ضرورت انقلابی بودن حوزه‌های علمیه این است که استمرار حرکت صحیح و انقلابی کشور و جامعه، بدون حضور مستمر روحانیت امکان‌پذیر نیست. رهبر انقلاب با اشاره به قضایای «تباکو، مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت» افزودند: مشروطیت و نهضت ملی به‌علت استمرار نیافتن حضور روحانیت به اهداف خود نرسید اما هنر امام خمینی (رحمه‌الله) این بود که نگذاشت دشمن، حضور روحانیت را در حرکت عظیم انقلاب و پس از آن متوقف کند چرا که در غیر این صورت، نه انقلاب پیروز می‌شد و نه جمهوری اسلامی به حرکت خود ادامه می‌داد.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام / ۱۳۹۵/۰۲/۰۲

همین چند روز قبل از این، یک مسئول آمریکایی، اتهاماتی را که علیه جمهوری اسلامی هست ردیف کرد: موشک و چه و چه و «ایدئولوژی»! از دستشان درمی‌رود؛ خودشان را لو میدهند. [این ایدئولوژی] یعنی تفکر؛ تفکر اسلامی که وادار میکند شما را که زیر بار دشمن کافر و جبهه‌ی کفر و استکبار نروید. این است که موجب دشمنی است، و همین است که موجب اقتدار شما است؛ همین است که موجب اقتدار شما است. این انگیزه است که ملت ایران را سرپا نگه داشته است؛ این انگیزه است که عزم راسخ را در ملت ایران نگه داشته است؛ ایستادگی، حفظ هویت انقلابی و اسلامی برای نظام جمهوری اسلامی و برای ملت ایران؛ این آن چیزی است که دشمن از آن بشدت شاک می‌کند؛ چاره‌ای هم ندارد. خیلی تلاش کردند بلکه نتوانند مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را به حیطه‌ی قدرت خودشان در بیاورند، [اما] نتوانستند و به توفیق الهی و به حول و قوه‌ی الهی نخواهند توانست.

شما پاسدار انقلابید، پاسدار انقلاب. البته همه‌ی ملت ایران پاسدار انقلابند یا باید باشند، اما شما سازمانی هستید که به این نام مفتخر و سربلند است: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. این جهاد کبیر را، شما باید سرلوحه‌ی کارتان قرار بدهید. امروز هم نسبت به سپاه، از همه بیشتر عصبانی هستند؛ در اسمهایی که می‌آورند، در فحاشی‌هایی که میکنند، در تهمتهایی که می‌زنند، از همه بیشتر، سپاه را آماج این بدگویی‌ها و این دروغ‌گویی‌ها قرار میدهند؛ علت این است که سپاه نشان داده که ایستاده است. این روحیه و این جهت‌گیری و این حالت را از دست ندهید.

جوانهای عزیز! بچه‌های عزیز من! فردا مال شما است، آینده مال شما است؛ شما هستید که باید این تاریخ را با عزتت محفوظ نگه دارید؛ شما هستید که این بار مسئولیت را بردوش دارید؛ خرمشهرها در پیش است؛ نه در میدان جنگ نظامی، [بلکه] در یک میدانی که از جنگ نظامی سخت‌تر است. البته ویرانی‌های جنگ نظامی را ندارد؛ بعکس، آبادانی به دنبال دارد، اما سختی‌اش بیشتر است. اینکه ما گفتم اقتصاد مقاومتی، یعنی بخش اقتصادی این سیاست بزرگ و اساسی، مقاومت اقتصادی است. اینکه گفتم جوانهای مومن و حزب‌اللهی و انقلابی کارهای فرهنگی خودجوش را رها نکنند و دنبال نکنند، و همه‌ی دستگاه‌های فرهنگی کشور را دعوت کردیم و میکنیم که در این جهت حرکت کنند، این، بخش فرهنگی این عدم تبعیت است، این جهاد بزرگ است، جهاد کبیر است. اینکه از همه‌ی استعدادها موجود کشور دعوت میکنیم که استعدادهای خودشان را در خدمت پیشرفت این کشور به کار بیندازند و به صحنه بیاورند و به میدان بیاورند و از مسئولان دولتی و سایر مسئولان دعوت میکنیم که از این استعدادها استقبال نکنند، این آن بخش فعال اجتماعی این جهاد کبیر است. این جهاد کبیر ابعدادی دارد؛ جهاد کبیرا.

این به معنای قطع رابطه‌ی با دنیا نیست؛ بعضی‌ها برای اینکه این سیاست الهی را بگویند، بدروغ میگویند «انقلابیون میگویند با دنیا قطع رابطه کنید»؛ نه، ما قائل به قطع رابطه‌ی با دنیا نیستیم، قائل به حصار کشیدن دور کشور هم نیستیم؛ رفت‌وآمد بکنند، رابطه داشته باشند، مبادله بکنند، دادوستد بکنند، اما هویت و شخصیت اصلی خودشان را از یاد نبرند؛ این حرف ما است؛ و انتم الاعلون ان کنتم مومنین؛ مثل نماینده‌ی نظام اسلامی حرکت بکنند، مثل نماینده‌ی نظام اسلامی سخن بگویند. با همه، با هر جا که مصلحت کشور اقتضا میکند، قرارداد ببندید، اما مثل نماینده‌ی ایران اسلامی و نماینده‌ی اسلام پشت میز قرارداد بنشینید. همه هوشمندانه حرکت کنند؛ این جهاد هوشمندی لازم دارد، این جهاد اخلاص لازم دارد. این جهاد مثل جهاد نظامی نیست که کسانی در آنجا بدرخشند و چه شهیدشان، چه زنده‌شان و چه جانبازشان مثل قهرمان نشان داده بشوند -که ماها افتخار میکنیم به این شهدا و این جانبازان و اینثارگران- این جهاد جهادی است که ممکن است کسی خیلی هم زحمت بکشد، اما چهره‌ی او را هیچ‌کس نشناسد؛ اخلاص لازم دارد این جهاد.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام / ۱۳۹۵/۰۲/۰۲

آخرین مطلبی که عرض میکنم این است؛ همه‌ی آنچه گفتیم، همه‌ی آنچه باید بکنیم، همه‌ی آنچه توانایی‌های ما رسا برای انجام آن است، متوقف به این است که به خدای متعال تضرع کنیم، توجه کنیم، توسلاتمان را با خدا افزایش بدهیم. رابطه‌ی دلها با خدای متعال، آن رابطه‌ای است که اگر تأمین شد، پشتوانه‌ی هویت انقلابی و عزم و اراده‌ی ما است که خواهد توانست این زمینه‌ای را که بحث کردیم فراهم کند.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۵/۰۲/۰۶

آنچه در مرحله‌ی سوم دارد انجام بگیرد -که مال امروز هم نیست، چند سال است که شروع شده، سالها است که شروع شده منتها روزه‌روز توسعه پیدا کرده- جنگ نرم از نوع دیگر است؛ این است که خیلی خطرناک است، این آن چیزی است که بنده مکرر در مکرر تذکر میدهم به مسئولان مختلف و به جهات مختلف؛ و آن عبارت است از نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛ آن عبارت است از نفوذ برای تغییر باورهای مردم؛ آن عبارت است از نفوذ برای تغییر محاسبات. ما که مسئول هستیم و نشسته‌ایم اینجا، یک محاسبه‌ای داریم برای کارهای خودمان، یک محاسبه‌ای میکنیم؛ این محاسبه نتیجه‌اش این میشود که این‌جور موضع بگیریم؛ اگر محاسبه‌ی ما را توانستند تغییر بدهند، موضع‌گیری ما تغییر پیدا خواهد کرد. یکی از کارهای اساسی آنها این است؛ تغییر محاسبه‌ها در مسئولین؛ تغییر باورها در مردم؛ تغییر در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مجموعه‌هایی که تصمیم‌سازی میکنند و تصمیم‌گیری میکنند. این آن کار خطرناکی است که تهاجم به مبانی انقلاب در آن هست، تهاجم به بنیانهای حافظ و محافظ هست؛ به سپاه حمله میکنند، حمله‌ی تبلیغاتی؛ به شورای نگهبان حمله میکنند؛ به نیروهای

مومن و جوانهای مومن حزب‌اللهی حمله میکنند؛ الان رادیوهای بیگانه و تلویزیون‌های بیگانه و تبلیغات بیگانه پر است از این حرفها؛ من نمیدانم شما آقایان محترم چقدر دسترسی دارید، چقدر می‌بینید؛ بخصوص با این ابزارهای جدید ارتباطاتی که به وجود آمده، دائم دارند روی این زمینه‌ها کار میکنند برای اینکه مخاطبین خودشان را به این نتیجه برسانند. به روحانیون انقلابی حمله میکنند؛ روحانی انقلابی را با عناوین گوناگون، [مثل] آخوند حاکمیتی و امثال آن، میکوبند. در یک کلمه: تلاش در این جنگ نرم، زمینه‌سازی برای تهی شدن نظام از عناصر قدرت است؛ میخواهند کاری کنند که نظام اسلامی از عناصری که در درون او است و مایه اقتدار او است، تهی بشود و خالی بشود. وقتی ضعیف شد، وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ میخواهند او را وادار کنند به تبعیت.

اینجا جای همان جهاد کبیری است که من چند روز قبل از این مطرح کردم؛ فلا تطع الکفرین و جهدهم به جهادا کبیرا؛ در تفاسیر گفته‌اند مراد از این ضمیر «به»، قرآن است، با اینکه حالا کلمه‌ی قرآن در عبارت نیامده است که ضمیر به آن برگردد لکن، هم مرحوم طبرسی در «مجمع‌البیان» [گفته است]، هم مرحوم علامه‌ی طباطبائی؛ مرحوم علامه‌ی طباطبائی میگویند سیاق کلام نشان میدهد که مراد از «به» یعنی «بالقرآن»؛ بنده هم آنجا همین را در سخنرانی گفتم؛ بعد که آمد، به ذهن رسید که یک وجه اوضعی در اینجا وجود دارد که «فلا تطع الکفرین و جهدهم به»، یعنی «عدم‌الاطاعة»؛ عدم‌الاطاعة یعنی آن مصدری که فعل از آن انشقاق پیدا [میکند] و مستتر در آن فعل است؛ فلا تطع الکفرین و جهدهم به، یعنی به این عدم‌الاطاعة، جهادا کبیرا؛ پس عدم‌الاطاعة شد جهاد کبیر؛ این معنا اقرب به ذهن است؛ حالا من البته فحص نکردم بینم در بین مفسرین کسانی این احتمال را داده‌اند یا نه، لکن به‌رحال این احتمال، احتمال مهمی است. جهاد کبیر یعنی این؛ جهاد برای عدم تبعیت، برای عدم دنباله‌روی از دشمن. پس مسیر و جهت‌گیری این مجلس این است؛ مسیر انقلابی، مسیر انقلابیگری، تعقیب راه انقلاب، تحکیم اسلام، تحکیم دین خدا.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۵/۰۳/۰۶

حالا البته اگر چنانچه بخواهیم جسارت کنیم و عرض بکنیم ملاک انقلابی بودن در این مجموعه‌ها چیست، بنده به نظر میرسد ملاک انقلابی بودن، تقوا است، شجاعت است، بصیرت است، صراحت است، نترسیدن از «لومه لآثم» است؛ اینها ملاک انقلابی بودن است. اگر چنانچه ما تقوا داشته باشیم، شجاعت لازم را هم داشته باشیم، صراحت لازم را هم [-البته] در جایی که صراحت لازم است؛ آنجایی که تکیه لازم است، نه؛ آنجا صراحت مضر است- داشته باشیم، اگر توانستیم اینها را انجام بدهیم [انقلابی هستیم]. شناخت درست از دشمن داشته باشیم. دشمن یک جبهه است؛ دشمن یک فرد که نیست، یک دولت خاص که نیست، یک جبهه است؛ ما باید این جبهه را بشناسیم و بینیم چه کسی وابسته‌ی به این جبهه است و از کجا این جبهه، جوری حرکت میکند که میتواند ما را نسبت به خودش منتهیه کند. جبهه‌ی دشمن را بشناسیم، شیوه‌های دشمنی را هم بشناسیم؛ بدانیم [دشمن] چه جوری دشمنی میکند. گاهی هست که دشمن وارد میشود، یک کاری را شروع میکند به قصد یک هدف حیثیت‌آمیز و ما درست نمیدانیم آن هدف چیست؛ ظاهر کار را نگاه میکنیم می‌بینیم کار خوبی است و از آن استقبال میکنیم؛ درحالی‌که او دارد آن هدف [خودش] را دنبال میکند. داشته‌ایم؛ از این قبیل در کشور داشته‌ایم و داریم مواردی را که آنها یک کاری را شروع کردند با یک هدفی، ما هم طواهر کار را نگاه کردیم گفتیم عجب! خب اینکه کار خوبی است، اینکه اشکالی ندارد؛ درحالی‌که اگر بصیرت داشته باشیم، اگر اهداف دشمن را بشناسیم، این‌جوری گول نمیخوریم.

بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۵/۰۳/۱۲

درباره‌ی امام بزرگوار میخواهیم حرف بزنیم. یکی از عناوین و اوصافی که درباره‌ی امام راحل عظیم‌الشان ما، کمتر به‌کار رفته است و کمتر از این عنوان استفاده کرده‌ایم، عبارت است از یک عنوان جامع که من این‌جور تعبیر میکنم: مومن متعبد انقلابی. ما امام را با صفات متعددی همواره توصیف میکنیم اما این صفت -که ما کمتر امام را با آن توصیف کرده‌ایم- یک صفت جامع است؛ مومن است، متعبد است، انقلابی است. ...

انقلاب یک کلمه است و در دل آن حقایق بی‌شماری وجود دارد؛ امام انقلاب یعنی پیشوای همه‌ی این خصوصیات که کلمه‌ی انقلاب متضمن آن است. قدرتهای مادی هم که نسبت به امام همواره غضبناک بودند، عصبانی بودند و البته میهراسیدند از امام بزرگوار، بیشتر به‌خاطر این صفت بود؛ صفت انقلابیگری امام؛ با این خصوصیت او دشمن بودند. امروز هم دشمنان ملت ایران با خصوصیت انقلابیگری او خصومت دارند و دشمنند. اساسا قدرتهای مادی از کلمه‌ی انقلاب وحشت میکنند؛ از کلمه‌ی «انقلاب اسلامی» وحشت میکنند، میهراسند، می‌ترسند. فشارهایی هم که وارد میکنند، به‌خاطر انقلابیگری است؛ شرح خواهم داد که انقلابیگری متضمن چه مفاهیم و معانی و خطمشی‌هایی است؛ حق دارند که بترسند. فشارها البته با بهانه‌های مختلف وارد میشود؛ گاهی با بهانه‌ی هسته‌ای، گاهی با بهانه‌ی حقوق بشر و بهانه‌هایی از این قبیل، اما حقیقت قضیه عبارت است از همین که دشمنان ملت ایران و دشمنان ایران اسلامی از خصوصیت انقلابیگری واهمه دارند و نگرانند. در همین اواخر، در چند ماه قبل از این، یک سیاستمدار آمریکایی گفت: ایران به‌خاطر انقلاب اسلامی تحریم است؛ اصل تحریم مربوط به انقلاب ۱۹۷۹ -یعنی انقلاب سال ۵۷- است؛ این یک حقیقت است. ...

امام انقلابی ما کشور را از منجلاهای بیرون کشید؛ به‌وسیله‌ی انقلاب، کشور را از منجلاهای متعددی خارج کرد. جوانهای عزیز ما که دوران قبل از انقلاب را درک نکرده‌اند، لمس نکرده‌اند، باید درست دقت کنند و توجه کنند که مسئله این است، مسئله‌ی اساسی این است. اگر یک ملتی مسئله‌ی اساسی خود را نداند، گمراه میشود. مسئله این است که انقلاب اسلامی آمد این کشور را از منجلاهای نجات داد؛ از منجلاهای وابستگی، از منجلاهای عقب‌ماندگی، از منجلاهای فساد سیاسی، از منجلاهای فساد اخلاقی، از منجلاهای حقارت بین‌المللی. ...

ما تا امروز به برکت حرکت در جهت انقلاب، دستاوردهای زیادی پیدا کرده‌ایم اما هنوز تا آن هدفها فاصله بسیار زیاد است. میتوانیم به آن هدفها برسیم، مشروط بر اینکه این قطار بر روی همین ریل حرکت کند؛ بر روی ریلی که امام، قطار جامعه‌ی اسلامی را به حرکت درآورد. بعد از رحلت امام، ما هرچا انقلابی عمل کردیم پیش رفتیم و هرچا از انقلابیگری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ این یک واقعیتی است. بنده در این سالها خودم مسئول بودم؛ اگر تقصیری در این مطلب باشد، متوجه این حقیر هم هست؛ هرچا انقلابی بودیم، جهادی حرکت کردیم، بر روی آن ریل حرکت کردیم، پیش رفتیم؛ هرچا کوتاهی کردیم و غفلت کردیم، عقب ماندیم. میتوانیم برسیم به شرط اینکه انقلابی حرکت کنیم و انقلابی پیش برویم.

مخاطب این سخن، نسل امروز و نسل فردا و نسل فرداهای بعد است؛ مخاطب این سخن، همه‌ی ما هستیم؛ مسئولان مخاطبند؛ فعالان سیاسی، فعالان فرهنگی، فعالان اجتماعی، همه مخاطب این سخنند؛ جوانان، دانشگاهیان، حوزویان، پیشه‌وران، روستاییان، شهریان، همه مخاطب این سخنند؛ همه باید بدانند میتوان این راه را با شیوه‌ی انقلابی حرکت کرد و آنوقت، پیشرفت قطعی است؛ و میتوان به شیوه‌ی دیگری حرکت کرد و آنوقت سرنوشت سرنوشت رفت‌آوری خواهد بود. ...

مدام تهدید شدیم، مدام گفتند حمله میکنیم، مدام گفتند تحریم میکنیم، مردم نه از تهدید نظامی ترسیدند، نه از تحریم ترسیدند، نه از تحریم فلج شدند؛ نترس، شجاع، سربلند، حرکت را ادامه دادند؛ از این پس هم باید همین باشد. مردم ما، قشرهای مختلف ما، جوانهای ما، روحانیون ما، پیشه‌وران ما، دانشگاهیان ما، محققین ما، مسئولان ما، دولتی‌های ما، مجلسی‌های ما باید انقلابی بمانند و انقلابی حرکت بکنند -که شاخصهایی را عرض خواهم کرد- و همه انقلابی باشند تا بتوانیم این راه را با موفقیت پیش برویم و ادامه بدهیم.

این خطا است که گمان کنیم انقلابی فقط آن کسی است که در دوران امام بوده است، یا در دوران مبارزات در کنار امام بوده است؛ نه، بعضی کانه این‌جور خیال میکنند که انقلابیون آن کسانی هستند که در دوران امام یا در دوران مبارزات یا در دوران حکومت امام بزرگوار حضور داشتند، در کنار امام بودند؛ نه، اگر معنای انقلابی را این بگیریم، انقلابی همین ما پیروپاتال‌ها خواهیم بود. انقلاب مال همه است؛ جوانها انقلابی‌اند و میتوانند انقلابی باشند، با آن معیارها و شاخصهایی که عرض خواهم کرد. میتوان یک جوان امروز از من سابقه‌دار در انقلاب، انقلابی‌تر باشد؛ همچنان‌که در دوران دفاع مقدس دیدیم کسانی بودند که جان خودشان را

کف دست گرفتند در راه این انقلاب و در راه انفاذ فرمان امام به جبهه رفتند. جانشان را فدا کردند؛ انقلابی صددرصد، انقلابی کامل، آنها هستند؛ آنهایی که آماده‌ی فداکاری‌اند؛ پس ما نباید انقلابی را منحصر کنیم به یک عده‌ای که در دوران مبارزات با امام بودند یا امام را می‌شناختند یا در کنار او بودند؛ نه، انقلاب یک شط جاری است و همه‌ی کسانی که در طول تاریخ با این ممیزات حضور دارند و تلاش میکنند انقلابی‌اند، ولو امام را ندیدند؛ مثل اغلب شما جوانها. این هم خطا است که ما خیال کنیم اگر گفتیم فلانی انقلابی است، یعنی فلانی افراطی است؛ یا وقتی می‌خواهیم اشاره کنیم به انقلابی‌ها و انقلابیون، تعبیر افراطی را به کار ببریم؛ نه، این خطا است. انقلابیگری به معنای افراطی بودن نیست. این دوگانه‌هایی که سوغات بیگانه‌ها و حرف دشمنان ایران است، نباید در ایران و در فرهنگ سیاسی ما جا باز کند؛ آنها تقسیم میکنند مردم را به تندرو و میانه‌رو. بحث تندرو و کندرو نداریم. انقلابی را میگویند تندرو، غیر انقلابی را میگویند میانه‌رو؛ این یک دوگانه‌ی بیگانه است، آنها اینها را در رادیوهایشان، در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان تکرار میکنند، ما این را نباید تکرار بکنیم. انقلابی، انقلابی است. این هم خطا است که ما از همه‌ی کسانی که انقلابی هستند، یک نوع عمل انقلابی توقع داشته باشیم؛ یا یک درجه‌ی از انقلابیگری توقع داشته باشیم؛ نه، به قول ما طلبه‌ها انقلابیگری مقول به تشکیک است. ممکن است یک نفر نسبت به مفاهیم انقلاب و عمل انقلابی بهتر حرکت کند، یک نفر به آن خوبی حرکت نکند اما در همان راه دارد حرکت میکند. اینکه ما هرکسی خوب حرکت نکرد یا به‌طور کامل حرکت نکرد را متهم بکنیم به غیر انقلابی یا ضد انقلابی این هم خطا است؛ نه، ممکن است یک نفری صد درجه میزان حرکت او ارزش دارد، یک نفری کمتر ارزش دارد، یک نفری از او کمتر ارزش دارد اما همه در این راه حرکت میکنند. مهم این است که آن شاخصها تطبیق بکند. مهم شاخصها است. مهم این است که آن کسی هم که با آن شدت و با آن جدیت حرکت نمیکند، شاخصهای انقلابیگری را داشته باشد. اگر این شاخصها وجود داشت، آنوقت طرف انقلابی است، فرد انقلابی، مجموعه‌ی انقلابی، دولت انقلابی، سازمان انقلابی؛ عمده این است که شاخصها را بشناسیم.

برای انقلابی بودن شاخصهایی وجود دارد. من پنج شاخص را در اینجا ذکر میکنم. البته بیش از اینها میشود خصوصیات را گفت لکن من فعلا پنج شاخص برای انقلابیگری ذکر میکنم که ما باید سعی کنیم در خودمان این پنج شاخص را ایجاد کنیم و حفظ کنیم، هرچا هستیم؛ یکی در کار هنر است، یکی در کار صنعت است، یکی در کار فعالیت سیاسی است، یکی در کار فعالیت علمی است، یکی در کار فعالیت اقتصادی و بازرگانی است؛ فرقی نمیکند؛ این شاخصها در همه‌ی افراد ما ملت ایران میتواند وجود داشته باشد. پنج شاخص که اینها را شرح خواهیم داد [عبارتند از]: شاخص اول، پایبندی به مبانی و ارزشهای اساسی انقلاب؛ شاخص دوم، هدفگیری آرمانهای انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها که آرمانهای انقلاب و اهداف بلند انقلاب را در نظر بگیریم و همت برای رسیدن به آنها داشته باشیم؛ شاخص سوم، پایبندی به استقلال همه‌جانبه‌ی کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم‌تر از همه است - و استقلال امنیتی؛ شاخص چهارم، حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه‌ی دشمن و عدم تبعیت از او، که البته باید دشمن را شناخت، نقشه‌ی او را فهمید و از تبعیت دشمن سر باز زد - عرض کردیم که قرآن این عدم تبعیت را «جهاد کبیر» نام نهاده است؛ من این چند وقت دو سه بار در این باره صحبت کردم - شاخص پنجم، تقوای دینی و سیاسی که این بسیار مهم است. این پنج شاخص اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است؛ حالا درجات انقلابی بودن، همانطور که عرض کردیم، مختلف است.

عرض کردیم که شاخص اول، پایبندی به ارزشهای مبنایی و اساسی اسلام است. بنده در سال گذشته در همین جلسه راجع به مبانی امام صحبت کردم؛ مبانی اساسی ما اینها است. مبانی اول، پایبندی به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است. اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است، اسلام آمریکایی هم دو شاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجر، یک شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام آمریکایی است. استکبار و قدرتهای مادی از هر دو شاخه پشتیبانی کرده‌اند و میکنند؛ یک جاهایی آنها را به وجود می‌آورند، یک جاهایی آنها را راهنمایی میکنند، یک جاهایی آنها را کمک میکنند؛ اسلام ناب در مقابل آنها است؛ اسلام ناب اسلامی است که همه‌جانبه است؛ از زندگی فردی و خلوت فردی تا تشکیل نظام اسلامی، همه را شامل میشود. اسلام ناب آن اسلامی است که هم تکلیف من و شما را در خانواده با خود و در خلوت شخصی‌مان معین میکند، هم تکلیف ما را در جامعه معین میکند، هم تکلیف ما را در قبال نظام اسلامی و ایجاد نظام اسلامی معین میکند؛ این اسلام ناب است. این یکی از مبانی است که باید به این پایبند بود.

یکی دیگر از مبانی، محور بودن مردم است که وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه میکنیم، ترکیب آن میشود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این؛ مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدفها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ اینها مردمی بودن است؛ رای مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن مبانی است و به معنای واقعی کلمه باید به این معتقد بود.

یکی از آن مبانی اساسی و ارزشهای اساسی عبارت است از اعتقاد به پیشرفت، اعتقاد به تحول، به تکامل، و تعامل با محیط، البته با پرهیز از انحرافها و خطاهایی که در این راه ممکن است وجود داشته باشد. تحول و تکامل؛ هم فقه ما، هم جامعه‌شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روشهای گوناگون ما باید روزبه‌روز بهتر بشود، منتها به دست آدمهای خیره، به دست آدمهای وارد، به دست انسانهای اهل تعمق و کسانی که اهلیت ایجاد راه‌های نو را دارند؛ نیمه‌سوادها و آدمهای ناوارد و مدعی نمیتوانند کاری انجام بدهند. به این باید توجه داشت؛ اینها همه یک صراطی است که چپ و راست دارد؛ از وسط جاده باید حرکت کرد.

حمایت از محرومان؛ یکی از مبانی اساسی و ارزشهای اساسی نظام اسلامی عبارت است از حمایت از محرومان. یکی دیگر حمایت از مظلومان است در هر نقطه‌ی عالم. اینها ارزشهای اساسی انقلاب است؛ از اینها نمیشود صرف‌نظر کرد. اگر کسی، کسانی یا جریانی نسبت به محرومین بی‌تفاوت باشد، یا نسبت به مظلومان عالم بی‌تفاوت باشد، این شاخص در او وجود ندارد.

خب، اگر این پایبندی به ارزشهای اساسی وجود داشت - که این شاخص اول بود - حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود و در تندباد حوادث، این حرکت تغییر پیدا نمیکند. [اما] اگر این پایبندی وجود نداشت، نقطه‌ی مقابل این پایبندی، عمل‌گرایی افراطی است؛ یعنی هر روزی به یک طرف رفتن و هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاندن؛

میکشد از هر طرف، چون پر کاهی مرا
 و سوسه‌ی این‌و آن، دمدمی خویشتن

این میشود عمل‌گرایی؛ هر روزی انعطاف به یک جهت و به یک سمت؛ این منافات دارد با آن پایبندی. در تعبیر قرآنی، این پایبندی به ارزشها را «استقامت» نام نهاده‌اند: فاستقم کما أمرت و من تاب معک - آیه‌ی قرآن در سوره‌ی مبارکه‌ی هود - یا ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الا تحافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنه؛ در تعبیر قرآنی، اسم این پایبندی به مبانی و ارزشها استقامت است.

شاخص دوم، همت بلند برای رسیدن به آرمانها، صرف‌نظر نکردن از آرمانها و منصرف نشدن از هدفهای بزرگ [است]. نقطه‌ی مقابل آن، تنبلی و محافظه‌کاری و ناامیدی است. بعضی سعی میکنند جامعه را و جوانهای ما را دچار ناامیدی کنند، بگویند «آقا فایده‌ای ندارد، نمیشود، نمیرسیم؛ چه‌جوری ممکن است با این همه مخالفت، با این همه دشمنی»؛ این نقطه‌ی مقابل آن شاخص دوم است. شاخص دوم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمانهای بلند؛ تسلیم نشویم در مقابل فشارها، البته شما وقتی که در یک راهی می‌روید که دشمنی بر سر آن راه هست، برای شما مانع ایجاد میکند؛ [اما] این مانع بایستی مانع نشود از رفتن شما، از ادامه‌ی حرکت شما؛ تسلیم فشارها نشویم، رضایت به وضع موجود ندهیم، که اگر رضایت به وضع موجود دادیم نتیجه‌اش عقب‌گرد است. بنده بارها تکرار کرده‌ام؛ جوانها باید به سمت پیشرفت حرکت کنند؛ به سمت تحول مثبت حرکت کنند؛ اینکه ما به همان چیزی که داریم قانع بشویم - فرض کنید ما در زمینه‌ی علمی به یک پیشرفتهایی رسیده‌ایم که البته مورد قبول همه‌ی دنیا است؛ قبول دارند که ما پیشرفت کرده‌ایم - اگر به همین اندازه قانع شدیم، عقب خواهیم ماند؛ عقب خواهیم رفت؛ نه، راه پیشرفت تمام‌شدنی نیست؛ باید رفت تا رسید به آرمانهای بلند.

شاخص سوم عرض کردیم پایبندی به استقلال است. این استقلال خیلی مهم است؛ استقلال داخلی، استقلال منطقه‌ای، استقلال جهانی و بین‌المللی؛ در

همه‌ی این مسائل استقلال کشور و استقلال نظام را حفظ کردن.

معنایش این است که ما در زمینه‌ی سیاسی فریب نخوریم؛ دشمنی که هدفش این است که دولتها و ملتها را به دنبال خود بکشاند، به شیوه‌های مختلفی توسل می‌جوید. این‌جور نیست که همیشه با تهدید حرف بزنند؛ نه، گاهی هم با تملق حرف می‌زنند؛ گاهی به انسان نامه می‌نویسند که شما بیاید - با ما که آمریکا هستیم - مسائل جهانی را با مشارکت یکدیگر حل کنیم؛ در این قالب با انسان حرف می‌زنند؛ انسان در اینجا ممکن است دچار وسوسه بشود که برویم با یک ابرقدرتی در حل مسائل بین‌المللی همکاری کنیم؛ در ادبیات نامه‌نگاری رسمی دیپلماتیک، این‌جوری حرف‌زده می‌شود اما باطن قضیه این نیست؛ باطن قضیه این است که او یک نقشه‌ای دارد؛ می‌گوید شما بیا در نقشه‌ی من، بیا در آن میدانی که من ترسیم کرده‌ام بازی کن؛ نوع بازی را هم او معین می‌کند. شما بیا این کار را انجام بده تا آن هدفی که برای آن نقشه کشیده شده است، تحقق پیدا کند. اینکه ما در قضایای منطقه، در قضیه‌ی سوریه، در قضایای شبهه سوریه حاضر نشدیم در ائتلاف به اصطلاح آمریکایی وارد بشویم - با اینکه بارها گفتند، تکرار کردند، خواستند - علت این است. آنها یک نقشه‌ای دارند، یک هدفی را ترسیم کرده‌اند، ما بیا بده به آن هدفها برسند و البته ما بیا بده که از قدرت و نیرو و نفوذ هر کشوری استفاده کنند، از جمله جمهوری اسلامی؛ اگر جمهوری اسلامی اینجا خام بشود، وارد بازی آنها بشود، معنایش این است که جدول کاری آنها را بر کرده است؛ معنایش این است که نقشه‌ی آنها را کامل کرده است. این خلاف استقلال است؛ این بظاهر چیزی نیست که دولتی یا کسی بیاید بر کشور حکومت بکند که بگویم استقلال کشور از بین رفت اما ضد استقلال سیاسی است.

استقلال اقتصادی مهم است، [اما] اول در زمینه‌ی فرهنگی عرض بکنم؛ استقلال فرهنگی به اعتقاد بنده از همه‌ی اینها مهم‌تر است. استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی - ایرانی انتخاب بکنیم. بنده در باب سبک زندگی دو سه سال قبل از این مفصل صحبت کردم؛ سبک زندگی از معماری، از زندگی شهری، از زیست انسانی، از پیوندهای اجتماعی تا همه‌ی مسائل گوناگون را شامل می‌شود. تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه‌ی مقابل استقلال فرهنگی است. امروز نظام سلطه بر روی این مسئله دارد کار میکند؛ همین مسئله‌ی مهندسی اطلاعات، این ابزارهای جدیدی که وارد میدان شده است، اینها همه ابزارهایی هستند برای تسلط بر فرهنگ یک کشور. بنده با این حرف نمی‌خواهم بگویم این ابزارها را از زندگی خودمان خارج کنیم؛ نه، اینها ابزارهایی هستند که می‌توانند مفید واقع بشوند اما سلطه‌ی دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد. نمی‌توانید شما برای اینکه مثلا فرض بفرمایید رادیو و تلویزیون داشته باشید، رادیو تلویزیونتان را بدهید در اختیار دشمن؛ اینترنت هم همین‌جور است، فضای مجازی هم همین‌جور است، دستگاه‌های اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی هم همین‌جور است، اینها را نمی‌شود در اختیار دشمن قرار داد؛ امروز در اختیار دشمن است؛ وسیله و ابزار نفوذ فرهنگی است؛ ابزار سلطه‌ی فرهنگی دشمن است.

و استقلال اقتصادی - به‌طور خلاصه - هضم نشدن در هاضمه‌ی اقتصاد جامعه‌ی جهانی است. ببینید، آنها خودشان - آمریکایی‌ها - در همین قضایای بعد از مذاکرات هسته‌ای گفتند معامله‌ی هسته‌ای باید موجب بشود که اقتصاد ایران در اقتصاد جامعه‌ی جهانی ادغام بشود؛ ادغام ادغام یعنی چه؟ اقتصاد جامعه‌ی جهانی چیست؟ آیا اقتصاد جامعه‌ی جهانی یک نظم عادلانه و منطقی و عقلانی است؟ ای‌ها. اقتصادی که نقشه‌ی آن را جامعه‌ی جهانی کشیده است و مظاهر گوناگون آن در همه‌ی دنیا گسترده است، عبارت است از نقشه‌ای و نظامی که سرمایه‌داران عمدتاً صهیونیستی و بعضاً غیر صهیونیستی برای تصرف منابع مالی همه‌ی دنیا طراحی کرده‌اند. این نظم جامعه‌ی جهانی و اقتصاد جهانی است. اینکه یک کشوری اقتصادش را ادغام کند در اقتصاد جهانی، افتخار نیست؛ این خسارت است، این ضرر است، این شکست است. در تحریم هم مقصود آنها یک هدف اقتصادی بود؛ تحریم هم که کردند ما را، خود آمریکایی‌ها تصریح کردند که این تحریم برای فلج کردن اقتصاد ایران است. حالا مذاکرات هسته‌ای هم که انجام گرفته است، به یک نتایجی منتهی شده است، اینجا هم باز هدفشان اقتصادی است؛ یعنی از جمله‌ی اهدافشان اقتصاد است؛ یعنی بلعیدن اقتصاد ایران به وسیله‌ی هاضمه‌ی اقتصاد بین‌المللی و جهانی که سردمدار آن هم آمریکا است.

استقلال اقتصادی تنها با اقتصاد مقاومتی به دست می‌آید؛ که امسال ما گفتیم: «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل». خوشبختانه دولت محترم، اقدام و عمل را شروع کردند و طبق گزارشی که به من دادند، کارهای خوبی انجام گرفته است. اگر با همین قوت و با همین شیوه ادامه پیدا کند و جدا پیش برود، یقیناً آثار آن را مردم خواهند دید؛ اقتصاد مقاومتی. همه‌ی تصمیم‌های بزرگ اقتصادی باید در ضمن اقتصاد مقاومتی تعریف بشود. فرض کنید ما با فلان کشور قرارداد معامله‌ی بازرگانی یا صنعتی می‌بندیم؛ باید معلوم بشود که این در کجای اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد. اینکه ما خیال کنیم رونق اقتصاد کشور صرفاً با سرمایه‌گذاری خارجی تامین می‌شود، خطا است. سرمایه‌گذاری خارجی البته چیز خوبی است اما این یکی از خانه‌های جدول اقتصاد مقاومتی را پر میکند. مهم‌تر از سرمایه‌گذاری خارجی، فعال کردن ظرفیتهای درونی و داخلی است. ما ظرفیتهای فعال‌نشده‌ی فراوانی داریم که اینها را بایستی فعال کنیم؛ این مهم‌تر است. آن هم البته لازم است در کنار این وجود داشته باشد، اما اینکه ما همه‌چیز را موقوف کنیم به اینکه خارجی‌ها بیایند اینجا سرمایه‌گذاری کنند، نه. گاهی گفته می‌شود که فناوری‌های نو را می‌آورند؛ خیلی خوب، عیبی ندارد؛ موافقم که فناوری نو را بیاورند؛ [البته] اگر بیاورند! اگر هم نیاورند، من گفتم که این جوانان ما که در زمینه‌ی نانو پیشرفت کرده‌اند، در زمینه‌ی هسته‌ای پیشرفت کرده‌اند، در زمینه‌ی ساختهای فناوری پیچیده پیشرفت کرده‌اند، در بسیاری از زمینه‌ها جزو پنج، شش، ده کشور اول دنیا قرار گرفته‌اند، اینها نمیتوانند چاه‌های نفت ما را به تولید بهتر برسانند؟ یا پالایشگاه‌های ما را اصلاح کنند؟ یا فرض بفرمایید که بخشهای دیگری را که مورد نیاز ما است که محتاج فناوری جدید خارجی هستیم [درست کنند]؟ البته اگر این فناوری در معاملات ما با خارجی‌ها منتقل بشود، ما با این موافقم و مخالفتی نداریم.

توجه بکنید! امروز در دنیا تحلیلگران حساس مسائل اقتصادی و سیاسی بر روی اقتصاد مقاومتی کشور ما شرط‌بندی میکنند؛ این قدر مهم است، این قدر حساس است. بر روی اینکه آیا این اقتصاد مقاومتی که ایران مطرح کرده است، به نتیجه میرسد یا نمیرسد، تحلیلگران بحث میکنند، شرط‌بندی میکنند! این قدر این اهمیت دارد. بنابراین «استقلال» به این معنا است. این شاخص سوم بود که عرض کردیم.

شاخص چهارم؛ حساسیت در برابر دشمن. دشمن را بشناسیم، در برابر حرکات دشمن حساسیت داشته باشیم. آن کسانی که در دوران دفاع مقدس در جبهه بودند میدانند که آنجا کسانی در قرارگاه‌ها بودند که به وسیله‌ی عوامل خودشان هر حرکت کوچک دشمن را دنبال میکردند، رویش حساس میشدند؛ فرض بفرمایید امروز دشمن این جاه‌جویی را انجام داده است؛ این برای چیست، چرا انجام داده است؛ علت‌یابی می‌کردند. حساس در مقابل حرکات دشمن. دشمن را بشناسیم، نقشه‌های او را تشخیص بدهیم، بر روی کارهای او، حرفهای او، اظهارات او حساس باشیم؛ و در مقابل زهری که او احتمالاً خواهد ریخت، پادزهر فراهم بکنیم و آماده باشیم برای اینکه حرکت او را خنثی بکنیم. این، حساسیت در مقابل دشمن است.

خب، نقطه‌ی مقابل این حساسیت چیست؟ نقطه‌ی مقابل یکی این است که بعضی اصل دشمن را انکار میکنند. وقتی ما می‌گوییم دشمن داریم، می‌گویند «آقا، شما دچار توهمید؛ توهم توطئه». خود این مطرح کردن توهم توطئه، به نظر ما یک توطئه است؛ برای اینکه حساسیتها را کم کنند [می‌گویند]: «آقا، دشمن چیست، کدام دشمنی؟» واضح‌ترین چیزها را انکار میکنند. می‌گویم آمریکا دشمن انقلاب است، ذات نظام سلطه اقتضا میکند که با نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی دشمن باشد؛ منافشان ۱۸۰ درجه با یکدیگر اختلاف دارد. نظام سلطه اهل خیانت است، اهل جنگ‌افروزی است، اهل ایجاد و سازماندهی گروه‌های تروریست است، اهل سرکوب کردن گروه‌های آزادی‌خواه است، اهل فشار آوردن بر مظلومین - مثل فلسطین و ایتالیا فلسطین - است؛ این طبیعت نظام سلطه است. شما الان ببینید آمریکا و انگلیس، قریب صد سال است که دارند بر مردم فلسطین فشار می‌آورند - چه قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، چه بعد از آن تا امروز - دارند فشار می‌آورند روی فلسطینی‌ها. خب این، حرکت نظام سلطه است؛ اسلام که نمیتواند در مقابل این ساکت بماند؛ نظام اسلامی که نمیتواند ببیند و بی‌تفاوت بماند. نظام سلطه مستقیماً به کشور بمباران‌کننده‌ی مردم بمن کمک میکند - آمریکا صریحاً، مستقیماً کمک میکند به بمباران یمن - بمباران کجا؟ بمباران جبهه‌های نبرد؟ نه، بمباران بیمارستان، بمباران بازار، بمباران مدرسه، بمباران میدان عمومی مردم؛ آمریکا کمک میکند. خب، نظام اسلامی نمیتواند بی‌تفاوت بماند. اینها با همدیگر دشمنند؛ در ذات خود با هم مخالفند. چطور میشود منکر این دشمنی شد؟ آمریکا بیست‌وهشتم مرداد را راه انداخت و حکومت ملی را سرنگون کرد؛ آمریکا از اول انقلاب تا امروز دارد با ما دشمنی میکند؛ آمریکا در زمان طاغوت، ساواک را به راه انداخت که مایه‌ی شکنجه‌ی مردم و مبارزین [بود]؛ آمریکا در جنگ هشتتساله به دشمن ما حداکثر کمک ممکن را کرد؛ آمریکا هواپیمای مسافربری ما را سرنگون کرد؛ آمریکا سکوی نفتی ما را زد؛ آمریکا ما را تحریم کرد؛ اینها دشمنی نیست؟

هر فردی و هر جریان‌ی که برای اسلام و به نام اسلام کار میکند، اگر به آمریکا اعتماد کرد، خطای بزرگی مرتکب شده و سیلی‌اش را خواهد خورد؛ کما اینکه خوردند. در همین چند سال اخیر جریان‌های اسلامی، به‌خاطر مصلحت‌اندیشی، به‌خاطر عقل سیاسی -اسم‌ش را می‌گذارند عقل- به‌خاطر تاکتیک که می‌گفتند این حرکت تاکتیکی است، با آمریکایی‌ها رفیق شدند، به آنها اعتماد کردند، چوبش را خوردند، سیلی‌اش را خوردند و حالا دارند مصیبت‌هایش را تحمل میکنند. هرکسی با نام اسلام در جهت اسلام حرکت میکند، اگر به آمریکا اعتماد کند، خطای بزرگی مرتکب شده. ما البته دشمن‌های ریزودرشت زیادی داریم؛ دشمن‌های کوچک هم داریم، دشمن‌های حقیر هم داریم اما عمده‌ی دشمنی‌ها از سوی آمریکا و از سوی انگلیس خبیث -انگلیس واقعا خبیث؛ هم در گذشته، از دوران اوایل رژیم طاغوت تا دوران انقلاب، [هم] بعد از دوران شروع انقلاب و پیروزی انقلاب تا امروز، همواره انگلیس با ما دشمنی کرده است؛ حالا هم به‌مناسبت سالگرد امام، دستگاه تبلیغاتی دولت انگلیس علیه امام، به‌اصطلاح سند منتشر میکند؛ سند منتشر میکند علیه امام بزرگوار، امام پاکیزه و مطهر! سند را از کجا آورده‌اند؟ از مدارک آمریکایی! خب، آمریکایی که هواپیمای مسافری را با قریب سیصد نفر سرنگون میکند، از جعل سند اثباتی دارد؟ دشمنی انگلیس‌ها این‌جوری است- و [از سوی] رژیم منحوس و سرطانی صهیونیستی است؛ اینها دشمن‌های اصلی‌اند. این دشمن را باید شناخت و در مقابل کارهای او باید حساسیت نشان داد؛ حتی اگر نسخه‌ی اقتصادی هم به ما میدهند، باید با احتیاط برخورد کرد؛ مثل این است که دشمنی بیاید به انسان یک دارویی را بدهد و بگوید آقا، این دارو را بخور برای فلان بیماری؛ شما احتیاط میکنید؛ احتمال دارد در داخل این دارو زهر گذاشته باشد. نسخه‌ی سیاسی و نسخه‌ی اقتصادی دشمن هم باید با احتیاط مورد توجه قرار بگیرد؛ حساسیت در مقابل دشمن این است. طبعاً این حساسیت وقتی بود، دیگر تبعیت نخواهد بود، و عرض کردیم که عدم تبعیت همان جهاد کبیر است. این هم شاخص چهارم. شاخص پنجم و آخرین شاخص، تقوای دینی و سیاسی؛ که غیر از تقوای فردی [است] که البته آن هم لازم است. یک تقوای فردی داریم که من و شما خودمان از گناه پرهیز کنیم، خودمان را حفظ کنیم؛ قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره؛ خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ این تقوای فردی است. تقوای اجتماعی -تقوای اسلامی مربوط به اجتماع- این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم. همه‌ی آن آرمان‌هایی که عرض کردیم، آرمان‌های اسلامی است؛ یعنی مسئله، فقط مسئله‌ی یک محاسبه‌ی عقلانی نیست؛ اینکه ما عرض کردیم باید به آن آرمان‌ها پایبند بود، باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، اینها همه مطالبات اسلامی است، اسلام اینها را از ما خواسته است؛ این‌جور نیست که فقط یک محاسبه‌ی عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است. هرکسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را نشناخته است؛ هرکسی حوزه‌ی معرفتی اسلام را و حوزه‌ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را نشناخته است. قرآن به ما میگوید: اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت؛ عبودیت خدا -یعنی تسلیم در مقابل خدا بودن- و اجتناب از طاغوت، و در آیه‌ی دیگر [میگوید]: الذین امنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا؛ اینها دستور قرآن است. اینکه ما خودمان را و مردمان را و جوانانمان را و مسئولینمان را به احساس مسئولیت در مقابل این حرف‌ها فرا میخوانیم، فقط یک توصیه‌ی عقلانی نیست، یک توصیه‌ی سیاسی نیست؛ این یک خواست دینی است؛ رعایت آن، تقوای دینی است. این تقوای دینی است؛ تقوای سیاسی هم در داخل همین مندرج است؛ اگرچنانچه این تقوای دینی تحقق پیدا کرد، تقوای سیاسی هم همراه همین است. تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن میتواند از آن استفاده کند، پرهیز کند.

بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی / ۱۳۹۵/۰۳/۱۶

شما که مجلس شورای اسلامی هستید، یک نهاد انقلابی هستید؛ مجلس شورای اسلامی یک نهاد انقلابی و برآمده‌ی از انقلاب است؛ باید انقلابی عمل کنید، باید انقلابی باشید و بنامید. البته انقلابی بودن صوری دارد، اشکالی دارد؛ پیروز در مرقد امام، بنده یک مقداری در این زمینه‌ها صحبت کردم؛ اگر بودید یا اگر گوش کردید یا اگر شنیدید [میدانید]. بالاخره انقلاب یک ضوابطی دارد، یک مبنایی دارد. به‌رحال شما در قانونگذاری انقلابی عمل کنید، در موضع‌گیری‌ها انقلابی عمل کنید؛ موضع‌گیری‌ها هم دوجور است؛ یکی موضوع‌گیری‌های شخصی شما است که در نطق‌های شما خودش را نشان میدهد. یکی موضع‌گیری‌های عمومی است. مجلس نهم در این جهت انصافاً کارنامه‌ی خوبی داشت. در جهت مقابله و مواجهه‌ی با جریان‌های معارض و متعرض سیاسی علیه انقلاب، باید موضع‌گیری داشت، باید موضع داشت.

بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها / ۱۳۹۵/۰۳/۲۹

احساس هویت؛ گفتیم [دانشجویان] باید احساس هویت کنند. ما باید واقعیت‌های کشور را بدانیم؛ آنچه امروز گفته شد بخشی از واقعیتها بود؛ اینکه ما در بخش فضا این کارها را کرده‌ایم، در بخش نانو این کارها را کرده‌ایم، در بخش هسته‌ی این کارها را کرده‌ایم، در بخش زیست‌فناوری این کارها را کرده‌ایم، در بخش پزشکی این‌جور پیش رفته‌ایم؛ اینها چیزهایی است که بایستی گفته بشود. استاد میتواند در زمینه‌ی احساس هویت در دل دانشجو تاثیر بگذارد تا احساس کند هویت با ارزشی دارد و به آن افتخار کند. اینکه استاد ما در داخل کلاس دل دانشجو را خالی کند و مدام بگوید «شما کوچکید، شما حقیرید، شما عقب‌مانده‌اید» خیانت است؛ این بی‌تعارف خیانت است. اینکه استاد ما دانشجو نخه را تشویق کند که «آقا! اینجا مانده‌ای چه کار کنی؟ بلند شو برو [خارج] استفاده کن!»، خب اینجا بهترین دانشگاه‌های کشور با هزینه‌ی زیاد این دانشجو را آماده کرده‌اند، پرورش داده‌اند؛ آنوقتی که وقت استفاده و میوه‌چینی از این نهال با ارزش است، برود میوه‌اش را جای دیگر بدهد؛ این خیانت است. معنای احساس هویت این است: دانشجو احساس کند که ایرانی بودن و مسلمان بودن و انقلابی بودن یک افتخار است و به این افتخار کند. بله، عقیم اما نیرو داریم، تلاش داریم، انرژی داریم، جوانی داریم، حرکت میکنیم، میرویم به جلو و می‌رسیم. اینکه من گفتم زبان فارسی -که مجری محترم برنامه اشاره کردند- منظورم بحث زبان فارسی نیست؛ البته زبان فارسی خیلی چیز ارزشمندی است و ما در جای خود درباره‌اش زیاد تاکید کرده‌ایم، حرف من این است که ما از لحاظ علمی به جایی برسیم که دیگری اگر بخواهد آن دانش را و آن رتبه‌ی بالا را یاد بگیرد مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد. همچنان‌که شما امروز در بخشی از علوم اگر بخواهید به تازه‌های علمی دست پیدا کنید مجبورید زبان انگلیسی یا زبان فرانسه را مثلاً یاد بگیرید؛ حرف من این است؛ ما باید کشور را به اینجا برسانیم. بله، ما انرژی داریم، توان داریم، ظرفیت داریم، عقب هستیم اما خودمان را به جلو می‌رسانیم؛ کما اینکه خیلی عقب‌تر بودیم، خودمان را به اینجا رساندیم که امروز هستیم. حرف من این است.

خب حالا من البته اینجا آمارهایی را مطرح کردم که دیگر لزومی ندارد [بگویم]، بعضی‌هایش را آقایان گفتند. مراکز فضاوت جهانی -از جمله همین پایگاه‌های استنادی؛ از جمله مجلات مربوط به علم، مجله‌ی ساینس، مجله‌ی نیچر- آنچه درباره‌ی ایران ذکر کرده‌اند نشان‌دهنده‌ی اعجاب آنها است. حالا مثلاً از جمله یک موسسه‌ی علم‌سنجی در کانادا میگوید که «پیشرفت‌های علمی ایران خیره‌کننده است»، آنوقت جالب، جمله‌ی بعدش است که میگوید «و مایه‌ی نگرانی غرب است!» خب اگر شما انسانید چرا نگران میشوید؟ [اگر] یک ملتی از لحاظ علمی پیشرفت کند شما باید نگران بشوید؟ مجله‌ی دیگر علمی معروف دنیا -مجله‌ی ساینس- [مینویسد] «ایران قدرت نوظهور علمی است»؛ این را نوشتند، ثبت کردند، منتشر کردند؛ قدرت نوظهور علمی. آنطور که به من گزارش داده‌اند و برای من نوشته‌اند، یونسکو در ۲۰۱۵ [میلادی] -یعنی همان پارسال- یک گزارشی داده در مورد چشم‌انداز علم تا سال ۲۰۳۰؛ در این گزارش میگوید ایران به دنبال تبدیل اقتصاد منبع‌محور به اقتصاد دانش‌محور است. این همان نکته‌ای که ما روی آن مکرر تکیه کردیم و امروز هم بعضی از آقایان اینجا اشاره کردند. بله، اقتصاد دانش‌محور که بنده این‌همه تاکید میکنم به‌خاطر این است. میگوید «تحریم موثر بود؛ تحریم به ایران به‌طور غیر مستقیم کمک کرد که به این فکر بیفتد که بایستی اقتصاد را دانش‌محور کرد». گزارش یونسکو میگوید که اولویت‌های ایران در زمینه‌ی مسائل علمی، سلول‌های بنیادی است، هسته‌ی است، هوافضا است، تبادل انرژی است، فناوری اطلاعات است. همه‌ی اینها را دارند در زیر ذره‌بین مطالعه میکنند، نگاه میکنند. این کارهایی که ما داریم انجام میدهم کارهای مهمی است. خب دانشجو ما اینها را باید بداند؛ وقتی دانست احساس هویت میکند، احساس شخصیت میکند و به خودش، به ایرانی بودنش، به متعلق به انقلاب بودنش افتخار میکند.

البته احساس هویت ما فقط در زمینه علم نیست؛ ما در زمینه سخن نو-همین که ایشان گفتند: همین سخن تازه بگو- سخن تازه گفته‌ایم. فکر مردم‌سالاری همراه با معنویت و دین یک فکر نو در دنیای امروز است. تصور نشود که فکر گرایش به معنویت یک امر قدیمی و ارتجاعی و به قول آقایان دمه‌شده و مانند این حرفها است؛ نخیر، امروز دنیا به‌خاطر خلا معنوی در تلاطم است و این را قبول دارند؛ این را دارند میگویند، تکرار میکنند؛ منتها از کجا معنویت بیاورند؟ معنویت را که نمیشود مثل آمپول تزریق کرد به ملت؛ ندارند، گرفتارند و البته گرفتارتر هم خواهند شد. اینکه ما آمدیم یک مردم‌سالاری همراه با دین، همراه با معنویت به وجود آوردیم، به معنای واقعی کلمه مردم‌سالاری است؛ در جاهای دیگر، مردم‌سالاری در واقع حزب‌سالاری است. در غرب حزب هم به معنای یک مجموعه و شبکه‌ی منتشره در مردم نیست؛ نه در آمریکا، نه در انگلیس، نه در جاهای دیگر. این را توجه داشته باشید. در کشورهای غربی حزب یک کلوب است؛ یک کلوب سیاسی است، یک باشگاه است که یک مجموعه‌ای از نخبگان آنجا جمع میشوند با شعارهایی، با سرمایه‌دارهایی، با مانند اینهایی، میتوانند مردم را با تبلیغات، در انتخابات جذب کنند؛ مردم‌سالاری به معنای واقعی نیست، اینجا -در کشور ما- مردم‌سالاری به معنای واقعی کلمه است، در عین حال با دین و با اسلام همراه است. خب، اینها احساس هویت میدهند، اگر چنانچه این احساس هویت در جوان به وجود آمد، واگرایی به وجود نمی‌آید؛ ما چندین هزار دانشجو در خارج داریم، اگر این افتخار بود، آن دانشجو پامیشود می‌آید ایران. [البته] درسش را بخواند؛ بنده از رفتن دانشجو به خارج از کشور احساس وحشت نمیکنم، بارها هم گفته‌ام، برود درسش را بخواند، یاد بگیرد، بیاید برای کشورش مفید باشد. این کی خواهد شد؟ آنوقتی که به ایرانی بودن افتخار کند، به انقلابی بودن افتخار کند. این احساس هویت، معنایش این است.

یک مسئله در مورد سیاست در دانشگاه‌ها است. بنده چند سال قبل از این -خیلی پیش، سالها پیش- راجع به سیاست در دانشگاه‌ها، یک تعبیری به کار بردم که مسئولین دولتی آن روز خیلی ناراحت شدند که چرا این حرف را میزنید؛ گفتم: خدا لعنت کند کسانی را که بساط فکر سیاسی و کار سیاسی و تلاش سیاسی را از دانشگاه‌ها جمع کردند، از ما گله‌مند شدند که شما بچه‌ها را وادار میکنید به کار سیاسی. خب، حالا البته همانها گاهی اوقات ریاکارانه یک حرفهایی میزنند راجع به دانشگاه و دانشجو و این حرفها، لکن عقیده واقعی‌شان همان است؛ [اما] من عقیده‌ام این است. محیط دانشگاه به‌طور طبیعی محیط تضارب آرا و افکار است، این طبیعت دانشگاه است؛ علت هم این است که از طرفی جوان هنوز به آن پختگی فکری و مبنایی که او را آرام میکند نرسیده -میدانید، وقتی انسان به پختگی فکری رسید، یک احساس آرامشی در او به وجود می‌آید که آن حالت چالشی از او گرفته میشود؛ جوان نه، این‌جور نیست- از طرفی هم، سرشار از انرژی و بحث و مانند اینها است؛ بنده خودم مراجعه میکنم به خاطرات خودم و به دوره‌ی جوانی خودمان -پنجاه شصت سال پیش- که با افرادی بحث میکردیم سر مسائل سیاسی، سر مبارزات، داد، بیداد؛ محیط چالشی، خاصیت جوانی است، بخصوص جوان دانشجو که خب اهل این حرفها است؛ بنابراین، این هیچ اشکالی ندارد. اشکال این است که ما از این محیط چالشی علیه انقلاب و ارزشهای انقلاب بهره‌برداری کنیم، این بد است. افکار مختلف، سلاقی مختلف، گرایشهای سیاسی مختلف، در دانشگاه باشند، هیچ اشکالی ندارد؛ با هم بحث هم میکنند، چالشی دارند.

مسئول مدیریت دانشگاه وظیفه‌اش چیست؟ آیا وظیفه‌اش این است که از آن گرایشی که با مبنای انقلاب مخالف است حمایت کند و با او همکاری کند؟ نه، این مطلقا [درست نیست]؛ درست عکس مسئولیت است. مسئولین دانشگاه اعم از مدیران، مدیران ارشد، مدیران وزارت تا استاد که داخل کلاس است و با دانشجو روبه‌رو است، وظیفه‌شان این است که در این مجموعه‌ی چالشی دانشگاه، سعی کنند این چالشها را هدایت کنند به سمت آن چیزهایی که به مبنای انقلاب منتهی میشود، به هدفهای انقلاب منتهی میشود؛ یعنی جوان را انقلابی بار بیآورند. در جمله‌ای کوتاه؛ دانشگاه باید انقلابی باشد، دانشجو باید انقلابی باشد، دانشجو باید یک مسلمان مجاهد فی سبیل الله باشد؛ به این سمت باید هدایت بکنند. من گاهی البته گزارشهایی دارم که عکس این را نشان میدهد. و من این را به آقایانی که اینجا تشریف دارند -مسئولان و مدیران آموزش عالی- عرض میکنم: شماها خیلی مسئولید، خیلی باید مراقب باشید؛ مراقب باشید محیط دانشگاه یک جایگاهی نشود برای واگرایی از انقلاب و مفاهیم انقلاب و ارزشهای انقلاب، از تدین، از انقلابیگری، از یاد و نام امام بزرگوار؛ این جزو الزامات حتمی است. در دانشگاه ممکن است یک نفری یا یک جمعی، یک گرایشی داشته باشند که به تجربه‌ی کشور منتهی میشود -این هست، این واقعیت دارد؛ البته شمایی که در دانشگاه هستید، [بدانید] در بعضی از دانشگاه‌ها چنین چیزی هست؛ بنده خبر دارم- این گرایشها قابل تایید نیست، قابل حمایت نیست. گرایشهایی وجود دارد که کشور را به سمت وابستگی سوق میدهد، باید با اینها همراهی نکرد؛ نمیخواهیم بگوییم با ضرب‌وزور و کار امنیتی و مانند اینها؛ نه، با همان کار خردمندانه، کار مدیرانه، کار طبیعانه بایستی با این فضا برخورد کرد. بنابراین مسئله‌ی انقلابیگری و انضباط [مهم است].

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم / ۱۳۹۵/۰۴/۰۵

راه پیشرفت ایران اسلامی، احیا روحیه انقلابی و احیا روحیه مجاهدت است. مجاهدت، میدانهای فراوانی دارد؛ البته همه‌ی میدانهای مجاهدت هم خطر دارد. شهدای هسته‌ای را ببینید؛ در میدان علم کار کردند اما مورد تعرض دشمن قرار گرفتند؛ [این] جهاد است. فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیم؛ (۱) خب، [اینکه] خدای متعال برای مجاهدین فضیلت قائل شده است، برای مجاهدت رتبه قائل شده است، برای همین است. ما مگر چقدر در این دنیا عمر میکنیم؟ میلیاردها سال قبل و بعد ما این دنیا عمر دارد، از این میلیاردها [سال]، پنجاه سال، شصت سال، هفتاد سالش نصیب من و شما است؛ در این مدت باید از فرصت استفاده کنیم، خودمان را برای زندگی واقعی‌ای که «ان الدار الآخرة لهی الحيوان» (۲) است، آماده کنیم. در این فاصله، بعضی‌ها مجاهدت میکنند و این مجاهدت، آنها را به مقامات عالی میرساند؛ نه فقط آخرت خودشان را درست میکنند، دنیای دیگران را هم میسازند و تقویت میکنند و به وجود می‌آورند. آنوقت این مال مجاهدت است؛ مال شهدا؛ و لا تحسین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا، اینها مرده نیستند، بل احیا عند ربهم یرزقون * فرحین بما اتاهم الله من فضله و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم الا خوف علیهم و لا هم یجزون. (۳) قضیه این‌جوری است؛ این کلام خدا است، مژده‌ی خدا است که میگوید اینها زنده‌اند، خدایند، مورد لطف الهی‌اند، مورد رزق الهی‌اند، خرسندند، خوشحالند؛ به من و شما هم پیغام میدهند و میگویند که بدانید اگر از این راه بیاوید، در این سرمنزل نه غم هست، نه نگرانی؛ نه ترس هست، و نه حزن؛ الا خوف علیهم؛ راه این است. راه را درست رفتند، صحیح رفتند، درست حرکت کردند.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم / ۱۳۹۵/۰۴/۰۵

ما البته کم‌کاریم. حالا آقای شهیدی فرمودند که ما در بنیاد شهید داریم کار میکنیم لکن کار فقط این نیست که ما به خانواده‌های اینها اظهار احترام کنیم، تعظیم کنیم، تحلیل کنیم؛ نه، حادثه را باید احیا کنید، زنده نگه دارید. باز هم مردم و روحیه انقلابی خود مردم است که این حوادث را زنده نگه‌داشته است، والا ما یک فیلم درباره‌ی این حادثه‌ی بزرگ نداریم؛ یک اثر هنری درباره‌ی حادثه‌ی هفتم تیر نداریم که حقایق را روشن کند، معلوم بشود اینها چه کسانی بودند؟ چه بودند؟

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم / ۱۳۹۵/۰۴/۰۵

برادران و خواهران عزیز! من این حرف را شاید با کم‌وزیاد ده‌ها بار گفته‌ام، باز هم تکرار میکنم؛ ما هر جا به انقلاب تکیه کردیم، به روحیه انقلابی تکیه کردیم، پیش رفتیم؛ هر جا از ارزشها کوتاه آمدیم، انقلاب را ندیده گرفتیم، از این گوشه‌اش زدیم، از آن گوشه‌اش زدیم، تاویل و توجیه کردیم، برای خوشایند عناصر استکبار که دشمنان اصلی اسلام و دشمنان اصلی این نظامند، مدام حرف را جویدیم، حرف را خوردیم، عقب ماندیم؛ قضیه این‌جوری است. راه پیشرفت ایران اسلامی، احیا روحیه انقلابی و احیا روحیه مجاهدت است.

دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب / ۱۳۹۵/۰۴/۰۹

رهبر انقلاب در پایان در نوعی جمع‌بندی از سخنانشان، تاکید کردند: قوه قضائیه باید صدرصد انقلابی باشد و انقلابی عمل کند. اینشان خاطر نشان کردند: البته انقلابی‌گری برخلاف نظر و تبلیغ برخی‌ها، تدریجی نیست بلکه انقلابی‌گری یعنی «عادلان، خردمندانه، دقیق، دلسوزانه، منصفانه،

قاطعانه و بدون رودرپاستی عمل کردن».

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۵/۰۲/۱۲

هرکسی را به صرف اینکه با فکر شما به‌طور کامل انطباق ندارد متهم به انقلابی نبودن نکنید. ممکن است کسی صددرصد با فکر شما منطبق نباشد، یک اختلافاتی داشته باشد، پنجاه درصد مثلا منطبق باشد اما انقلابی باشد؛ انقلابی بودن بالاخره معیارهایی دارد، این معیارها در او ممکن است وجود داشته باشد؛ فورا آدمها را متهم به ضدانقلاب یا غیر انقلابی نباید کرد. همین‌طور که من روز چهاردهم خرداد در حرم حضرت امام (رضوان‌الله‌علیه) بیان کردم، انقلابیگری هم مثل ایمان است و مراتبی دارد؛ مرتبه‌ی اول، مرتبه‌ی دوم، مرتبه‌ی سوم؛ بله، بعضی از مراتبش بالاتر است و بهتر است، بعضی مراتبش پایین‌تر است اما همه مومند، حساب مومن با غیر مومن فرق میکند، با منافق فرق میکند ولو درجاتشان درجات یکسانی نباشد.

یازدهمین مطلب، تشکلهای انقلابی با هم هم‌افزا باشند. گاهی شما با هم اختلافاتی دارید؛ تشکلهای انقلابی سر یک چیزهایی با هم اختلاف دارند؛ خوب داشته باشند، در عین حال با این اختلافات هم‌افزایی داشته باشید، نقاط مشترک را بگیرید؛ یعنی اختلافات موجب نشود که به یقه‌گیری و به مقابله و این چیزها بینجامد؛ این را به نظر من در محیط دانشگاه سعی کنید جا بیندازید؛ رواداری و تحمل؛ تحمل مخالف که مصداق کاملش هم این است.

بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان / ۱۳۹۵/۰۷/۲۸

برافرازانده‌ی پرچم تمدن نوین اسلامی، ما یک چنین کشوری می‌خواهیم؛ هدف این است. ببینید من نه شاخص خواندم. ما می‌خواهیم کشور را تبدیل کنیم به یک چنین کشوری با این خصوصیات. البته در نیمه‌های راه در یک قسمتهایی بد نبوده، یک پیشرفتهایی کرده‌ایم اما اینها همه راه‌های نیمه‌راهی است، ما باید پیش برویم، باید به قله‌ها برسیم. و این بدون یک نسل جوان نخبه امکان‌پذیر نیست. یک نسلی باید وجود داشته باشد که این هدف را تامین بکند. کسی در صورت این هدف نمیتواند تردید کند. اینکه ما موظفیم به‌عنوان یک انسان، به‌عنوان یک مسئول، به‌عنوان یک مسلمان و به‌عنوان یک ایرانی -آن که اسلام را هم قبول ندارد، بالاخره ایرانی است؛ ایرانی بودن هم مسئولیت‌آور است- به‌عنوان این چند منشا مسئولیت، موظفیم کشور را به اینجا برسانیم.

خب، راهش چیست؟ راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات اینها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور -البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند- چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمومنین «اعر الله جمجتک»؛ زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است. بعضی‌ها از روی دشمنی، انقلابی را بد معنا میکنند. انقلابی را به معنای بی‌سواد، بی‌توجه، بی‌انضباط [میدانند]؛ نخیر، اتفاقا درست بعکس است. انقلابی یعنی دارای سواد، دارای انضباط، دارای تدین، دارای حرکت، دارای عقل، خردمند. ما یک چنین نسلی لازم داریم. این نسل، نسل جوان ما است. سرمایه‌ی این حرکت، این نسل است و موتور محرکه‌ی این حرکت هم نخبگان جوانند؛ نخبگان این‌جوری هستند. شماها موتور محرکید. اگر شما خوب کار کردید، این نسل جوان در همین جهتی که عرض کردم، حرکت خواهد کرد. علت اینکه بنده به نخبگان اهمیت میدهم و وجود آنها را قدر میدانم اینها است. نخبه ارزش دارد.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۵/۰۸/۱۲

عزیزان من! خودتان را برای آینده آماده کنید؛ خودتان را برای اداره‌ی این کشور آماده کنید. علاج مشکلات این کشور -چه مشکلاتی که امروز داریم، چه مشکلاتی که بعدها خواهیم داشت، چه مشکلاتی که هر کشوری و هر ملتی دارد؛ بالاخره هیچ کشوری که بدون مشکل نیست- و حل این مشکلات، در گرو جوشیدن اراده و استقامت از درون ملت است؛ از درون ملت بایستی اراده، استقامت، عزم راسخ، ایستادگی بجوشد؛ چشمها، باز؛ روحیه‌ها با توکل به خدا و اعتماد به نفس، قوی. اگر به خدا توکل داشته باشیم و به خودمان اعتماد کنیم، روحیه‌هایمان قوی خواهد بود؛ هم در زمینه علمی، هم در زمینه مدیریت، هم در زمینه اداری. آنچه من بر روی آن تکیه میکنم روحیه انقلابیگری است؛ این روحیه را باید حفظ کنید. معنای روحیه انقلابی چیست؟ معنایش این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی میکند، گره‌گشایی میکند؛ از چیزی نم‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده روشن حرکت میکند؛ انقلابی‌گری یعنی این؛ این [فرد] انقلابی است؛ این روحیه انقلابی را باید حفظ کرد.

بعضی‌ها عکس این عمل میکنند، بعضی‌ها عکس این حرف می‌زنند، بعضی‌ها عکس این مدیریت میکنند؛ جوان را به آینده بی‌اعتماد میکنند، به انقلاب بی‌اعتماد میکنند، جوان را از نفس گرم امام دور میکنند؛ خوب این خراب میشود دیگر؛ آنوقت از زمانه هم مینالند! از زمانه هم مینالند. زمانه را چه کسی میسازد؟ به قول صائب: حرم زمانه‌ساز فزون از زمانه است؛ زمانه را چه کسی میسازد؟ زمانه را من و شما میسازیم؛ ما زمانه‌سازیم. اگر زمانه بد باشد، به من و شما باید نگاه کرد؛ ما هستیم که زمانه را میسازیم. ما وقتی که گام‌هایمان را محکم برداشتیم، ما وقتی که توصیه‌ی امام را ندیده گرفتیم -آن چشم تیزبین، آن دل حکیم، دل سرشار از حکمت؛ خوب میدید، خوب میفهمید، درست تشخیص میداد؛ راه را برای ما روشن کرده؛ وصیت‌نامه‌ی امام دم دست ما است؛ خوب، آن کسانی که تردید دارند این وصیت‌نامه را نگاه کنند؛ ببینند چه گفته امام- وقتی مردم را از اینها دور میکنیم، جوانها را از اینها دور میکنیم، جوان را به لابی‌گری سوق میدهم، جوانی را که تمایل به عفت دارد، به سمت بی‌مبالاتی نسبت به مسائل عفتی و مانند اینها سوق میدهم، خوب معلوم میشود نتیجه بد خواهد شد. زمانه خراب خواهد شد. البته خوشبختانه تا امروز نتوانسته‌اند و نخواهند هم توانست؛ جوان ما خیلی خوب است. [اگر] به اسم آزادی، لابی‌گری را تزریق کنیم، به اسم عقل و نگاه عقلانی، سازش و تسلیم در مقابل دشمن را القا کنیم، خوب زمانه خراب میشود دیگر؛ این راه را بایست با استحکام ادامه داد. امیرالمومنین در نهج‌البلاغه میفرماید: فتریب قلوب بعد استقامه و تضل رجال بعد سلامه؛ بعضی از دلها یک روزی مستقیم بودند، در راه راست قرار داشتند، درست حرکت میکردند اما بعد برگردانده شدند. زیغ، یعنی واژگونه شدن؛ ربتا لا ترغ قلوبنا -که در قرآن هست- یعنی خدایا! دلها ما را واژگونه نکن؛ [اگر] درست میفهمیدیم، ما را دچار بدفهمی و کج‌فهمی نکن. امیرالمومنین میگوید: بعضی‌ها یک روزی درست حرکت میکردند، اما دل‌هایشان واژگونه شد. حالا چرا واژگونه میشود؟ خدا که به کسی ظلم نمیکند؛ خودمان هستیم که آلوده‌ی دنیا میشویم، آلوده‌ی محبت‌های بیجا میشویم، آلوده‌ی جاه‌طلبی میشویم، آلوده‌ی رقیب‌بازی میشویم، آلوده‌ی جناح‌بازی و حزب‌بازی میشویم، دل‌مان واژگونه میشود و از آن راه درست، از آن استقامت اولی بر میگردیم. و تضل رجال بعد سلامه؛ یک روزی سالم بودند، بعد گمراه میشوند. آفت اینها است؛ جلوی اینها را بایستی گرفت و از اینها باید به خدا پناه برد.

بیانات در دیدار مردم اصفهان / ۱۳۹۵/۰۸/۲۶

راه عبور از همه‌ی مشکلاتی که برای کشور محتمل است، چه در این دوره، چه در ده سال دیگر، چه در پنجاه سال دیگر، این است که کشور از درون مستحکم باشد. ببینید چه‌جوری استحکام حاصل میشود. استحکام داخلی نظام، اساس کار است؛ هم استحکام سیاسی، هم استحکام اقتصادی، هم استحکام فرهنگی، و هم بالاتر از همه استحکام روحی و روانی افراد، بخصوص نخبگان و بخصوص مسئولان ارشد کشور. این استحکام اگر وجود داشته باشد، هیچ خطری کشور را تهدید نمیکند. کشور در مقابل همه‌ی خطرها آماده است. جوانهای عزیز ما بایستی این رویش مبارک روحیه انقلابی را ادامه بدهند. بحثها و جنجالها و حاشیه‌سازی‌ها و پرداختن به چیزهای کوچک و جزئی و مانند اینها مسئله‌ی کشور نیست؛ مسئله‌ی کشور، روحیه انقلابی است؛ مسئله‌ی کشور، جهت‌گیری انقلابی است؛ و از لحاظ عملی و برنامه‌ریزی، مسئله‌ی کشور، اقتصاد است که بارها عرض کرده‌ایم، پیشرفت علمی است که بارها عرض کرده‌ایم و اتحاد و انسجام احاد ملت است که این را هم بارها عرض کرده‌ایم. اینها مسائل اصلی کشور است.

دیدار نخبگان و دانشجویان بسیجی مدال‌آور دانشگاه شریف با رهبر انقلاب / ۱۳۹۵/۱۰/۱۲

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مطالب مطرح‌شده از جانب نخبگان علمی را مطالبی پخته، صحیح، دقیق و منطبق با آرمان‌ها خواندند و تاکید کردند: هسته‌های نخبگی که همچون گلخانه‌هایی در سراسر کشور پراکنده هستند، قطعا آینده‌ی کشور را سرشار از عطر علم و تجربه و استعداد و تدین و انقلابی‌گری خواهند کرد.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۶/۰۱/۰۱

بنده از ضعف‌های فعالیت‌های مسئولین کشور -از جمله خود این حقیر- در سطح عموم ملت ایران و در طول سالها، آگاهم؛ ضعف‌های زیادی وجود داشته که این مربوط به مدیریتهای ما است، مربوط به حرکت عمومی نظام اسلامی نیست. ما هرچا یک مدیریت انقلابی فعال پرتحرک داشتیم، کار پیش رفته است؛ هرچا مدیریتهای ضعیف، بی‌حال، ناامید، غیرانقلابی، و بی‌تحرک داشتیم؛ کارها یا متوقف مانده است، یا انحراف پیدا کرده است. این مسئله‌ای است که وجود دارد؛ یک اشکالی و یک ضعفی است که وجود دارد؛ باید مدیرانمان ان‌شاءالله پیرانگیزه‌تر باشند، کارآمدتر باشند، تلاش بیشتری را انجام بدهند، و به حول و قوه‌ی الهی همین‌جور هم خواهد شد. من به‌طور قاطع عرض میکنم که اگر مدیریت در بخشهای مختلف کشور، متدین باشد، انقلابی باشد و کارآمد باشد، همه‌ی مشکلات کشور حل خواهد شد؛ ما مشکل غیرقابل حلی در کشور نداریم.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۶/۰۱/۰۱

ما برای کشورمان و برای ملتمان چه میخواهیم؟ ما میخواهیم ملت و کشور به کجا برسد؟ ما برای ملت ایران امنیت ملی میخواهیم، عزت ملی میخواهیم، سلامتی عمومی میخواهیم، رفاه عمومی میخواهیم؛ پیشرفت همه‌جانبه میخواهیم، استقلال از قدرتهای سلطه‌گر جهانی میخواهیم، شکوفایی استعدادها میخواهیم، رها شدن و نجات یافتن از آسیب‌های اجتماعی -مثل اعتیاد و فساد و امثال اینها- میخواهیم؛ اینها را برای کشور میخواهیم؛ اینها چیزهایی است که ما در زمینه‌ی مسائل مادی برای کشورمان دنبال میکنیم و میخواهیم. آن وقتی ملت به آسایش خواهد رسید که این مواد برای او در داخل کشور تامین بشود. خوب چگونه میشود اینها را به دست آورد؟ عزت ملی، امنیت ملی، اقتدار ملی، پیشرفت همه‌جانبه چه‌جور به دست می‌آید؟ من عرض میکنم بدون اینکه کشور یک اقتصاد قوی داشته باشد، اینها به دست نمی‌آید. نیاز ما اقتصاد قوی، تولید قوی، همراه با مدیریت قوی است؛ نیازمان این است: یک اقتصاد قوی و مطمئن و متکی به خود که دستمان به سمت دیگران دراز نباشد، بتوانیم انتخاب کنیم، بتوانیم حرکت کنیم، بتوانیم اقدام کنیم، بتوانیم روی قیمت نفت اثر بگذاریم، پول ملی را ارزشمند کنیم، قدرت خرید مردم را بالا ببریم؛ بدون یک اقتصاد قوی این‌جوری، نه به یک عزت مستمری خواهیم رسید، نه به یک امنیت مستمری خواهیم رسید؛ این چیزها را باید تامین کنیم. اهمیت اقتصاد این است. و البته بدون اتحاد ملی هم به دست نمی‌آید؛ بدون پیوند عمومی ملت با نظام هم این خواسته‌ها به دست نمی‌آید؛ بدون فرهنگ انقلابی هم به دست نمی‌آید؛ بدون مسئولان شجاع و فعال و پرکار هم این خواسته‌ها تامین نخواهد شد. همه‌ی اینها را لازم داریم و باید تامین کنیم و میتوانیم تامین کنیم. [پس] یکی از مشکلات عمده‌ی کنونی ما مسئله‌ی اقتصاد است.

گزیده‌ای از بیانات در دیدار خانواده شهید صمدیان / ۱۳۹۶/۰۱/۰۶

ان‌شاءالله جوانان ما قدر بدانند، کار کنند و خودشان را بسازند. این کشور به جوانهای انقلابی و حزب‌اللهی و مومن احتیاج دارد. آن کسانی که در تبلیغاتشان، در حرف‌هایشان حزب‌اللهی را می‌گویند، بسیجی را می‌گویند، جوانهای مومن را می‌گویند، نمی‌فهمند چه‌کار دارند می‌کنند؛ در واقع دارند به کشور و آینده‌ی کشور لطمه می‌زنند.

هر چه که معلوماتان بیشتر باشد در محیط دینی و انقلابی می‌توانید مفیدتر باشید. ... درستان را پیش ببرید و خط بسیجی و انقلابی را از دست ندهید. بدانید که... راه لغزنده‌ای است. یعنی یک رفیق بد، یک مشاور بد، یک استاد بد، یک حادثه‌ی نامناسب گاهی پای انسان را می‌لغزاند، انسان باید حواسش جمع باشد، این حواس‌جمعی در تعبیرات قرآنی اسمش چی است؟ تقوا... اینها را اگر مراقبت کنید ان‌شاءالله آینده‌ی شما از گذشته‌تان خیلی بهتر خواهد شد و ان‌شاءالله برای کشورتان، برای اسلام، برای انقلاب، برای نظام مفید خواهید بود در آینده، به حول و قوه‌ی الهی.

بیانات در دیدار کارگران / ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

این را هم همه بدانند، خود نامزدهای محترم هم بدانند که ما جز با کار جهادی و کار انقلابی نخواهیم توانست این کشور را به سامان برسانیم. در همه‌ی بخشها، کمربسته بودن مثل یک جهادگر لازم است؛ این اگر بود، کارها راه می‌افتد؛ این اگر بود، بن‌بست‌ها باز میشود، شکافته میشود؛ [یعنی] کار فراوان، پرچم و باکیفیت و مجاهدانه و انقلابی. انقلابی یعنی چه؟ بعضی خیال میکنند وقتی می‌گویم انقلابی، یعنی بی‌نظم؛ خیر، اتفاقا یکی از خطوط اصلی انقلابی‌گری، نظم است؛ منتها انقلابی، یعنی اینکه خودمان را سرگرم کارهای حاشیه‌ای و تشریفاتی و زرق‌وبرقی و مانند اینها نکنیم؛ کار انقلابی یعنی برای یک مجوز [راه‌ها را کوتاه کنند]. عده‌ای از این کارآفرینان با‌اخلاص و متدین، چندی پیش آمدند با ما ملاقات کردند و گفتند که برای مجوز یک چیز کوچک -که حالا اسم آوردند و بنده نمیخواهم جزئیات را بیان کنم- باید انسان از مثلا ۲۰ یا ۲۵ جا مجوز بگیرد؛ اینها کار غیر انقلابی است. کار انقلابی یعنی آن کسانی که ضوابط را تعیین میکنند، بیایند راه‌ها را کوتاه کنند؛ راه‌های میان‌بر بگذارند جلوی پای مردم، جلوی پای کارآفرین، جلوی پای کسی که میخواهد خدمت بکند؛ کارهای لازم اینها است، [مسئولین] دامن همت به کمر بزنند و واقعا کار کنند.

بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس / ۱۳۹۶/۰۲/۰۲

یکی از بزرگ‌ترین فوائد این جنگ هشت ساله و دفاع هشت‌ساله، حفظ و تقویت روحیه‌ی انقلاب و حرکت، در نسل جوان ما و در جامعه‌ی ما بود. اگرچنانچه این حرکت جهادی و فداکارانه به وجود نمی‌آمد، روحیه‌ی انقلابی در آن اوایل که هنوز عمق زیادی هم پیدا نکرده بود، در معرض تطاول قرار میگرفت. بله، امام بزرگوار حضور داشت و شخصیت ایشان یک شخصیتی بود که خیلی از چیزها را تضمین میکرد؛ لکن خطرات، خطرات سنگینی بود؛ روحیه‌ی انقلابی قطعاً در معرض تهدید قرار میگرفت. انقلاب با حضور در صحنه‌ی دفاع مقدس، ماندگار شد.

بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۶/۰۲/۱۲

بعضی عقلانیت را در این میدانند و می‌گویند که «چالش با قدرتها هزینه دارد» -[البته] اشتباه میکنند- بله، چالش هزینه دارد، اما سازش هم هزینه دارد. شما ملاحظه کنید دولت سعودی برای اینکه با رئیس‌جمهور جدید آمریکا بتواند سازش بکند، مجبور میشود بیش از نیمی از ذخایر موجودی مالی خودش را در خدمت هدفها و طبق میل آمریکا هزینه کند. اینها هزینه نیست؟ سازش هم هزینه دارد. چالش اگر عقلانی باشد، چالش اگر منطبق با منطق باشد، اگر با اعتمادبهنفس باشد، هزینه‌اش بمراتب کمتر از هزینه‌ی سازش است. من عرض کردم -ان‌شاءالله بعدها [هم] صحبت خواهم کرد- این‌جور نیست که قدرتهای توطئه‌گر و قدرتهای متجاوز به یک حدی قانع باشند؛ ما این را در تعاملات این چند سال اخیر مشاهده کرده‌ایم. یک حدی را مشخص میکنند، وقتی شما در آن حد عقب‌نشینی کردید، تازه یک حرف جدید مطرح میکنند، یک ادعای جدید و یک مطالبه‌ی جدید مطرح میکنند، شما را باز با همان فشارها مجبور میکنند این مطالبه‌ی جدید را هم بهشان بدهید؛ و این سلسله همین‌طور ادامه پیدا خواهد کرد؛ این متوقف نمیشود.

انقلابیگری یعنی مسئولین کشور، هدفشان را راضی کردن قدرتهای مستکبر قرار ندهند؛ مسئولان کشور، هدفشان را راضی کردن مردم، به کار گرفتن نیروهای داخلی، تقویت عناصر فعال در داخل کشور قرار بدهند؛ این انقلابیگری است. معنای انقلابیگری این است که کشور و مسئولان، تسلیم هیچ زورگویی‌ای نشوند، دچار انفعال نشوند، دچار ضعف نفس نشوند؛ نه زورگویی و قلدری را از طرف مقابل قبول کنند، نه فریب او را بخورند - چون قدرتها با وجود اینکه زورگویند و قلدرند و دستشان پر از اسلحه است، از فریب هم دریغ نمیکنند؛ آنجایی که ممکن باشد، اهل خدعه و فریب و دور زدن و این حرفها هم هستند- اینها معنای انقلابیگری است.

بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۶/۰۳/۱۴

می‌شنوم گاهی اوقات بعضی در مقابل شعارهای انقلاب، عنوان و مفهوم عقلانیت را مطرح میکنند؛ کانه عقلانیت نقطه‌ی مقابل انقلابیگری است؛ نه، این خطا است؛ عقلانیت واقعی هم در انقلابیگری است. نگاه انقلابی است که میتواند حقایق را به ما نشان بدهد. ببینید! کی بود آنوقتی که امام، آمریکا را به‌عنوان شیطان بزرگ معرفی کرد و به‌عنوان یک موجود یا دولت غیرقابل‌اعتماد معرفی کرد؛ این را سالها پیش امام بزرگوار به ملت ایران - به ماها- یاد داد؛ امروز بعد از گذشت سالها، روسای کشورهای اروپایی میگویند آمریکا غیرقابل‌اعتماد است.

آنچه در آینه جوان ببیند

پیچ در خشت خام آن ببیند

...

من خلاصه کنم: بزرگ‌ترین درسی که امام بزرگوار به ما داد، درس روحیه و ذهن و عمل انقلابی است؛ این را باید فراموش نکنیم. امام میراث فرهنگی نیست؛ بعضی به امام به چشم میراث فرهنگی نگاه میکنند. امام زنده است؛ امام، امام ما است؛ امام، پیشوای ما است؛ امام، در مقابل ما است. بله، جسم امام نیست، اما سخن امام و راه امام و فکر امام و نفس امام زنده است؛ با این چشم به امام نگاه کنید و از او بیاموزید.

بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۶/۰۳/۱۴

انقلابیگری یعنی مسئولین کشور، هدفشان را راضی کردن قدرتهای مستکبر قرار ندهند؛ مسئولان کشور، هدفشان را راضی کردن مردم، به کار گرفتن نیروهای داخلی، تقویت عناصر فعال در داخل کشور قرار بدهند؛ این انقلابیگری است. معنای انقلابیگری این است که کشور و مسئولان، تسلیم هیچ زورگویی‌ای نشوند، دچار انفعال نشوند، دچار ضعف نفس نشوند؛ نه زورگویی و قلدری را از طرف مقابل قبول کنند، نه فریب او را بخورند - چون قدرتها با وجود اینکه زورگویند و قلدرند و دستشان پر از اسلحه است، از فریب هم دریغ نمیکنند؛ آنجایی که ممکن باشد، اهل خدعه و فریب و دور زدن و این حرفها هم هستند- اینها معنای انقلابیگری است.

عرض من این شد: برادران عزیز، خواهران عزیز، جوانهای عزیز در سراسر کشور و مسئولین محترم کشور! همه بدانید که ما امروز به روحیه انقلابی، به ممشای انقلابی، به شعار انقلابی، به اصول و مبانی انقلاب امام بزرگوارمان نیازمندیم؛ کشور احتیاج به این دارد. انقلابیگری را با عنوان افراطی‌گری و مانند این حرفها، نفی نکنید؛ انقلابیگری، نیاز امروز کشور است. این همان درسی است که امام بزرگوار به ما داد و از این درس باید استفاده کنیم.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۶/۰۳/۱۷

آنچه من میخواهم عرض بکنم این است که در این سالها، علیه دانشگاه و برای خارج کردن دانشگاه از این صحنه مبارزه خیلی تلاش کردند؛ علتش هم این است که دانشگاه مهم است. دانشگاه اگر در خدمت انقلاب باشد خیلی مهم است؛ از خیلی از قشرهای دیگر تاثیرش بیشتر است. اولاً همه جوانند، کم‌تعلقند، آماده‌به‌کارند، ذهن فعالی دارند، فهمیند؛ اینها خیلی نکات مهمی است؛ بعد هم بر روی محیط جامعه تاثیر دارند؛ یعنی دانشجوی انقلابی میتواند روی محیط پیرامونی خودش اثر بگذارد؛ اولش خانواده است، بعد مرتب‌تینند، بعد دوستان، و در محیط اجتماعی اثر میگذارد؛ لذا برای اینکه دانشگاه را از هویت انقلابی خالی کنند و خلاص بکنند، خیلی تلاش کردند، خیلی کار کردند، خیلی سیاست‌ورزی کردند در این زمینه. متأسفانه از داخل خود ما هم در مواردی کمک شد به اینها که بتوانند دانشگاه را انقلاب‌زدایی کنند؛ یعنی روحیه انقلابی، روحیه حزب‌اللهی، روحیه مبارزه از محیط دانشجویی گرفته بشود.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۶/۰۳/۲۲

من در صحبت اول سال، شاید مجملد یک فهرستی از دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف -در زمینه‌های زیرساختی، در زمینه‌های نیروی انسانی؛ در زمینه‌های گوناگون- گفتم؛ چون بعضی حاضر نیستند اینها را اقرار کنند، اعتراف کنند؛ [حتی] بعضی از خود مسئولین هم غفلت میکنند از آنچه دستاورد انقلاب است. [اینکه] با این مسائلی که برای کشور پیش آمد، با این‌همه مشکلات، با تحمیل جنگ، با تحمیل تحریمهای کذائی، با دشمنی صریح و واضح قدرتهای مسلط دنیا، کشور توانسته است این دستاوردها را به دست بیاورد، اینها نیست جز اینکه کشور احساس هویت کرد؛ ملت ایران هویت خودش را فهمید، شناخت، احساس موجودیت کرد، با قوت و قدرت حرکت کرد؛ این احساس هویت چنین حالتی را به انسان میدهد؛ این اعتمادبه‌نفس را به انسان میدهد. خب میگویم «هویت ملت ایران»؛ این هویت چیست؟ هویت ملی ما چه‌جوری تعریف میشود؟ ما ملتی هستیم مسلمان، ریشه‌دار در تاریخ، و انقلابی؛ این هویت ما است. مسلمانی ما، عمق تاریخی ما، و انقلابی بودن ما سه عنصر اصلی است که هویت ملت ما را تشکیل میدهد. این سه را نباید از نظر دور بداریم.

خطبه‌های نماز عید فطر / ۱۳۹۶/۰۴/۰۵

ملت عزیز ایران سرافراز باشند که کارهای بزرگی انجام دادند؛ دل شاد کنید، امید در دل بپرورانید؛ کارهای بزرگی انجام دادید؛ در همین ماه مبارک و اندکی پیش از ماه مبارک، اولاً آن انتخابات پرشور و با عظمت را توانستید به دنیا نشان بدهید؛ کار بزرگی بود، کار عظیمی بود. ثانیاً همین راه‌پیمایی روز قدس، کار بسیار با عظمتی است. این تهاجم قدرتمندانه‌ی سپاه به دشمنان کار بزرگی بود. همان‌طور که در خطبه‌ی قبل عرض کردم، دستاوردها -دستاوردهای شخصی و معنوی و عبادی ما- ذخیره‌های معنوی ما است؛ این چیزها هم ذخیره‌های اجتماعی ما است؛ این ذخیره‌ها را هم باید حفظ کرد. حفظ این ذخایر به این است که ملت وحدت خودش را حفظ کند، اتحاد و اجتماع خودش را حفظ کند، انگیزه‌ی انقلابی خودش را حفظ کند، حرکت در جهت اهداف و آرمانهای انقلاب را در دلشان به‌عنوان یک هدف والا حفظ کنند.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره مرحوم آیت‌الله حاج شیخ غلامرضا بزدی (فقیه خراسانی) / ۱۳۹۶/۰۵/۳۰

به بنده نامه‌هایی نوشته میشود از طریق [واحد] ارتباط مردمی، برای حضور در جبهه‌های جنگ؛ جبهه‌ی جنگ در کجا؟ در سوریه، در حلب؛ همین‌طور مدام نامه مینویسند، التماس میکنند؛ بعضی‌ها خودش التماس میکنند، بعضی‌ها والدینشان التماس میکنند که «جوان ما خیلی بی‌تابی میکند، شما اینها را بفرستید». اینها پدیده‌های باورنکردنی است؛ یعنی واقعا اگر اینها را برای ما از یک زمان دیگر نقل میکردند و خودمان ندیده بودیم، به‌آسانی حاضر نبودیم اینها را باور کنیم؛ اما در زمان ما دارد اتفاق می‌افتد. این چه عاملی است که این جوان را وادار میکند که عشق به جهاد و عشق به دفاع از ارزشها، او را از زن و زندگی و خانواده و بچه و پدر و مادر و راحتی و شغل و همگی بکند و بفرستد به هزارها کیلومتر آن‌طرف‌تر و خارج از مرزهای کشور برای مبارزه‌ی با دشمن؟ اینها را نباید ندیده گرفت. حالا چون اسم مفاخر فرهنگی را آوردند، آقایان و وزیر محترم ارشاد هم اینجا حضور دارند، [لازم است] سفارش بکنم آقایانی که دستی در کار ارشاد و مسائل فرهنگی

و مانند آن دارند به این نکته توجه کنند که امروز مهم‌ترین وظیفه‌ی ما تقویت این روحیه در جوانها و در نسل جوان است. ما اگر طرفدار اخلاقیم، باید همین روحیه انقلابی را در آنها تقویت کنیم. اخلاق را هم به برکت روحیه دینی و انقلابی می‌شود در جوانها تامین کرد؛ اخلاق بدون دین، اخلاق بدون تقوا، اخلاق بدون روحیه انقلابی و حرکت جهادی و میل به جهاد در راه خدا، نه پدید می‌آید و نه منعقد می‌شود، اگر هم منعقد بشود عمقی ندارد. ما باید امروز تلاشمان را مصروف تربیت دینی و تربیت انقلابی جوانها بکنیم و این جریان عظیم نیروی انقلاب را هم که خوشبختانه در بین جوانها هست، تقویت بکنیم؛ بهشان امید بدهیم، بهشان پشتیبانی بدهیم و این جریان را تقویت بکنیم. این‌جور نباشد که جریان انقلابی تضعیف بشود، جریان مقابل آنها تقویت بشود؛ این نباید اتفاق بیفتد؛ نه در محیط دانشگاه، نه در محیط تبلیغات دینی، نه در محیط فرهنگی و امثال اینها.

گزیده‌ای از بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و فعالان فرهنگی استان‌های بزد و همدان / ۱۳۹۶/۰۵/۳۰

سفارش بکنم، آقایانی که دستی در کار ارشاد و مسائل فرهنگی و مانند اینها دارند به این نکته توجه کنند که امروز مهم‌ترین وظیفه‌ی ما تقویت این روحیه در جوانها و در نسل جوان است. ما اگر طرفدار اخلاقیم، باید همین روحیه انقلابی را در اینها تقویت کنیم. اخلاق را هم به برکت روحیه دینی و انقلابی می‌شود در جوانها تامین کرد؛ اخلاق بدون دین، اخلاق بدون تقوا، اخلاق بدون روحیه انقلابی و حرکت جهادی و میل به جهاد در راه خدا، نه پدید می‌آید و نه منعقد می‌شود، اگر هم منعقد بشود عمقی ندارد. ما باید امروز تلاشمان را مصروف تربیت دینی و تربیت انقلابی جوانها بکنیم و این جریان عظیم نیروی انقلاب را هم که در بین جوانها خوشبختانه هست، تقویت بکنیم؛ بهشان امید بدهیم، بهشان پشتیبانی بدهیم و تقویت بکنیم این جریان را. این‌جور نباشد که جریان انقلابی تضعیف بشود، جریان مقابل آنها تقویت بشود؛ این نباید اتفاق بیفتد؛ نه در محیط دانشگاه، نه در محیط تبلیغات دینی، نه در محیط فرهنگی و امثال اینها.

دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت با رهبر انقلاب / ۱۳۹۶/۰۶/۰۴

رهبر انقلاب اسلامی با گرامیداشت هفته‌ی دولت و بزرگداشت یاد و خاطره‌ی شهیدان رجایی و باهنر به‌عنوان دو نام ماندگار و نمادین، گفتند: با اینکه دوران مسئولیت این دو بزرگوار، بسیار کوتاه بود و نمی‌توان قضاوتی درباره‌ی عملکرد اجرایی آنان داشت، اما همواره از این دو شهید عزیز به نیکی و با تحلیل یاد می‌شود که علت آن، روحیات شخصیتی و مدیریتی آنان، همچون «انقلابی، مومن و صادق بودن» است.

دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت با رهبر انقلاب / ۱۳۹۶/۰۶/۰۴

رهبر انقلاب اسلامی در ادامه، توصیه‌هایی خطاب به رئیس‌جمهور و اعضای دولت دوازدهم بیان کردند که «داشتن نیت الهی برای خدمت به مردم به‌عنوان بندگان خدا و حل مشکلات آن‌ها»، و «انس با قرآن و دعا» اولین توصیه‌ی ایشان بود.

«در نظر گرفتن کارآمدی، تدین، انقلابی بودن، پرکاری و جهادی عمل کردن در انتخاب همکاران و مدیران زیرمجموعه» هشتمین توصیه‌ی رهبر انقلاب اسلامی بود و در همین خصوص گفتند: اگر همکاران و مدیران شما افرادی با این خصوصیات نباشند، اهداف و مقاصد به سرانجام نخواهد رسید همان‌گونه که طرح تحول آموزش و پرورش و نقشه‌ی جامع علمی کشور به‌رغم زحماتی که برای آن کشیده شد، آن‌گونه که باید، به نتیجه نرسیده است.

دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت با رهبر انقلاب / ۱۳۹۶/۰۶/۰۴

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنانشان، «حفظ جهت‌گیری و روحیه انقلابی و دینی در دیپلماسی» را مهم خواندند و تاکید کردند: باید در مسائل دیپلماسی به انقلاب خود افتخار کنیم و از عمل کردن به هنجارهای ملی یعنی هنجارهای برآمده از انقلاب، نظیر ایستادگی در مقابل استکبار، ظلم‌ستیزی و مخالفت با نظام سلطه، احساس عزت کنیم.

دیدار رئیس و اعضای دوره جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام با رهبر انقلاب / ۱۳۹۶/۰۶/۲۲

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پایان سخنانشان خاطرنشان کردند: مجمع تشخیص مصلحت، یادآور امام بزرگوار و فرآورده‌ی انقلاب است، و در فرایند اداره و مدیریت کشور دارای تاثیر بسیار مهمی است؛ بنابراین باید تفکرات امام و انقلاب بر آن کامل‌ا حاکم باشد، انقلابی فکر و عمل کند و هیچ مصوبه، موضع‌گیری یا اقدامی متفاوت با مبانی اصلی انقلاب و میراث گرانقدر امام از آن مشاهده نشود.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۶/۰۶/۳۰

این مجلس [خبرگان] حقیقتاً یک مجلس استثنائی و بی‌نظیری است از لحاظ ترکیب، از لحاظ وظایف، از لحاظ کارکرد در این سالهای گذشته تا امروز؛ و به نظر بنده میتوان به این مجلس امید بست برای یک کار مهم دیگر در کنار این کارهایی که تاکنون انجام داده است و میدهد، و آن عبارت است از نگاه کلان و راهبردی به انقلاب و مسیر انقلاب. ما این را در دستگاه‌هایمان نداریم؛ دستگاهی برای این کار نداریم. البته جزو وظایف رهبری است و تا حد ممکن -حالا با نقصهایی که وجود دارد در این حقیر- تلاش شده که این کار انجام بگیرد، لکن دستگاهی برای این کار نداریم. قوای سه‌گانه مامور اداره‌ی کشورند و کشور را باید اداره کنند؛ هرکدام در یک بخشی و به یک نحوی. البته اداره‌ی انقلابی باید بکنند، شکی نیست، اما نگاهشان به‌طور طبیعی به همین راهی است که دارند می‌روند، به همین مسیری که دارند می‌روند؛ و نگاه کلان و راهبردی به مجموعه‌ی انقلاب در طول این ۳۹ سال گذشته و در طول ده‌ها سال آینده قاعدتاً نیست؛ یک مرکزی لازم است که این نگاه را داشته باشد.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۶/۰۶/۳۰

شرط دوام حیات جمهوری اسلامی وجود انگیزه‌های انقلابی و وجود روحیه انقلابی است. اگر روحیه انقلابی نباشد، جمهوری اسلامی نخواهد بود؛ بلکه، یک حکومتی سر کار خواهد بود، اما آن حکومت، دیگر جمهوری اسلامی نیست. این حرکت مردم، این خونهایی که دادند، این زحماتی که کشیدند برای احیا اسلام، برای احیا شریعت اسلامی، برای این بوده؛ اینها از بین خواهد رفت، لگدمال خواهد شد. بنابراین، انگیزه‌ی انقلابی برای حفظ جمهوری اسلامی حتماً لازم است. این انگیزه در چه وضعی است؛ آیا کم شده، آیا زیاد شده، آیا ادامه پیدا کرده، چه مقابله‌ها و مبارزه‌هایی با این انگیزه انجام می‌گیرد، راه مقابله‌ی با آنها چیست؛ و بر اساس آن، مطالبه تنظیم کنیم. فرض بفرمایید بنده که در صحبت‌های مختلف مدام می‌گویم که به بچه‌های انقلابی و حزب‌اللهی کمک کنید، معنایش همین است؛ یعنی این یک مطالبه است بر اساس نگاه به حرکت انقلابی کشور. البته در این زمینه خوشبختانه کشور عقب که نرفته هیچ، پیش هم رفته؛ این‌هم قابل اثبات و مسلم [است].

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدا و اینارگران روحانی استان قم / ۱۳۹۶/۰۸/۲۲

روحانیت وقتی که انقلابی باشد، وقتی در حال مبارزه باشد، وقتی در حال مجاهدت باشد، وقتی که دشمن را بشناسد، وقتی که شیوه‌ها و ترفندهای دشمن را تشخیص بدهد، وقتی خود را آماده‌ی برای مقابله‌ی با این شیوه‌ها و ترفندها بکند، آنوقت به جایگاه اصلی و واقعی خودش حقیقتاً نزدیک شده یا رسیده. و این طبعاً خطر دارد، ضرر دارد، ضررهای مادی دارد، از جمله این که انسان کشته می‌شود در این راه، خوشن ریخته می‌شود، که خود این بزرگ‌ترین رتبه است پیش خدای

متعال و خدای متعال شهادت را به هرکسی هم نمیدهد.

بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی / ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

سیاه‌نمایی هنر نیست؛ اینکه برداریم همین‌طوری بی‌هوا، این دستگاه را، آن دستگاه را، این قوه را، آن قوه را بدون هیچ تمییزی محکوم کنیم؛ خب هر کسی، هر بچه‌ای هم میتواند سنگ دستش بگیرد شیشه‌ها را بشکند، اینکه هنر نیست، هنر این است که انسان، منطقی حرف بزند، منصفانه حرف بزند، برای خاطر هوای نفس حرف نزند، برای خاطر جهات شخصی حرف نزند، برای خاطر قدرت‌پای حرف نزند، خدا را در نظر داشته باشد؛ ان السمع و البصر و القواد کل اولئک کان عنه مستولاً، بدانید خود این حرفی که میزنید، در روز قیامت عملی است که مجسم میشود در مقابل شما، و خدای متعال مواخذه میکند، سوال میکند؛ نمیشود هر حرفی را انسان به‌خاطر میل دل خودش بزند. انقلابی‌نمایی غیر از انقلابی‌گری است؛ انقلابی‌نمایی [یعنی] آدم جوری عمل کند که گانه ما [انقلابی هستیم]؛ انقلابی‌گری کار سختی است؛ پابندی لازم دارد، تدین لازم دارد.

پیام درپی حماسه ملت در راهپیمایی ۲۲ بهمن / ۱۳۹۶/۱۱/۲۳

ملت عزیز و سربلند ایران! امروز عزم و بصیرت شما حادثه‌ی بزرگ و خیره‌کننده‌ی آفرید. عظمت راه‌پیمایی امروز شما که به نظر محاسبه‌گران دقیق، از سال‌های پیش پرجمعیت‌تر و پرشورتر بود، پاسخ قاطع و دندان‌شکنی به بیگانگان و دشمنان و سست‌عهدان داد. دشمن با تکیه بر تصور ناقص و باطل خود از ایران و ایرانی، همه‌ی توان و تلاش تبلیغی خود را بر این متمرکز کرده بود که ۲۲ بهمن امسال را بی‌رونق و احیانا به ضد خود تبدیل کند. شما عملاً زنده و پویا بودن انقلاب را به رخ آنان کشیدید و پابندی به آرمانهای امام راحل را با شعارهای خود و با حضور گرم خود، با صدای بلند فریاد کردید. نهب ملت ایران دشمن را به عقب میراند و عزم راسخ او معادلات غلط آنان را به هم میریزد. مسئولان کشور قدر این پدیده‌ی بی‌نظیر را بدانند و با استقامت کامل و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی به ملت عزیز خدمت و از آرمانهای انقلاب دفاع کنند. آینده متعلق به ملت بیدار و بصیر ماست، ما مسئولان باید بکوشیم از ملت عقب نمانیم. ولا تهنوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مومنین

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

این هم که ما خیال کنیم انقلاب بدون نظام معنی میدهد، یک خطای دیگری است که از آن طرف، بعضی تصور میکنند انسان باید به همه چیز، به همه‌ی حوادث، به همه‌ی بخشهای نظام اسلامی زبان اعتراض و انتقاد و مانند اینها پیدا کند به اسم انقلاب؛ نه، این [صحیح] نیست. انقلاب یعنی نظام انقلابی؛ این نظام اسلامی، همین نظام امت و امامت، نظام مردم‌سالاری دینی باید باشد با هدفهای انقلاب، با حرکت انقلابی، با جهتگیری انقلاب؛ این باید اتفاق بیفتد. خب خوشبختانه ما [افراد] انقلابی کم نداریم و در بین آحاد مردم، انقلاب بحمدالله سکه‌ی رایج است؛ در بین مدیران هم کم نیستند کسانی که به معنای واقعی کلمه طرفدار انقلابند. این حساسیت‌ها نباید از بین برود.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

من میخوام [مطلبی هم] عرض بکنم برای آینده‌ی کشور؛ بدانید، اولاً جوانها باید خودشان را آماده بکنند؛ از لحاظ علمی، از لحاظ اعتقادی، از لحاظ انگیزه‌های انقلابی، جوانها باید همیشه آماده باشند. جوانها موتور پیشرفت انقلابند؛ از اول هم همین‌جور بوده است، تا امروز هم همین‌جور است. خوشبختانه ما امروز جوان دارای عزم و همت و بصیرت، از اول انقلاب بیشتر داریم. نه اینکه به‌قدر اول انقلاب؛ نخیر، بصیرت جوانهای امروز، عمق معرفت جوانهای امروز، از بسیاری از جوانهای اول انقلاب بیشتر است و ما در این زمینه هیچ کمبود نداریم؛ این بحمدالله هست. جوانها خودشان را باید آماده کنند؛ این نوجوان‌هایی که به سمت جوانی میروند باید خودشان را آماده کنند؛ تفکرات انقلابی، انگیزه‌های انقلابی، بصیرت انقلابی، اقدام انقلابی، جزو سرفصل‌هایی است که جوانهای ما باید به یاد داشته باشند.

انتصاب نماینده ولی‌فقیه در سپاه و رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا / ۱۳۹۶/۱۲/۱۳

جناب حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ عبدالله حاج صادقی (دامت افاضاته)
 نظر به پایان ماموریت جناب حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ علی سعیدی و تعهد و شایستگی و تجارب ارزنده، جناب‌عالی را به سمت نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب می‌نمایم.
 ارتقا معنویت و بصیرت دینی و تقویت روحیه جهادی و انقلابی آحاد فرماندهان و پاسداران و بسیجیان و خانواده‌های آنان با بهره‌گیری از حوزه‌های علمی و استفاده از روحانیون عالم و عامل و اثرگذار، هماهنگ با سیاست‌های ابلاغی و تعامل هم‌افزا با فرماندهی کل سپاه مورد انتظار است.

دیدار وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات با رهبر انقلاب / ۱۳۹۷/۰۱/۲۹

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر اینکه آحاد وزارت اطلاعات پدید آمده‌ی انقلاب و فرزندان امام و انقلاب هستند، خاطرنشان کردند: بر همین اساس وزارت اطلاعات و همه کارکنان آن باید همواره صد درصد انقلابی بمانند و انقلابی حرکت کنند.
 ...
 رهبر انقلاب اسلامی، همه اجزا وزارت اطلاعات را به مطالعه دقیق وصیت نامه و فرمایشات امام(ره) توصیه موکد کردند و گفتند: باید همه بخشها و بدنه وزارت با میانی و اصول انقلاب کاملاً آشنا باشند و در این چارچوب، انقلابی عمل کنند.

دیدار فرمانده کل ارتش و جمعی از فرماندهان نیروی زمینی با رهبر انقلاب / ۱۳۹۷/۰۲/۰۲

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا در دیدار فرمانده کل ارتش و جمعی از فرماندهان نیروی زمینی، با تحسین کارآمدی و تجارب ارزشمند پرسنل قدیمی ارتش و ابراز امیدواری درباره آینده درخشان جوانان آن، بر استمرار پیشرفت و افزایش توان ارتش تاکید و خاطرنشان کردند: پیشرفت‌ها باید همچنان ادامه پیدا کند تا ارتش فردا از ارتش امروز بهتر، قوی‌تر، کارآمدتر و انقلابی‌تر باشد.
 ...
 فرمانده کل قوا همچنین با تجلیل از مواضع انقلابی و وحدت‌آفرین امیر سرلشکر موسوی فرمانده کل ارتش، افزودند: آقای سرلشکر موسوی در عین دلپستگی سازمانی و پابندی عاطفی به ارتش که حفظ و تاکید بر آن لازم است، سخنان بسیار خوبی در خصوص اتحاد نیروهای مسلح بیان کردند که این سخنان نشان‌دهنده عقل‌مدیریتی و صفای باطنی است و ارتش را در چشم مردم بیش از پیش ارزشمند می‌کند.

بیانات در دانشگاه فرهنگیان / ۱۳۹۷/۰۲/۱۹

سهمیه‌ی جذب هیئت علمی باید افزایش پیدا کند که این به‌عهده‌ی سازمان امور استخدامی است. اساتید اینجا [دانشگاه فرهنگیان] هم بایستی از لحاظ خصوصیات فکری و علمی، جزو شاخص‌ترین‌ها باشند؛ تدین؛ سطح بالای دانش؛ روحیه انقلابی؛ انطباق با معیارهای سند تحول؛ نمیشود که ما سند تحول را تنظیم کنیم و دنبال تحققش باشیم، [اما] آنچایی که اساسی‌ترین و محورترین مرکز آموزش و پرورش است، از خصوصیات و معیارها و شاخصها و اندازه‌های سند

تحول دور باشد؛ این امکان ندارد. هسته‌های گزینش در این زمینه هیچ مسامحه نکنند؛ اساتید برجسته، اساتید خوب و البته استاد تمام‌وقت [گزینش کنند].

انتصاب حجت‌الاسلام دزکام به نمایندگی ولی‌فقیه در استان فارس / ۱۳۹۷/۰۲/۲۷

به‌خوبی آگاهید که شیراز یکی از پایگاه‌های برجسته فرهنگی کشور و نیز در بردارنده‌ی یکی از حریم‌های مطهر خاندان مکرم پیامبر صلوات‌الله‌علیهم است. مردم فارس در آزمون‌های بزرگ کشور، رشد فرهنگی و نیز ارادت قلبی و پایبندی عمیق خود به اهل‌بیت علیهم‌السلام را نشان داده‌اند. حوادث دوران مبارزات انقلاب و سال‌های دفاع مقدس و چهره‌های نورانی شخصیت‌های انقلابی و شهدای نام‌آور آن خطه همچون شهید آیه‌الله دستغیب اعلی‌الله‌مقامه شاهد برجستگی ایمانی و عملی آن مردم عزیز است. خدمت به این مردم افتخار بزرگی است. توصیه موکد اینجانب ارتباط صمیمانه با همه‌ی قشرهای مردم بویژه جوانان و ترویج اندیشه و عمل انقلابی است. ارتباط با علما اعلام و حوزه‌ی علمیه و دانشگاهیان و اهالی فرهنگ و ادب توصیه‌ی دیگر اینجانب است.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۷/۰۲/۰۷

بدیهی است که این آرمان‌ها [ای انقلاب] در کوتاه‌مدت تحقق پیدا نمی‌کند؛ اگر بخواهیم این آرمان‌ها در جامعه تحقق پیدا کند، یک حرکت بلندمدت لازم دارد. یعنی چه؟ یعنی زنده بودن انقلاب. ببینید! اینکه مدام می‌گوییم انقلابی باشیم، انقلابی بمانیم، معنایش این است. اگر چنانچه انقلاب استمرار پیدا کرد، تحقق این آرمان‌ها ممکن خواهد شد؛ اگر چنانچه این استمرار با آگاهی و هوشیاری و دقت‌نظر و مانند اینها باشد، تحقق این آرمان‌ها قطعی خواهد شد؛ اما اگر وسط راه به این نتیجه رسیدیم که انقلاب دیگر لازم نیست، دیگر دیوان‌سالاری و تشکیلات حکومت [باشد]، اینها تحقق پیدا نمی‌کنند. مگر ما اصلاً انقلاب کردیم برای اینکه آنها بروند، حکومت را بدهند به ما؟ مگر برای این انقلاب کردیم که حکومت را [بگیریم]؟ آنها [بگیرند] که مبارزه می‌کردند، آنها [بگیرند] که شلاق می‌خوردند، آنها [بگیرند] که زندان می‌رفتند، چیزی را که فکر نمی‌کردند، این بود که یک روزی این انقلاب پیروز بشود، اینها مثلا بشوند وزیر و وکیل و رهبر و رئیس و این حرفها؛ به ذهنها خطور نمی‌کرد؛ برای هدفی حرکت می‌کردند و کار می‌کردند. هدف این نبود که یک عده‌ای مدیریت را تحویل ما بدهند، ما هم مثل آنها شروع کنیم مدیریت کردن، منتها [آنها] آدم‌های بدی بودند، ما آدم‌هایی خوبی باشیم؛ که اگر آن جور باشد خوب هم نمی‌مانیم؛ انسان خوب هم نمی‌ماند. پس بنابراین، انقلاب باید استمرار پیدا کند. ببینید! من با استدلال دارم می‌گویم که انقلابی باید بود و انقلابی باید ماند و انقلابی باید حرکت کرد، که طبعاً این الزاماتی دارد؛ انقلابی حرکت کردن الزاماتی دارد.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۷/۰۲/۰۷

این‌جوری نباشد که ما خودمان، خودمان را به اشتباه بیندازیم، بگوییم «آقا، هیچ فایده‌ای ندارد، نشده، پیشرفت نکردیم و نمیتوانیم بکنیم»؛ نخیر، پیشرفت کردیم، باز هم ان‌شاءالله پیشرفت خواهیم کرد؛ این کار، یک جاده‌ی باز است؛ ما یک اتوبان را به‌صورت یک بن‌بست تصویر نکنیم. جلوی ما اتوبان است و میتوانیم حرکت کنیم؛ بخصوص با امکاناتی که کشور دارد؛ نیروی انسانی و مسائل طبیعی که من آن روز در دیدار با مسئولین، مفصلاً در این زمینه‌های امکانات کشور و ظرفیت‌های کشور، صحبت کردم. خوب اینکه این مطلب، حالا باید این با قوت و شدت ادامه پیدا کند یعنی به این حد قانع نیستیم. یک عواملی وجود دارد که به ما کمک میکند، یک موانعی هم وجود دارد که باید به آن موانع توجه داشت. یکی از عواملی که وجود دارد، حکومت است. حکومت جزو عوامل پیشرفت به سمت این آرزوها است یعنی حکومت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی یکی از عوامل است. اگر چنانچه این اختلال پیدا بکند، مطمئناً در راه مشکل ایجاد خواهد کرد. باید کاری کنید که حرکت حکومت کشور و دولت کشور - دولت که می‌گویم یعنی مجموعه‌ی مدیریت عمومی کشور- و مسئولین کشور، حرکت انقلابی باشد تا اینکه این آرمان‌ها پیشرفت کند.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۷/۰۲/۰۷

من یک بحث معرفتی می‌خواهم بکنم که تاکید بر آن مطلبی است که همواره بنده تکرار کرده‌ام و گفته‌ام و آن عبارت است از انقلابی ماندن و انقلابی حرکت کردن؛ یک بیان معرفتی‌ای نسبت به این مسئله عرض می‌کنیم. یک مطالبی هم راجع به مسائل دانشجویی و جریان دانشجویی و تشکلهای دانشجویی و مانند اینها اینها در راه که حالا ان‌شاءالله اگر وقت شد عرض می‌کنم. در مجموعه‌ی انقلاب، از اول انقلاب یک تفکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب، تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند اینها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا میکنند به تنش و دعوا و سروصدا و کارهای غیر قانونی و از این حرفها. یک چنین تفکری مال امروز نیست و از روز اول پیروزی انقلاب یک چنین تفکری وجود داشت؛ این تفکر، غلط است.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۷/۰۲/۰۷

این را شما توجه داشته باشید که نظام در یک کارزار عظیمی قرار دارد. اینکه گفتم جای خودمان را بدانیم، مسئله را بشناسیم، اصل مسئله این است: شما در وسط میدان کارزارید، یک کارزار همه‌جانبه‌ی عظیم؛ این کارزار را باید احساس کنید، طرف مقابل را باید بشناسید و این‌جور، تکلیف همه‌ی ما معین میشود. نظام، بدون مشی انقلابی ارزشی ندارد؛ واقعا ارزشی ندارد. نظام، اگر چنانچه مشی انقلابی نداشته باشد، به آن آرمان‌ها نخواهد رسید، به دنبال آن آرمان‌ها نخواهد بود و با آن رژیم‌های گذشته‌ی کشور هم هیچ تفاوتی نخواهد داشت و ارزشی ندارد. البته انقلابی‌گری هم فقط در بستر نظام امکان‌پذیر است؛ این طرف قضیه را هم توجه داشته باشید. این‌جور نباشد که بعضی نظام را نفی کنند به‌عنوان اینکه ما انقلابی هستیم؛ ارزشهای نظام، ارکان نظام، بنیانهای نظام را زیر سوال ببرند به‌عنوان اینکه ما انقلابی هستیم. انقلابی‌گری به معنای ویرانگری نیست. انقلابی‌گری یک مشی صحیح و عاقلانه و پرنگیزه و پرامید و شجاعانه به سمت اهداف والا است؛ این تعریف و معنای انقلابی‌گری است؛ و این فقط در بستر و مسیر نظام اسلامی یعنی نظام موجود امکان‌پذیر است؛ خارج از این امکان‌پذیر نیست. انقلابی‌گری، ساختارشکنی نیست؛ تخریب نظام ناشی از انقلاب نیست.

بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی / ۱۳۹۷/۰۲/۲۰

یک نکته‌ی دیگری که برای برادران و خواهران عزیز نماینده قابل ذکر است، بحث رفتار نمایندگان است. به نظر من آن کلمه‌ی کلی و فراگیر و جامعی که میشود در این زمینه گفت، کلمه‌ی «انقلابی‌گری» است. رفتار نمایندگان مجلس باید رفتار انقلابی باشد؛ برخورد باید برخورد انقلابی باشد. شما در سوگندی هم که یاد کردید، این سوگند را یاد کردید که انقلاب، نتایج انقلاب، فرآورده‌های انقلاب و فرآورده‌های نظام جمهوری اسلامی را حفظ کنید؛ چطور ممکن است؟ بدون انقلابی بودن که نمیشود حفظ کرد. رفتار، باید رفتار انقلابی باشد؛ رفتار انقلابی به معنای رفتار غیرمدربرانه نیست، به‌معنای رفتار عاقلانه و مدربرانه و مجاهدانه است؛ حرکت جهادی، اینکه ما به مدیران مرتب توصیه می‌کنیم «مدیریت جهادی»، این در مورد مجلس، رفتار جهادی است، سخن گفتن جهادی است، اقدام کردن مجاهدانه و جهادی است، انقلابی‌گری است. روحیه‌ی ایمان و انگیزه‌ی انقلابی باید بر همه‌ی کارهای نماینده‌ی محترم مجلس حاکم باشد. نگاهانی از دستاوردهای انقلاب و میانی نظام، جزو سوگند نمایندگی شما است که اگر این انجام نگیرد، حضور نماینده، هم از لحاظ قانونی اشکال پیدا میکند، هم از لحاظ شرعی اشکال پیدا میکند. اگر چنانچه دستاوردهای انقلاب مراعات نشود و دستاوردهای نظام مورد توجه قرار نگیرد، این، هم از لحاظ قانون اساسی، هم از لحاظ شرع دچار مشکل میشود.

دیدار سفرا و مسئولان وزارت امور خارجه با رهبر انقلاب / ۱۳۹۷/۰۴/۲۰

رهبر انقلاب اسلامی تحقق و بروز روحیه انقلابی را در تعاملات و رویکردهای دیپلماتیک ضروری دانستند و افزودند: دیپلمات ایرانی باید به انقلاب افتخار کند و در تعاملات کاری او، «عزت، احساس افتد و اعتماد به نفس» به روشنی مشاهده شود که البته این رفتار و منش انقلابی با بیان حرف‌های نامعقول و ایجاد هیاهو کاملاً متفاوت است.

بیانات در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی / ۱۳۹۷/۰۷/۱۳

دشمن، شما را نشناخته، دشمن ملت ایران را نشناخته، دشمن انقلاب را و روحیه انقلابی و ایمانی را نشناخته و این تحلیل غلط در تمام این سالها موجب گمراهی او شده است، هنوز هم موجب گمراهی است و [طبق] این دعای منسوب به معصوم (علیه‌السلام) که «الحمد لله الذی جعل اعدائنا من الحمقا»، اعدا ملت ایران را خدا از نادانان قرار داده است؛ ابله‌ها دشمنان ملت ایران هستند.

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهید / ۱۳۹۷/۰۹/۳۱

بعضی از عناصر انقلابی از راه برگشتند؛ انقلاب ریزش داشته است، دل کسانی بسته‌ی به دنیا شد. صدر اسلام هم همین‌جور بود؛ در صدر اسلام هم یک عده انقلابیون اول کار، بعد شدند دنیاداران اواسط و اواخر عمر. بله، این هست؛ اما در کنار این ریزش، چند برابر، ما رویش داریم؛ رویش انقلاب؛ معجزه انقلاب این است. بعد از چهل سال شما می‌بینید جوان مومن مسلمان که نه امام را دیده است، نه انقلاب را دیده است، نه دوران دفاع مقدس را دیده است، نه آن حماسه‌ها را از نزدیک دیده، اما امروز با روحیه انقلابی، مثل همان جوان اول انقلاب - مثل همت و خرازی و بزرگانی از این قبیل - می‌رود وسط میدان و با علاقه، با احساس مسئولیت، با شجاعت تمام در مقابل دشمن می‌ایستد. اینکه من می‌گویم جوانهای مومن امروز، از لحاظ انگیزه از جوان اول انقلاب اگر جلوتر نباشند عقب‌تر نیستند، یعنی این. اینها رویشهای انقلابند. این معجزه انقلاب است، این معجزه نظام جمهوری اسلامی است که میتواند همان روحیه‌های پرتلاش و قوی و فولادین را بازآفرینی کند به شکل همین شهدای امروز شما.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

انگیزه‌هایی وجود دارد برای اینکه فضای انقلابی قم را تغییر بدهند و روحیه انقلابی قم و روحیه دینی قم را کم‌رنگ کنند؛ انگیزه‌هایی وجود دارد. از کید دشمن در همه‌ی جنبه‌ها و جوانب نباید غافل شد؛ از جنبه‌ی اقتصادی که کید و مکر و دشمنی میکند، نباید از کید و مکر و دشمنی او در جنبه‌ی فرهنگی غافل شد؛ مشغولند، انگیزه‌هایی دارند، عواملی را می‌فرستند؛ باید به این توجه کرد. بزرگان قم، جوانان قم باید نگذارند تا دستهای خائن، قم را از مرکزیت انقلاب، از کانون انقلاب بودن بیورند و این معانی را در آن کم‌رنگ کنند. به هر حال قم آن سرچشمه‌ی اصلی است و حوزه‌ی قم آن پشتوانه‌ی معنوی است برای این حرکتی که دنیا را تغییر داد، دنیا را تکان داد و همچنان این حرکت ادامه دارد و هنوز در آغاز راهیم.

بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران / ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تاثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفته‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا. در دانشها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی و ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانکه که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.

بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران / ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

راه‌طی‌شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.

بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران / ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجادشده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۲۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینشهای علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

مردم تبریز به یوم‌الله بیست‌ونهم بهمن افتخار میکنند. ببینید! این نکته است، این خیلی مهم است. یک عده‌ای ضعیفند، بیچاره‌اند، منفعلند؛ یک روز هم ممکن است یک حرکت انقلابی کرده باشند [اما] حالا زیر فشار توطئه‌ی دشمن و البته تمایلات دنیایی، از گذشته‌ی خودشان شرمسارند. مردم تبریز مثل اکثر ملت ایران به گذشته‌ی انقلابی خودشان مفتخرند، افتخار میکنند؛ سرشان را بالا میگیرند، میگویند ما بودیم که این حرکت انقلابی چهل‌م را، اربعین‌ها را راه انداختیم؛ راست میگویند. و همین آمدن شما به اینجا و این اجتماع عظیم و پرشور شما بخصوص جوانان عزیز، یکی از محورها و از نشانه‌های این افتخار بزرگ و پرمعنا است.

بیانات در دیدار اعضای موسسه عالی فقه و علوم اسلامی / ۱۳۹۷/۱۲/۱۳

مواظب باشید جهت‌گیری انقلابی، مقهور هیچ کدام از این شاخصها و مهمات کار این موسسه قرار نگیرد؛ جهت‌گیری انقلابی. طلبه‌ی ما، استاد ما، فاضل ما، عالم ما، مرجع ما اگر چنانچه معتقد به این تحول عظیمی که اسمش انقلاب است، بود، به درد این کشور خواهد خورد. اگر معتقد به این نبود، به درد کشور نمی‌خورد، به درد جمهوری اسلامی نمی‌خورد؛ باید معتقد باشد. اینکه بنده می‌گویم حوزه انقلابی، معنایش این نیست که حالا حتما در مثلا فلان جا شعار [بدهد]؛ حالا یک وقت لازم هم باشد، شعار هم باید داد؛ بنده هم گاهی که لازم است، شعار میدهم لکن مهم این است که عمیقاً از بن دندان معتقد باشد که این تحولی که در این کشور اتفاق افتاده، باید همچنان ادامه پیدا بکند.

...

دنیای اسلام امروز نیاز دارد به این حرکت انقلابی ما. این کسانی که در داخل حرف میزنند، کار میکنند، اظهاراتی میکنند که با گرایش انقلابی مغایر است، ولو

متضاد هم نباشد، اما همین قدر که مغایر با گرایش انقلابی است، دارند ضربه‌ی به امید امت اسلامی میزنند، این ضربه‌ی به آنها است و خیانت میکنند. بنابراین حرکتان حرکت انقلابی باشد و کار انقلابی.

انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی به ریاست قوه قضائیه / ۱۳۹۷/۱۲/۱۶

سند تحول قضائی پیشنهادی جناب‌عالی را ملاحظه کردم. بر اساس مشورتها و نظرات کارشناسی، آنرا مفید و کارساز میدانم. با این حال چند نکته را موكدا به جناب‌عالی سفارش میکنم. نخست آنکه برای همه‌ی فصول این سند و بندهای ذیل آنها، زمان تعیین کنید و خود و همکارانتان را بر پابندی به سرآمد برنامه الزام نمائید. در زمانبندیها نه عجله و نه ممانعت نباید راه داده شود. دوم آنکه در همه‌ی فصول تحول، مردمی بودن و انقلابی بودن و ضد فساد بودن را رعایت کنید.

انتصاب نماینده ولی فقیه و امام جمعه شهر همدان / ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

جناب حجت‌الاسلام آقای حبیب‌الله شعبانی موثقی دامت‌افاضانه اکنون با پایان یافتن مسئولیت جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ غیاث‌الدین طه‌محمدی دامت‌توفیقانه و با تشکر فراوان از فعالیت‌های علمی و اجتماعی ایشان در دوران آن مسئولیت خطیر، جناب‌عالی را به امامت جمعه‌ی همدان و نمایندگی خود در آن استان منصوب میکنم. همدان در شمار پیشروان حرکت انقلابی و مفتخر به تقدیم چهره‌های برجسته‌ی جهاد و شهادت و نیز شخصیت‌های عالی‌قدر علم و عرفان است. انتظار میرود با همه‌ی توان در خدمت حرکت دینی و انقلابی آن خطه تلاش نمائید.

